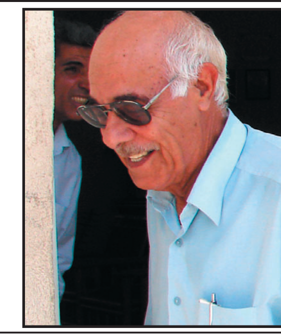
نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال دهم - شماره ۴۸۷ - یکشنبه ۲۱ بهمن ۱۳۸۶ - ۸ صفحه - ۱۵۰ تومان

به مناسبت چهل سوگ، پیر شاهین و جوان پاس بوشهر



ورزشکاران ماندگار

صفحه ۶



رئیس شورای شهر بوشهر:

با این تصمیم هیئت نظارت عملا امکان رقابتی شدن انتخابات در اکثر حوزه ها وجود ندارد

صفحه ۸

محدود کردن فضای انتخاباتی با رد صلاحیت اصلاح طلبان

آزادی انتخاب مردم را پاس بداریم!

دکتر پرویز حاجیانی – استاد دانشگاه: رد صلاحیت تمامی نامزد های اصلاح طلب و حتی بسیاری از مستقلین منتقد، دور از ذهن نبود و جناح محافظه کار تمامیت خواه از گذشته این درس را گرفته بود که به هر شکلی شده، نباید بار دیگر به رقیب فرصت داد که خود را به کرسی های قدرت نزدیک کند.

اگر عملکرد دولت نهم در حد قابل قبولی بود، می توانست آنها را به این باور برساند که تن به ریسک رقابت در انتخابات دهند، ولی عملکرد ضعیف دولت عدالت محور در حوزه های اقتصادی و فشار معیشتی روزافزون بر مردم، بیکاری در حال رشد، تورم لجام گسیخته، رکود و افزایش قیمت مسکن و ... و در یک جمله نرفتن نفت در سفره مردم و حتی در نزدیکی درِ خانه مردم، باعث شده که روز به روز شکاف مردم و اصولگرایان بیشتر شود. دولتی که تمام مسایل کمبود های موجود را به اصلاح طلبان نسبت می داد، در این عملکرد بیش از دو ساله خود نتوانسته به شعارهایش جامع عمل بپوشاند و روشن است که در فضای انتخاباتی مجلس هشتم محافظه کاران دیگر نتوانند جهت رسیدن به پیروزی به عملکرد دولت دلخوش دارند. پس تنها راه حفظ انحصاری قدرت، جز با محدود کردن فضای انتخاباتی میسر نمی گردد حتی اگر این رفتار باعث از بین رفتن حقوق اولیه و بدیهی مردم گردد. رد صلاحیت بی دلیل و غیرقابل قبول بسیاری از فرزندان این مملکت به جرم عدم اعتقاد به اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران و اجحاف حقوق اولیه آنها و محروم کردن مردم از حق بدیهی خود یعنی حق انتخاباتی آزاد و رقابتی نیز در همین راستا قابل تفسیر است.

شاید محافظه کاران در کوتاه مدت از این استراتژی یعنی بیرون کردن رقیب به هر شکل، منفعت برده و بتوانند کرسی های مجلس را از آن خود نمایند ولی روشن است که در بلندمدت از این عمل خود طرفی نخواهند بست و بیشترین ضرر و زیان را نصیب کشور خواهند کرد. آنها اگر فکر می کنند که مردم یا آگاه نیستند یا به سادگی از حق انتخاب خود خواهند گذشت، سخت در اشتباه هستند.

در این میان وظیفه تحول خواهان و اصلاح طلبان نیز بیش از پیش مهم است. اصلاح طلبان که تمامی کاندیداهای خود را رد صلاحیت شده دیده اند و زمین بازی را کاملاً در اختیار حریف سیاسی خود می بینند، نباید میدان مبارزه را ترک نمایند. آنها باید بر معیارهای اصلاح طلبی خود بالاخص بر آزادی با تمامی ابعاد آن، من جمله آزادی انتخاب تأکید نموده و در این راه از هیچ کوششی دریغ ننمایند و باید با یک بازسازی و تعمیق مبانی فکری و با اعتقاد کامل به مردم و نقد از گذشته حکومت داری خود، یک ارتباط عمیق و ریشه دار با مردم ایجاد کرده و ضمن تقویت روحیه صبر و پایداری، خود را به دادن هر هزینه ای در راه آزادی، اسلام راستین و ایران آماده سازند.



به دعوت خانه مطبوعات استان بوشهر

بخارا در بوشهر

استاد علی دهباشی و فرهنگ و مطبوعات در بوشهر

هفته گذشته نشستی تحت عنوان فرهنگ و مطبوعات در سالن دریا سینما بهمن بوشهر برگزار شد.

این نشست با حضور استاد علی دهباشی صاحب امتیاز و سردبیر مجله ادبی بخارا و جمعی از نویسندگان و روزنامه نگاران بوشهری برگزار شد.

خانه مطبوعات استان بوشهر به دنبال ارتقاء سطح کیفی روزنامه نگاران و نویسندگان بوشهری با فراهم آوردن زمینه های مطلوب در این جهت گام برمی دارد و این بار با دعوت استاد علی دهباشی صاحب امتیاز و سردبیر مجله ادبی بخارا نشستی با مضمون فرهنگ و مطبوعات برگزار کرد.

در این نشست نخست قیصی زاده رئیس خانه مطبوعات استان بوشهر با بیان مظلومیت مقوله فرهنگ به لزوم تقویت آن اشاره کرد و از برگزاری نشست فرهنگ و مطبوعات توسط خانه مطبوعات استان بوشهر به منظور ارتقاء سطح کیفی روزنامه نگاران و نویسندگان بوشهری خبر داد.

در ادامه سید قاسم یاحسینی در سخنانی به معرفی استاد علی دهباشی و نقش ارزنده وی در فضای فرهنگی کشور پرداخت.

صاحب امتیاز و سردبیر مجله ادبی بخارا در نشست فرهنگ و مطبوعات و در حضور اهالی قلم گفت: « در همه جای دنیا کسانی که وارد این حوزه ها می شوند به ندرت به دنبال قدرت و یا ثروت می روند و آنها می خواهند با این نوع زندگی شان نشان دهند که با نوع دیگری از گذران زندگی که مسلط بر محیط است حرف بزنند و به نوعی در ...

صفحه ۸

یهودیان ایران و افسانه فرهنگ ملی

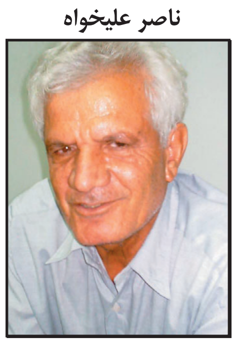
محمود دهقانی - استرالیا



صفحه ۸

درس هایی از تاریخ

ناصر علیخواه



صفحه ۵

نگاهی به وضعیت انتخاباتی در حوزه دیر، کنگان و جم

رفاقت اصولگرایان در انتخابات

سجاد بهزادی



صفحه ۸

نسیم جنوب
۲
خبر
شماره ۴۸۷ یکشنبه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۸۶
NASIM JANOUB

بهره برداری از ۴۸پروژه برق رسانی در استان بوشهر

تعداد ۴۸ پروژه برق رسانی به مناسبت دهه مبارک فجر در نقاط مختلف استان بوشهر افتتاح گردید.
به گزارش روابط عمومی شرکت توزیع برق استان بوشهر به مناسبت ایام ا...مبارک فجر ۴۸ پروژه برق رسانی در نقاط مختلف استان با اعتباری بالغ بر ۳۲/۷۶۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال به بهره برداری رسید. این پروژه ها که شامل نصب ترانس، احداث شبکه، توسعه روستایی ، برق رسانی، رفع ضعف ولتاژ و احداث شبکه های روشنایی می باشد در شهرستان های جم، تنگستان، دشتستان، دیر، گناوه و کنگان اجرا گردید.

بزرگداشت دهه فجر در دیر

بنابه گزارش خبرنگار روابط عمومی ناحیه مقاومت بسیج شهرستان دیر به مناسبت دهه مبارک فجر ۲۰ ختم قرآن از سوی پایگاه مقاومت آسیه از توابع بسیج خواهران ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان دیر با حضور خواهران بسیجی در حسینیه خواهران آن شهرستان برگزار گردید و به روح پر فتوح حضرت امام خمینی (ره) و شهدا اهدا گردید.

افتتاح ۱۹۶ پروژه مخابراتی در بوشهر

به گزارش روابط عمومی شرکت مخابرات استان بوشهر به مناسبت ایام مبارکه دهه فجر شرکت مخابرات استان بوشهر تعداد ۱۹۶ پروژه مخابراتی را با اعتبار بالغ بر ۴۵ میلیارد و ۸۵۹میلیون ریال در سطح استان افتتاح و مورد بهره برداری قرار داد: ۹۲ دفتر ICTروستایی – ۴۰ پروژه نصب و توسعه رادیو – ۲۳ پروژه مربوط به دیتا – ۲۲ پروژه تلفن همراه – ۱۷ پروژه نصب و توسعه سوییچ – ۲ دفتر مخابرات روستایی از جمله این پروژه ها بود.

یادواره ۱۸۴ شهید شهرستان گناوه برگزار شد

یادواره ۱۸۴ شهید شهرستان گناوه باحضور گسترده مردم ومسوولان این شهرستان در حسینیه ثارالله بندر گناوه برگزار شد. رییس سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران استان بوشهر در این یادواره گفت: ریشه‌های انقلاب اسلامی با خون شهیدان آبیاری شده و خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران ستونهای استوار نظام مقدس جمهوری اسلامی هستند. سید مصطفی مهدی افزود: در دوران انقلاب و دفاع مقدس خانواده‌های شهدا با بردباری و صبر، خون فرزندان خود را هدیه به اسلام و رهبر می‌دانستند و این پشتیبانی آنان از نظام، دشمن را وحشت زده می‌کرد. رییس سازمان بنیاد شهید وامور ایثارگران استان بوشهر گفت: خانواده شهدا درهمه صحنه‌ها پیشرو هستند.
شهرستان گناوه در دوران دفاع مقدس ۲۱۵ شهیدتقدیم پاسداری ازنظام جمهوری اسلامی کرده است.

مدیرعامل منطقه اقتصادی پارس:

دولت، مصوبه عملیاتی شدن پارس شمالی راابلاغ کرد



مدیر عامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس گفت:مصوبه عملیاتی شدن اجرای پروژه پارس شمالی از طرف دولت ابلاغ شده است.
به گزارش خبرنگار ایرنا سید عبدالجلیل رضوی، در نشست مطبوعاتی در عسلویه افزود:کلنگ شروع عملیات پروژه بزرگ پارس شمالی فروردین ماه سال آینده به زمین زده می‌شود. به گفته وی محدوده پارس شمالی در شهرستان‌های دیر، دشتی و تنگستان ۹۰ کیلومترطول و ۱۶ هزارهکتاروسعت داردوگازمورد نیاز این پروژه از میدان‌های گازی گلشن، فردوس، مند و فارسی تامین می‌شود. مدیراجرای پارس شمالی گفت:یک هزار و ۲۰۰ میلیارد ریال‌از پروژه‌های پارس شمالی به مناقصه رفته است. رضوی باتشریح وضعیت فعلی پروژه‌های منطقه ویژه‌اقتصادی انرژی پارس افزود: تا پایان دهه فجر ۴۰ طرح عمرانی به ارزش ۲۵۰ میلیاردتومان‌در منطقه عسلویه به بهره برداری می‌رسد.
وی در خصوص طرح‌های پالایشگاهی و پتروشیمی منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس گفت:فازهای ششم‌تادهم درسال آینده‌به‌بهره‌برداری می‌رسندوراه‌اندازی پتروشیمی جم و آریاساسول نیز شروع شده است.
مدیرعامل پارس جنوبی با اشاره به تاسیس صندوق سرمایه‌گذاری پارس جنوبی هدف از ایجاد آن را حمایت از پروژه‌های نفت و گاز با سرمایه ملی و ذخیره ارزی دانست و گفت:طرح ایجاد این صندوق تقدیم رییس جمهوری شده و مراحل پایانی تصویب را طی می‌کند.
رضوی با اشاره به برگزاری جلسات مشترک منظم با مقام‌های کشور قطر در خصوص میدان گازی پارس جنوبی، روند تعاملات را مثبت ارزیابی کرد و گفت:
نحوه برداشت از مخزن، میزان برداشت و راه‌های تکنولوژیکی برداشت گاز از میدان از جمله محورهای مذاکرات با قطری‌ها است.
وی یکی از مهم‌ترین اهداف توسعه پارس جنوبی را توجه به زیر ساخت‌های آموزشی و عمرانی دانست و گفت: در سال جاری تاکنون ۴۶ میلیارد تومان در زمینه توسعه زیرساخت‌ها مانند راه، برق، مخابرات و مراکز آموزشی و فرهنگی در مناطق حوزه نفوذ پارس جنوبی سرمایه‌گذاری شده‌وتاپایان سال به ۵۰ میلیارد تومان خواهد رسید.
مدیرعامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس منبع تامین بودجه این سازمان را شرکت ملی نفت ایران عنوان کرد و گفت: معتقدیم که بواسطه حضور صنعت نفت درمنطقه عسلویه، بخشی از شرایط عمومی زندگی مردم این منطقه آسیب دیده است.
رضوی افزود: از آنجا که برخی سازمان‌ها در توسعه و بهسازی این منطقه به لحاظ مالی و نیروی انسانی ناتوان هستند، موظف هستیم در کنار فعالیت‌های صنعتی به زندگی مردم و توسعه منطقه عسلویه نیز توجه بسیاری نشان دهیم.
وی اظهارداشت:منطقه عسلویه در افق پارس جنوبی و شمالی تحول جدی اقتصادی و اجتماعی خواهدیافت بویژه‌آن که‌درطرح‌های سال آینده به توسعه زیرساخت ها، راه آهن، فرودگاه، تکمیل اتوبان جاده دیر به بوشهر و موارد زیربنایی توجه ویژه‌ای خواهد شد.
رضوی بااشاره به زمینه‌حضور بخش خصوصی در صنعت نفت افزود: در پارس جنوبی تاکنون حدود هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داشته‌ایم که تقریبا ۴۰۰ میلیارد تومان آن مربوط به دو سال گذشته است. وی همچنین با اشاره به توسعه چشمگیرفعالیت‌های فرهنگی و ورزشی در منطقه عسلویه گفت: دومین همایش فرهنگی ورزشی نگین خلیج فارس با حضور بیش از ۳۰۰ ناشر کتاب برگزار و با استقبال بسیار خوبی نیز مواجه شد.
مدیرعامل پارس جنوبی رشد فعالیت‌های ورزشی در این منطقه را بسیار مناسب دانست و گفت: تیم‌های بدمینون، تیراندازی و جودو پارس جنوبی در سال جاری به مقام قهرمانی دست یافتند و هندبال نیزحتما نایب قهرمان لیگ برتر خواهد شد.
رضوی ابراز امیدواری کرد فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی در سال آینده زمینه توسعه بیشتری بیابد.

درخواست مردم بوشهر از رئیس جمهور چه بود؟

آقای رئیس جمهور به مشکل ما رسیدگی کنید

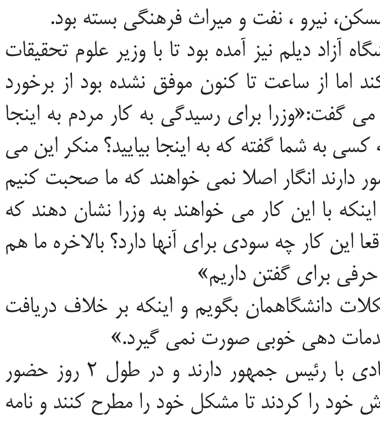
بالاخره رئیس جمهور در چهارمین سفر از دور دوم سفرهای استانی به بوشهر آمد و به مدت دو روز در بوشهر اقامت داشت و به همراه هیئت همراه خود پروژه ها و مصوبات دور اول سفرشان را بررسی کرده و تصمیمات جدیدی را به عنوان مصوبات دور دوم اتخاذ نمودند و بیان کردند که بیشتر نیازها و دغدغه های مردم استان برطرف خواهد شد.
اما در طول این مدت مردم بوشهر مشغول چه کاری بودند؟
به استقبال کم و یا زیاد مردم در روز دیدار مردمی رئیس جمهور کاری نداریم اما آنهایی که بودند برای بیان مشکلاتشان آمده بودند.
بسیاری از آنها معترض بودند که چرا به نامه آنان هنوز پاسخ داده نشده بسیار ناراحت بودند و می گفتند "هیچ کس به مشکل ما رسیدگی نمی کند" و باز هم می گفتند "آقای رئیس جمهوربه مشکل ما رسیدگی کنید"
حقوق کم، بیکاری، نداشتن سرپناهی برای زندگی و ... از مشکلاتی بود که مردم بیان می کردند و از رئیس جمهور کمک می خواستند.
بخشی از صحبت ها و درخواست مردم چنین است:
– در عمارت ملک زندگی می کنیم ، در زمینی پر از مار زندگی می کنیم، پارسال نامه نوشتم اما آن را در سطل زباله انداختند و هنوز هیچ جوابی به دستم نرسیده...



– کمیته امداد هیچ کمکی به ما نمی کند خدا شاهد است هیچ درآمدی ندارم تحت پوشش کمیته امداد هستم و هر ۳ ماه ۸۰ هزار تومان به ما می دهند. سواد نداشتم و در خوابگاه دانشکده الزهرا کلفتی می کردم و بعد از ۸ سال اخراجم کردند و هیچ پولی به من ندادند. پسر بزرگ دارم خدا می داند که هیچ رسیدگی به آنها نمی شود خودم سرپرست خانواده ام هستم برای رسیدگی به مشکلاتم پارسال هم نامه نوشتم ولی هیچ جوابی ندادند (احمدی)
– من هم یتیم دارم وضعیت زندگی ام هم خوب نیست فقط آدرس می دهم تا بیایید و زندگی ام را ببینید ، یک حقوق بازنشستگی می گیرم و ماهی ۱۳۰ هزار تومان آن را می دهم برای مشکلم نامه نوشتم و به استانداری دادم ولی چه فایده ای دارد نامه ام را گم می کنند.
–از روستای احمدی آمدیم گرفتاریم و سختی می کشیم یتیم دارم و کرایه نشین هستم، کنار مساجد می نشینم و گدایی می کنم ، نامه نوشتم اما نمی دانم به کجا بدهم.
– در تمام بدنم پلاتین است بدبختی دارم، توانایی مالی خوبی ندارم که خانه ساخت کنم.
– برای تامین مخارج ماهیانه ام به قبرستان می روم، قبر مرده ها را می شویم تا بتوانم یتیم داری کنم، سختی، خیلی زیاد است اما مجبورم هیچ چیز نگویم فقط به خاطر حفظ آبرو ...
– هیچ نهاد و هیچ کسی به دادمان نمی رسند استانداری و فرمانداری هیچ کدام کمک نمی کنند.
استانداری می گوید:"شامل تو نمی شود" پس یتیم به که می گویند و کمک ها شامل کدام یتیم ها می شود؟
– ۲سال پیش برای آقای احمدی نژاد نامه نوشتم اما یک هفته پیش جوابش را گرفتم چرا ۲ سال پیش جواب نامه مرا ندادند.
– برای گرفتن یک وام ۶ ماه را می دوانند، این چه وضعیتی ست؟
– بعد از ۲ سال تازه جواب نامه آمده و پرسیده که فرزند تو سر کار می رود و یا نه؟
– با یک حقوق ۲۰۰ هزار تومانی آموزش و پرورش."اصلا رسیدگی نمی کنند"
– نامه نوشتیم اما کمیته امداد آن را گم کرد مگر ما بومی نیستیم؟
– نه گاز می خواهیم و نه خیابان درست و نه گلکاری شده ... فقط سقفی که بالای سرمان باشد ما بوشهری ها تا کی باید این قدر ذلیل باشیم؟ این رئیس و روسایی که پشت میز نشستند این مسائل را به رئیس جمهور نمی گویند به این دلیل که خودشان رسوا می شوند" آنها می ترسند."
– آیا درست است که ما برویم و در خانه مردم کلفتی کنیم چرا این قدر ما را شکنجه می دهند؟
– چرا حق ما بوشهری ها را می خورند. ۵۰ یا ۶۰ هزارتومان برای ۴ نفر چه کار می کند؟
چرا رسیدگی نمی کنند ؟
– برای شهریه دانشگاه ها کاری کنند شهریه ها خیلی بالاست.
– آمده ام بگویم چرا مسئولین به فکر مردم نیستند افتتاح این همه پروژه به کنار، چرا برای بهزیستی و معلولین کاری نمی کنند همین یک مدت پیش بیماران ما را به مرکز دیگری در برازجان منتقل کردند چرا این کار را می کنند ما چه طور می توانیم به بیمارانمان سر بزنیم بیماران ما را برگردانند آنها می خواهند در کنار هم باشند چون به همدیگر وابسته هستند و الان که آنها را از همدیگر جدا کردند دلتنگ و ناراحت هستند آنها هم انسان هستند اما هیچ مسئولی به این موضوع اهمیت نمی دهد و قرار است بیماران دیگر را هم منتقل کنند. تصمیم دارم به رئیس جمهور نامه ای دهم تا شاید به این مسئله رسیدگی شود.
– خانه ندارم و از پرداخت کرایه خانه هم ناتوانم، تحت پوشش کمیته امداد هستم و مشکلات زیادی دارم، عروسم سرطان دارد، پسرم هم بیمار است، برای رهن خانه نه پول دارم و نه ضامن. زشت است که آخر عمری چادر بزنم و بچه هایم دورم جمع شوند کجا بروم کمیته هم به دادم نمی رسد و هیچ کمکی نمی کند... تو را به خدا برایم کاری بکنید هیچ سرپناهی ندارم ... یا خانه ای به من بدهند و یا وامی بدهند تا بتوانم سرپناهی پیدا کنم.
– از شبانکاره آمدم و مشکل مالی دارم برای رضای خدا کاری برایم کنید.
– ۶ سال است که همسرم به خاطربیکاری زندان است، نویسنده و مترجم زبان انگلیسی بود به جاهای زیادی مراجعه کرد و نامه های زیادی را به مسئولین نوشت هیچ کس به داد او نمی رسد زندگی ام را فروختم تا کتاب او چاپ شود و کتاب دوم اوهم در حال چاپ است. من باید به کجا بروم و از چه کسی کمک بخواهم؟
– ما هیچ چیز نمی خواهیم حاضریم نان خشک بخوریم اما سرپناه داشته باشیم "فقط یک خانه می خواهیم"
– صنعت پرورش میگوی استان از سال ۱۳۸۴ با مشکل مواجه شده و هیچ کاری هم برای ما انجام نشده ، بدهی های ما تجمیع شده و الان به استادیوم آمدیم تا شاید بتوانیم به رئیس جمهور مسائل و مشکلاتمان را بگوییم. صنعت به حالت تعطیل در آمده و مشکل ما بدهی های تجمیع شده مان است که بدهی ۵۰ میلیونی به ۱۵۰ میلیون تبدیل شده و قیمت تضمینی نداریم، امسال ۶۰۰–۷۰۰ تن میگوتولید شده در حال که در سال ۸۳، ۵۶۰۰ تن میگو تولید کرده بودیم و ۱۰۰۰۰ نفر اشتغال ایجاد کرده بودیم اما الان اشتغال به ۲۰۰ نفر هم نمی رسد یعنی یه جای اینکه اشتغال پویا شود از بین رفته . تقاضای ما این است که مانند خرما قیمت میگو هم تضمینی شود اگر میگو تولید می کنیم آن را به سبد غذایی مردم ایران بیاورند. جمعیت ایران ۷۰ میلیون است اگر هر کس ۲۰ گرم میگو مصرف کند به ۱۴ هزار تن می رسد اما تولید ما در بهترین وضعیت ده هزار تن است .
– به موضوع ته لنجی رسیدگی شود.
– بنده افسر ارشد بازنشسته نیروی هوایی هستم و در قبل از پیروزی انقلاب فعالیت های بسیاری داشتم ، به زندان های مختلفی رفتم تا به پای جوخه اعدام که پس از پیروزی انقلاب از زندان آزاد شدم آیا حق من نیست که از آزادگی سیاسی استفاده کنم؟ با داشتن حدود ۲۷ ماه جبهه در منطقه پایگاه های هوایی دزفول و بوشهر، آیا این حق را ندارم که یکی از فرزندانم را از سربازی معاف کنم ؟ نامه ای را که در سفر قبل رئیس جمهور ارسال کردم به هیچ عنوان هیچ اقدامی بر روی آن انجام نشده حتی به نهاد ریاست جمهوری رفتم اما هیچ کدام جوابی ندادند. آیا واقعا حق مسلم من نیست که آزادی سیاسی من به من داده شود تا یکی از فرزندانم را از سربازی معاف کنم؟ امیدوارم باسفر رئیس جمهور به مشکلات مردم و بنده حقیر رسیدگی شود. (افسر ارشد بازنشسته نیروی هوایی)
– دختر کوچولوی ۸ ساله هم بین جمعیت ناآرام بلا تکلیف مانده بود. می گفت: آمده ام تا به احمدی نژاد بگویم که به حرف های مردم گوش بدهد هنوز هیچ کاری نکردند بیشتر مردم فقیر هستند آنهایی که پول ندارند چه کار می توانند کنند آمدم این حرف ها را به احمدی نژاد بگویم.(نسترن محمدی)
اینها تنها بخشی از صحبت ها و درخواست هایمردم در روز دیدار عمومی رئیس جمهور بود البته این صحبت ها به گوش رئیس جمهور نرسید اما این وظیفه به ما محول شد تا آنها را انعکاس دهیم.
بعد از دیدار عمومی رئیس جمهور
شاید از نظر شما هم پنهان نمانده باشد که در مدت حضور رئیس جمهور چه طور مردم در جلوی درب استانداری تجمع می کردند تنها برای اینکه خواسته ها و نیازهایشان را مطرح کنند. صبح و بعد از ظهر تلاش می کردند تا بتوانند با یکی از مسئولین دیدار و یا حداقل نامه خود را به همراهانشان برسانند جای شکرش باقی ست که مکانی را برای رسیدگی به شکایات مردمی در نظر گرفته شده بود.
بله ساختمان علوم پایه دانشگاه خلیج فارس برای این منظور در نظر گرفته شده بود و با پلاکاردهایی که نصب شده بود مقدم رئیس جمهور، وزرا را تبریک گفته بودند و بر روی پلاکاردی دیگر نوشته شده بود
"ستاد مرکزی رسیدگی به شکایات مردمی نهاد"
و قرار بود وزرا در دو روز چهارشنبه و پنج شنبه و از ساعت ۸ صبح تا قبل از اذان مغرب به شکایات مردمی رسیدگی کنند.
در روز چهارشنبه حضور نداشتیم اما به گفته یکی از نگهبانان در آن روز استقبال زیاد بوده و وزرای حاضر نیز به شکایات و درخواست های مردم رسیدگی کردند.
این برنامه باید در روز پنج شنبه نیز اجرا می شد اما تا قبل از ساعت ۱۰ به جزء وزیر کار و تعاون وزیر دیگری حاضر نبود و بقیه وزرا یا در جلسه و یا مشغول رسیدگی به پروژه ها بودند. بیچاره کسانی که به امید وزرا به دانشگاه خلیج فارس آمده بودند مردم منتظر صحبت حضوری با وزرا بودند اما نه از وزرا خبری بود و نه از دیدار حضوری؛ همان تعداد معدود وزرایی هم که حضور داشتند تنها درخواست های مکتوب را از مردم دریافت می کردند.
یکی از شهروندان بوشهری از پاسگاه و دادگستری انتقاد داشت و بسیار مصمم بود که با وزیر مربوطه دیدار و گفت و گو کند حتی می گفت اگر نتوانم در اینجا مسئله ام را حل کنم به تهران خواهم رفت اما در نهایت پس از ۲ ساعت انتظار و عدم حضور وزیر مربوطه نامه خود را به نگهبان داد و رفت.
در اتاق های وزیر بهداشت، مسکن، نیرو ، نفت و میراث فرهنگی بسته بود.
یکی از دانشجویان رشته دانشگاه آزاد دیلم نیز آمده بود تا با وزیر علوم تحقیقات دیدار و درخواستش را بیان کند اما از ساعت تا کنون موفق نشده بود از برخورد نگهبانان خیلی ناراحت بود و می گفت:«وزرا برای رسیدگی به کار مردم به اینجا آمدند اما نگهبان می گوید چه کسی به شما گفته که به اینجا بیایید؟ منکر این می شدند که وزرا در دانشگاه حضور دارند انگار اصلا نمی خواهند که ما صحبت کنیم اما چرا اجازه نمی دهند مثل اینکه با این کار می خواهند به وزرا نشان دهند که مردم بوشهر مشکلی ندارند واقعا این کار چه سودی برای آنها دارد؟ بالاخره ما هم جزئی از این جامعه هستیم و حرفی برای گفتن داریم»
می گفت:«می خواهم از مشکلات دانشگاههمان بگوییم و اینکه بر خلاف دریافت پول هنگفت از دانشجویان خدمات دهی خوبی صورت نمی گیرد.»
معلوم شد که مردم حرف زیادی با رئیس جمهور دارند و در طول ۲ روز حضور اعضای هیئت دولت تمام تلاش خود را کردند تا مشکل خود را مطرح کنند و نامه های بسیار مردم این موضع را ثابت می کند اما باید دید نامه های مردم به مقصد اصلی خواهد رسید؟
رئیس جمهور و هیئت دولت در شب پنج شنبه بوشهر را ترک کردند اما مردم بوشهر منتظرهستند، منتظر پاسخ نامه ها و راه حلی برای حل مشکلات زندگی.

امام جمعه بوشهر:

وعده‌های دروغین کاندیداها مردم را ناامید می کند



نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بوشهر گفت: وعده‌های دروغین و بی‌اساس کاندیداها مردم را ناامید و آنان را نسبت به نظام و مسوولان بی اعتماد می‌کند.
آیت‌الله‌اسدالله ایمانی در خطبه‌های نماز جمعه این هفته بوشهر افزود: کاندیداها برای جلب آرای مردم و با تبلیغات کذب، وعده عزل و نصب مدیران و اجرای طرح‌ها و برنامه‌هایی می‌دهند که هیچ یک در حیطه اختیارات آنان پس از نماینده شدن نیست. وی اظهار داشت: محقق نشدن این وعده‌ها سبب دلزدگی مردم و کمرنگ شدن حضور آنان در عرصه‌های مختلف می‌شود. آیت‌الله‌ایمانی بیان کرد: دخالت در کار قوه مجریه، تلاش برای حفظ مصالح گروه و جناحی که کاندیدا به آن وابسته است به جای احقاق حقوق عموم و لوث شدن مسوولیت‌ها از دیگر پیامدهای هیاهوی تبلیغاتی و وعده‌های بی‌سرانجام کاندیداها به شمار می‌رود. وی گفت: مردم معیارهای انتخابات را به دقت بررسی کنند و در انتخاب فرد اصلح فریب تبلیغات پوچ را نخورند.
آیت‌الله‌ایمانی در بخش دیگری از خطبه‌های نمازجمعه‌این هفته بوشهربا اشاره به سفر اخیر رییس جمهوری به این استان گفت: سفر دوم رییس جمهوری و هیات دولت به این استان برکات و مصوبات بسیار خوبی در زمینه توسعه زیرساخت ها داشته است.

سفر فرمانده انتظامی کشور به بوشهر:

امسال کاهش خوبی در زمینه جرایم خشن داشته ایم

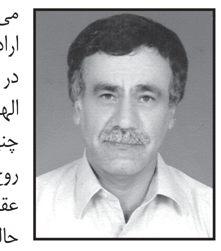


فرمانده نیروی انتظامی کشور گفت: مقدمات امنیت کامل برای برگزاری انتخاباتی سالم و بانشاط فراهم شده‌است. سرتیپ پاسدار اسماعیل احمدی مقدم در جمع خبرنگاران در بوشهر افزود: نیروی انتظامی برای احزاب و گروه‌هایی که می‌خواهند تبلیغ کنند و اجتماعاتی که مجوز قانونی دارند، امنیت را برقرار می‌کند.
وی اظهارداشت: با توجه به همزمانی انتخابات با چهارشنبه سوری، خرید و تعطیلات نوروزی، همه دستگاه‌ها با همکاری نیروهای بسیجی و سایر بخش‌های امدادی باید امنیت را برای مردم فراهم کنند. احمدی مقدم اضافه کرد: همه چیز برای حضور پرشور مردم درانتخاباتی سالم و توام با امنیت و آرامش فراهم است.
وی در خصوص وضعیت مواد مخدر در کشور بدون اشاره به میزان کشفیات گفت: امسال باتوجه به‌افزایش ۵۰ درصدی کشفیات موادمخدرنسبت به سال گذشته، نیروی انتظامی روند خوبی را در زمینه کشفیات مواد مخدر داشته است. احمدی مقدم گفت: همچنین در زمینه درمان، کاهش آسیب و ترک اعتیاد امسال حدود ۵۰۰ هزار معتاد در کشور تحت درمان قرار گرفته‌اند.
احمدی مقدم بیان کرد: امروز با عملکرد مثبت نیروی انتظامی درکشور، دیگر شاهد خیابان‌هایی مملو از معتادان، فروشندگان و خرده فروشان مواد مخدر نیستیم. فرمانده نیروی انتظامی کشور گفت: امسال کاهش خوبی در زمینه جرایم خشن شامل قتل، تجاوز به عنف، آدم ربایی، گروگانگیری،سرقت بانک و سرقت مسلحانه داشته‌ایم. وی با بیان اینکه در بعد انضباط اجتماعی نیز شاهد افزایش هستیم افزود: به رغم افزایش ۱۳ درصدی خودروها درسطح کشور آمار تصادفات وکشته و زخمی‌های ناشی از آن ۱۵ درصد کاهش یافته‌است. احمدی مقدم گفت: درزمینه‌خدمات نیزبیش از ۳۰ درصد افزایش خدمات داشته‌ایم. وی گفت: هدف از سفر به استان بوشهر انجام نظارت همه جانبه برفرماندهی انتظامی این استان است و امروز نشست ارزیابی نهایی ازاین بازرسی‌ها برگزار می شود. احمدی مقدم اظهارداشت: استان بوشهر روند روبه رشدی داشته و تلاش می‌کنیم نارسایی‌ها را تاحد ممکن برطرف کنیم تا سال آینده این مسیر روبه رشد با شتاب بیشتری ادامه داشته باشد.

فلسفه تاریخ از دیدگاه هگل فیلسوف آلمانی

نویسنده: رابرت هامیلتون استاد فلسفه دانشگاه هاروارد ـ ترجمه: خلیل دباش

قسمت سوم



می توان گفت که حقیقت مطلق از اراده های انسانی به عنوان ابزاری در جهت دست یابی به اهداف اراده الهی اش استفاده می کند. چگونه چنین امری رخ می دهد ؟ با ذکاوت روح مطلق و وارد کردن حقیقت عقلانی آزادی به ذهن بشر. خرد در حالت روح مطلق که تمامیت حقیقت عقلانی است بر جهان حکومت می کند که به گفته هگل با بصیرت و فراست آن را اجرا می کند. خرد ،قدرت حقیقت مطلق است که از نیروی قدرتمند امیال بشری جهت نیل به آزادی سود می جوید . به منظور تحقق چنین امری ، خرد از دو مقوله استفاده می کند : ۱- ملت – کشورها که به گونه ای مکرر در تاریخ ظهور می کنند . ۲- شخصیت های تاریخی که تحولاتی شگرف را در تاریخ رقم می زنند . روح مطلق خود را در روح افرادی همانند من و شما نمایان نمی کند . روح مطلق در روح تمامی مردم متجلی می گردد و این یکی از مهمترین خدمات هگل به فلسفه و علوم اجتماعی است .

روح مردم

به عقیده هگل آنچه را امروز به نام فرهنگ می شناسیم همان روح مردم است . روح مردم آمیخته ای از فرهنگ معاصر و فرهنگ تاریخی یک ملت است . فرهنگ در مجموع در برگیرنده زبان ، دین ، هنر ، ادبیات ، موسیقی ، معماری ،اخلاق ، فلسفه ، علوم و قانون است . روح مردم در تمامی عناصر فرهنگ نفوذ کرده و تجسم یافته و آنها را همانند مجموعه ای ارگانیک به هم پیوند می دهد . «روح » یا خصیصه و سرشت نژادی و ملی در همه زمینه ها ی تمامیت فرهنگی ماندگار شده و خود را متجلی ساخته و آثارش را در تمامی جنبه های فرهنگ باقی می گذارد . هیچ چیز در یک فرهنگ ویژه به تنهایی درک نمی شود؛ دین ، موسیقی ، زبان ، سیاست و هنر همگی تجلی و تجسم روح مردم است که مشخصه های ملی را نمایان می سازند . از این رو در آتن قدیم ، روح منحصر به فرد مردم بیانگر سرزندگی ، نیروی جوانی،آزادی ، حیات معنوی و هم نوایی با طبیعت است و »فردیت متعالی« را می توان در هنر، دین ، سیاست و فلسفه آن نظاره کرد .

ملت – کشور ؛ فرد حقیقی تاریخ – به عقیده هگل روح مردم در حیات ملت – کشور جلوه گر می شود .

کشور مجموعه ای ارگانیک از دولت و دیگر نهادهای یک ملت و تمامی فرهنگ است. هگل همچنین این گفته تکان دهنده را ابراز می کند: کشور و کلیت فرهنگ ملی و دولت فرد حقیقی تاریخ است . در تاریخ جهان ملت ها هستند که فرد محسوب می شوند . افراد مهمی که بشریت را به شعور آزادی می رسانند افرادی مانند من و شما نیست بلکه ملت – کشورها هستند . خرد از ملت – کشورها که نهادها و فرهنگ را به هم پیوند می دهد به عنوان افراد حقیقی تاریخ و ابزار آزادی سود می جوید . شعور آزادی نه برای افرادی بخصوص بلکه برای افراد حقیقی و عظیم تاریخ بشری یعنی ملت – کشورها متجلی می گردد . اما چنین امری چگونه امکان پذیر است ؟ توسط خرد که در تاریخ فعالیت دارد .

روح مردم در هر ملت – کشوری ، مرحله ای در ظهور روح مطلق در جهت آزادی و مرحله دیگر در حقیقت آزادی رو به تکامل انسان متجسم می یابد . بنابراین هر ملت – کشوری دارای نقش ویژه و محدودی در آشکار ساختن شعور آزادی در تاثر عظیم تاریخ می باشد . این شیوه است که خرد از ملت – کشورها بمنظور دست یابی به اهداف خداوند در تاریخ استفاده می کند.

افراد انسانی – نقش خواسته ها – پس در خصوص افراد واقعی چه می گویید ؟ افراد تابع ملت – کشور هستند و همانند موجودی زنده هیچ استقلالی از خود ندارند . خرد پاره ای از ارگانیسم عظیم تری یعنی ملت – کشور است که هگل آن را ارگانیسیسم (جامعه به مثابه موجودی زنده است و دارای خواسته ، عقاید و اندیشه ها است)می نامد .

فرد بخشی از حیات آن می باشد و شخصیت او با فرهنگ آن متبلور می شود. وجود خرد بستگی به وجود این ارگانیسم دارد اما اهداف خود را دنبال می کند و در چارچوب قوانین هر آنچه را دوست دارد انجام می دهد .

خرد بعنوان تعیین کننده و تعیین شونده سیستم اجتماعی – انسانها بوسیله امیال و خواسته های خود ترغیب و برانگیخته می شوند . اما خرد از افراد جهت نیل به اهداف خود استفاده ابزاری کرده و با حمایت و تداوم ملت – کشور نقش خود را در پیشرفت شعور آزادی اجرا می نماید . اقدامات هر فرد که نشات گرفته از تمایلات اوست نتایجی غیر ارادی در عملکردهای مالی ، آموزشی و صنعتی جامعه به بار می آورد که هیچ گونه شناختی از آن ندارد . از این طریق خرد از خواسته افراد جهت تداوم عملکردهای ملت استفاده می کند.علاوه بر آن وقتی مقاصد خود را دنبال میکنید نه تنها چنین نقش هایی را تعیین می کنید بلکه خواسته ها و مقاصد شما به وسیله ی جامعه تعیین میشوند.انتخاب لباس یا شغل و سایر فعالیت های اجتماعی توسط فرهنگ غالب بر جامعه تعیین میشود . چنین بینش و بصیرت هگلی توسط بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی قرن بیستم مورد استفاده قرار گرفته و معتقدند که جامعه همان گونه که هگل می گوید مجموعه ای یا سیستمی زنده و ارگانیک است و اقدامات اشخاص تعیین شونده یا تعیین کننده سیستم اجتماعی است . بنابر این تمایل شما به نوع به خصوصی از شلوار جین یا لباس ورزشی به وسیله ی تبلیغات سیستم اجتماعی معین میگردد و استفاده ی شما از آن ها ادامه فعالیت های شرکت های مالی بازرگانی و تولیدی در نظام اجتماعی را تضمین می کند .

افراد به عنوان حامل فرهنگ–سوالی که مطرح میشود این است که عقیده، رفتار، ارزش و اعتقادات مذهبی چه میشود؟ آیا در اینجا نیز هیچ استقلالی از فرهنگ ملت کشور ندارم؟ خیر. اندیشه، ارزش، اعتقاد ورفتار نشات گرفته از فرهنگی است که شما تابعی از آن می با شید. شما حامل روح و فرهنگ مردم و همچنین حامل روح متغییر زمانه در گستره ی فرهنگ خود هستید . آیا احساس میکنید که روح مردم از یک دهه قبل و یا از زمان تحولات اجتماعی سیاسی اواخرسالهای شصت که کشور را در برگرفت متفاوت است ؟ آیا روح جدید شما را تحت تاثیر قرار داده است ؟ به گفته هگل خرد دارای همان ارزش های انسانی و واقعیت های معنوی است که در کشوری بخصوص وجود دارد. از منظر هگل بزرگترین فلاسفه محصول فرهنگ و زمانه خویش اند . و نیز حاصل فرهنگ ملت – کشور که در روح مردم تجسم می یابد و آنها نیز اندیشه های خود را از فرهنگ و زمانه می گیرند . هگل می گوید : هر فردی فرزند زمان خویش است و هیچ فرد یا فلسفه ای نمی تواند از زمان خود فراتر رود و یا اینکه آینده را پیش بینی کند. همچنین نمی تواند طرحی را برای جامعه ای ایده آل ترسیم نماید آن گونه که افلاطون در کتاب جمهوری ادعا کرده است . فلاسفه تنها انعکاس زمان در اندیشه در دورانی بخصوص است. از دیدگاه ارگانیسیسم و تاریخ گرای فیلسوف هم همانند افرادی دیگر محصول فرهنگ و زمانه خویشتن است .

افراد تاریخی – همان گونه که قبلاً نیز گفته شد ، خرد از خواسته های افراد معمولی استفاده کرده تا وظایف ملت – کشورها را که هر کدام مرحله ای از شعور آزادی بشریت را متجلی می سازند تداوم بخشد . اما خرد از قهرمانان بزرگ تاریخ هم برای ایجاد تحولات عظیم تاریخی سود جسته تا شعور آزادی افزون شده و گسترش یابد . این قهرمانان افرادی مانند اسکندر کبیر ، جولیوس سزار ، و ناپلئون هستند که خواست و امیال آنها را برای نیل به قدرت و عظمت در زمانه خود تهییج کرده است .

اولین گام دمکراسی

دکتر عباس حاتمی

دمکراسی یک فلسفه حکومت داری است که مدل یک حکومت را مشخص می کند. در حکومت دمکراتیک ۴ اصل مهم وجود دارد که آن را از حکومت های غیر دمکراتیک جدا می کند.

۱.آموزش و آگاه سازی شهروندان اولین گام دمکراسی است که از طریق آزادی بیان، آزادی اندیشه و آزادی رسانه ها امکان پذیر است.

۲.آزادی شهروندان در انتخاب مسوولان سیاسی از طریق انتخاب آزاد و رقابتی.

۳.پاسخگویی حاکمیت و پیش بینی ابزارهای قانونی برای پاسخگو کردن حاکمیت مثل اعتراضات مسالمت آمیز.

۴.فرهنگ سیاسی و نهادینه شدن فرهنگ دمکراسی مثل مناظره، گفتمان مستدل، رفراندم،استیضاح، ائتلاف و حزب گرایی.

اولین گام دمکراسی وجود مطبوعات و رسانه های آزاد است تا بدین وسیله به آموزش و آگاه سازی شهروندان بپردازند و بی سوادی یا کم سوادی را ریشه کن نمایند. از نظر دمکراسی مردمان آگاه و با سواد مسیر توسعه را فراهم می کنند و راه را بر پوپولیست ها (عوام فریبان) می بندند.

در نظام های دمکراتیک چند نوع سواد وجد دارد و حاکمان موظف هستند برای با سواد کردن شهروندان و آشنا کردن آنان با انواع سوادها اقدام کنند. سواد خواندن و نوشتن (حداقل سوم راهنمایی) ، سواد فرهنگی، سواد سیاسی، سواد بین المللی، سواد اجتماعی و سواد اقتصادی انواع سوادها در دمکراسی است که بایستی شهروندان آن را فرا گیرند. دمکراسی اعتقاد دارد شهروندان با سواد و آگاه از تسلط استثمار گران خارجی و استبداد داخلی بر پیکره جامعه جلوگیری می نمایند و جلو خودسری ها و عوامگرایی را می گیرند در نتیجه حاکمان نمی توانند بر افکار عموم توده ها مسلط شوند. در دولت های مدرن آموزشی شهروندان از وظایف اصلی حکومت است.



برای این که گام اول دمکراسی یعنی آموزش و آگاه سازی مردم عملی شود. بایستی استقلال مراکز آموزشی حفظ شود. و دانشگاه ها به دور از سلیقه های سیاسی برنامه ریزی کنند و به تولید علم و اندیشه بپردازند. در جوامع دمکراتیک دانشگاه ها و مراکز آموزشی پرسشگر هستند ولی در جوامع غیر دمکراتیک دانشگاه ها و مراکز آموزش مطیع حاکمیت بوده و براساس تمایلات سیاسی برنامه ریزی می کنند که از تولید علم و اندیشه باز می مانند و برنامه های آموزشی مدارس در جوامع دمکراسی بر عهده مراکز آموزشی و نهادهای مستقل از حکومت است. در ایران حدود ۸۵ درصد مردم باسواد هستند ولی ۲۵ درصد آنان کم سوادند یعنی اطلاعات و آگاهی آن ها به روز نیست . مهمترین وظایف روشنفکران، دمکراسی خواهان و تحول گرایان ، آموزشی شهروندان و آگاه سازی آنان از طریق مراکز آموزشی، رسانه ها و اماکن عمومی است . شهروندان با سواد و آگاه درک مشترکی از منافع ملی خواهند داشت و مسوولان سیاسی دانش مدار و توانا را انتخاب خواهند نمود. در نتیجه مسیر رشد و توسعه همه جانبه کشور را فراهم خواهند کرد و جلو عوام فریبی را خواهند گرفت. برای تحکیم گام اول دمکراسی و آموزش شهروندان اقدامات زیر توصیه می شوند:

۱.گسترش مراکز آموزش غیر دولتی مقل فرهنگسرا، مدارس غیر انتفاعی و دانشگاه ها غیر دولتی

۲.اصلاح متون کتب درسی وبه روز کردن آن ها.

۳.استفاده از روش های آموزشی غیر حضوری مثل آموزش از طریق اینترنت، شبکه های تلویزین ماهواره ای، تهیه CD و بسته های آموزشی.

۴.تقویت برنامه های هنری، مثل سینما، موسیقی ، شعر و ادبیات و آموزشی کردن محتوی برنامه های هنری.

۵.گسترش حوزه های علمیه توسط روشنفکران مذهبی و به روز کردن دروس حوزه های علمیه.

۶.آموزش چهره به چهره مردم در اماکن خصوصی، هیئت های مذهبی و مجالس عمومی.

۷.تقویت نشریات و مطبوعات از نظر محتوی آموزشی و ارایه الگوهای جدید به مردم.

۸.ارسال پیام های آموزشی توسط SMSها .

۹.افزایش سفرهای استانی و شهرستانی نخبگان و سیاستمداران دمکراسی خواه، به منظور ارتباط چهره به چهره با مردم و آشنا کردن آنان با اتفاقات جامعه.

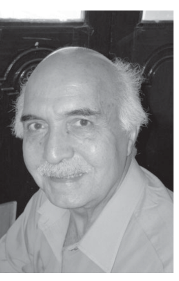
۱۰.تقویت نهادهای صنفی آموزشی و درگیر کردن مردم با این پروسه.

۱۱.معرفی اتفاقات تاریخی به نسل جوان و جلوگیری از تحریف تاریخ.

یادداشت

به عنوان یادآوری

حسین حشمتی



روز جمعه دوازدهم بهمن ۸۶ و در آستانه بیست و نهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی خبرنگاران مطبوعات بوشهر با آیت الله حسینی بوشهری نشستی صمیمانه داشتند . از آنجائیکه مشروح این مصاحبه توسط همکاران روزنامه نگار در نشریات منتشر گردیده، لذا نگارنده قصد خبرنویسی ندارد بلکه هدف آنست که ضمن تحلیل نکات برجسته ی آن دیدار، موضوعی را نیز به نماینده ی محترم مردم در خبرگان رهبری یادآوری نمایم.

سئوالات مطرح شده عموما در مورد مسائل با اهمیت روز از قبیل انتخابات مجلس شورای اسلامی ، دور دوم سفر ریاست جمهوری به بوشهر و ارزیابی ایشان از عملکرد مسئولین اجرائی بود که به هر کدام از آنها به فراخور حال جوابهائی بایسته داد. اما آنچه به عقیده صاحب این قلم بیشتر جلب توجه نمود پرسش اقای قیصی زاده مدیر مسئول نشریه نسیم جنوب و رئیس خانه مطبوعات بود که در مورد نتایج جلسات هماهنگی بین مدیران ارشد اجرائی و سایر دست اندرکاران امور استان مطرح گردید و پاسخی که مدیر حوزه علمیه قم به آن داد نشان از عدم رضایت مندی وی داشت! وی همچنین در جواب به پرسش خبرنگاری در رابطه با ارزیابی عملکرد مدیران اجرائی استان اعلام داشت که به دلیل مقیم نبودن در بوشهر و مسئولیت های دیگری که به عهده دارد نمی تواند اظهارنظر نماید. اگرچه به اعتقاد نگارنده دلیل چنین اظهاراتی شاید به حوزه شرح وظایف و اختیارات خبرگان منتخب مردم در شورای رهبری مربوط باشد که به موجب اصول ۱۰۷ و ۱۰۸ قانون اساسی و قانون مربوطه حدود و تغور آن تعیین گردیده و چنین به نظر می رسد که به اعتبار آن سمت نمی توان از آیت الله حسینی بو.شهری توقع اقدامات اجرائی یا نظارتی در قوه مجریه داشت اما به لحاظ اینکه ایشان علاوه بر مسئولیت نمایندگی مردم در خبرگان رهبری، مدیریت حوزه بزرگ علمیه قم را هم به عهده داشته و در جایگاهی قرار دارد که می تواند در تصمیم سازی و تصمیم گیری های کلان مقامات عالیه کشور به نفع زادگاه خویش اثرگذار باشد ، لذا می توان ایشان را به عنوان پشتیبان معنوی مسئولان اجرائی و فصل الخطاب مردم استان تلقی نمود.

نظر به اینکه آیت الله حسینی بوشهری فرزند این دیار می باشد و بی تردید شخصیت هائی معروف و صاحب نظر همچون او در سطح کشور برای استان بوشهر (که متاسفانه فاقد چنین سرمایه های ارزشمندیست) می تواند بسیار موثر باشد لذا با توجه به حسن نیتی که دارد و در همان مصاحبه نیز آمادگی خود را اعلام نمود، باید امیدوار بود که از آبروی خویش برای پیشرفت و توسعه استان زادگاه خود بهره برداری بیشتری نماید.

معمای رد صلاحیت عطارزاده

نادر کرامتی

در میان انبوه رد صلاحیت شدگان نام آشنای کاندیداهای مجلس هشتم در استان بوشهر, موضوع رد صلاحیت عطارزاده نماینده بوشهر و گناوه و دیلم در مجلس هفتم بیش از هر چیزی توجه اصحاب مطبوعات و فعالان سیاسی و اجتماعی را بخود معطوف داشته است. تحلیل های مختلفی در این زمینه در سایت های خبری و مطبوعات استان به چشم می خورد.

در میان طرفداران جریان حاکم عده ای این اقدام را نشان دهنده بی طرفی هیأتهای اجرایی و نظارت ، عده ای نیز حاصل از عملکرد مثبت و لذا قدرت نفوذ استاندار مخالف ایشان و عده ای نیز این اقدام را ناشی از عملکرد ضعیف نامبرده تلقی می کنند. اما در این میان موضوع فوق حیرت جریان مقابل (اصلاح طلبان) را بدنبال داشته است. اینان اگرچه تاکنون تصور می کردند این فرد به لحاظ منش سیاسی و نزدیکی با احمدی نژاد قدرتی فراتر از یک نماینده عادی دارد حال در برابر این معما قرار گرفته اند که چرا هیأتهای یکدست و همفکر اجرایی و نظارت (که سردسته های آنها غالباً دوستان عطارزاده هستند) اینگونه تا اینجای کار مقدمات پایان عطارزاده را فراهم ساخته اند. البته برای برخی از آنها این مسئله تاکنون بیشتر شبیه به یک طنز می ماند و برای برخی نیز این عمل به منزله حربه ای برای طبیعی جلوه دادن رد صلاحیت ها و عدم توقع و انتظار بیش از اندازه از هیأتهای اجرایی و نظارت برای تأیید صلاحیت چهره های شاخص اصلاح طلبان مانند دادفر، حیدرزاده و بختیاری آزاد دارد. شایان ذکر است در این بین آنچه بیشتر به یک شوخی می ماند دلیل هیأت اجرایی مبنی بر رد صلاحیت نامبرده است که نیازی به طرح و بحث آن در این نوشته دیده نمی شود.

بر هیچکس پوشیده نیست که بنا به سوابق و نقش عطارزاده در آشوبهای مدیریتی اخیر در استان تا این مرحله نیز ردصلاحیت برای وی مترتب بر هزینه گزاف در میان همفکرانش بوده است تا جایی که حتا اگر تأیید هم بشود برای او چندان ثمری در پی ندارد و هیچ نیرویی قادر به جبران مافاتش نیست.

به عقیده نگارنده هیچکدام از موارد بالا دلیل اصلی رد صلاحیت سپر بلای اصول گرایان در بوشهر نمی باشد. دلیل اصلی را باید در جای دیگر جست یعنی: «استراتژی هوشمندانه جناح اصولگرا در تسخیر مجلس هشتم ».

پی بردن به این نکته سخت نیست که جناح حاکم بیشتر و شفاف تر از هر دوره ای مطابق با منافع و مصالح خود، کار بررسی صلاحیت ها و گزینش کاندیداها را آغاز و انجام نموده است. با اینحال می توان گفت که رد صلاحیت عطارزاده نه از بابت عدم التزام وی به اسلام و ولی فقیه است و نه بخاطر عملکرد منفی ایشان در طول دوره نمایندگی و از همه مهمتر نه بخاطر قانونی عمل نمودن هیأتهای اجرایی و نظارت است، بلکه بخاطر محاسبات هوشمندانه جناح حاکم در چینش کاندیداهایش می باشد. مطمئناً اگر عطارزاده در عین حالی که کارنامه موفقی ندارد اما از دید سران جناح اصول گرا شانس انتخاب داشت قطعاً تأیید صلاحیت می شد.

جناح حاکم تا بحال بخوبی به این حقیقت واقف شده است که عطارزاده چندان اقبالی برای انتخاب شدن ندارد و در این بین گزینه ای شناخته شده و در عین حال مناسبتر و مطمئن تری برای جریان اصولگرا وجود دارد که با توجه به موقعیت و سابقه اش می توان روی آن اجماع نمود و بصورت تشکیلاتی برایش کار کرد. لذا دلایل رد صلاحیت عطارزاده بسیار محکم تر از تأیید صلاحیت اوست . علاوه بر این علائم روشنی هم وجود دارد



که تأیید صلاحیت برخی اصلاح طلبان هم در راستای همین هدف قرار دارد و نشان می دهد جریان اصولگرا با بهره گیری از مکانیزم های در اختیارش حتا تلاش های انتخاباتی اصلاح طلبان را هم می خواهد مصادره نماید. در این میان بد نیست که اصلاح طلبان اندکی هوشیاری از خود نشان دهند.

کلام آخر اینکه هیأتهای یکدست نظارت و اجرایی با رد صلاحیت عطارزاده توانسته اند:

اولاً: به زعم خود تا حدودی چهره اصولگرایان حاکم در استان را با هزینه کردن یکی از چهره های شاخص این تفکر ترمیم بخشند.

ثانیاً: تا حدودی زخم خوردگان جناح خود را در برابر برخوردها و کینه توزیهای عطارزاده تسلی خاطر دهند.

ثالثاً : میزان آرای گزینه مناسب خود و امکان ورودش به مجلس را بیشتر کنند.

رابعاً: معترضین جریان مقابل (اصلاح طلبان) را در آخر صف اعتراض های بی حاصل به رد صلاحیت ها نگه دارند.



نسیم جنوب ۴
ادب و هنر
شماره ۴۸۷ یکشنبه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۸۶
NASIM JANOUB

علی اصغر میگلی
شاعر نشست های ادبی دوشنبه



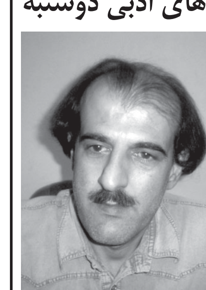
دیوانه گانی که...
دیوانه گانی که حرفم را
می خورند
می فهمند
از تمام ستاره هایی که
برای دیدن ماه می آیند
دیوانه ترم
برای لحظه های تو
امشب
ستاره ها به درکم نمی رسند
و می دانند قسنگ
دیوانه ام....

مونم
خلیل تمهیدی



او که از بار فراقت درب و داغونن مونم
آه سنش تو بهارا هم توسونن مونم
او که قلاب خیالش پشت سیلی شیرّن
گیر دوم عشق تو چال زنخدونن مونم
زیر پکّ طنه و کُچّه ی خلایق روز و شو
جُم نخورده مث کو انگاری سندونه مونم
او که تو خور جین سینش غیر مهر تو نبی
دسّ و پا تو کنده و زنجیل و زندونن مونم
او که آربیز دلش دایم می بیزه درد وغم
باز مسّن از شراب ریت عزلخونن مونم
سی نکردی تا ببنی ایی که از گرمای عشق
صورتش سرخن وانوّ نار سیدونن مونم
ایی جهازی که زده لیمر شیخاسه کرده در
میخوره موج «مطاف» و گیر طیفونن مونم
می سُو نه کشک غم نازت تو انجانی دلم
بی سرانجو می که زیر تیر بارونن مونم
هر کجا دیدی کسی کنج کوار خلوتی
دَ، دو، و گیج و کسل یا که پریشونن مونم
خوب سیلش کن که بشناسیش چکارن و کین
ایی«خلیلو» که میگن دَنگن و مجنونن مونم

پرواز پروانه
پرویز انبارکی
شاعر نشست های ادبی دوشنبه



چه زیباست پرواز پروانه
در تصویری هنرمندانه
موهای شلال و ظریف قلم مو
د رتلفیق رنگ های خوش رو
میان انگشت های بی رعشه ی
استاد عزلت گزیده ی
از دنیا بریده
با علاقه ای از سر سوز
بر اولای شعله ی شمع
به خاطر شیدایی پروانه ی
از جان گذشته
به رقص در آمده
اگر می توانی
نه اگر می خواهی
قلم بردار
رنگ ها را همان سان که می بینی
در هم بیامیز
بومی بیاویز
سیاهی دل سوخته ی شقایق را
زیر پای شمع
که دامن سرخش چون جامی چهار گوش
از هم گسسته
و مالامال از سرشک سوزان وجود شمع
پروانه را به نظاره نشسته
بر پهنه ی بومت جاوید ساز
تا شاید زیبایی
شوریدگی شقایق را
باری بهتر
با تصویری تازه
برای چشم های منتظر
در کش و قوس های قلم مویت
هویدا سازی

ستوده
امید خدری

بر کناره های ساحل دریایی که زمزمه زاد و مظهر
تمامی صدف هایش شمرده اند؛ آن هم در رگ رگ
دیاری که نخستین ولایت اجدادتان است...
حتی خدای پر علاقه شماها هم
من را
ستوده می آید
هم به روشن ترین سخن شیوا و بار آور از تمامی
گفتارها،
ستاره ی ونوس پاکیزه سرشت را
به برترین فهم از زبان
خرد ستود

سعید نصار یوسفی – دیر

۱) تو نمی روند
نخ های من از تو که ریز ریز
سوزن از چشم هات می ریزد
که بریسی نخ های مرا
که خود از تو می روند
که رشته رشته توی نخ ما کمانه می کند
ابروهای تو که پنبه است!
۲) بر می گردی روی مرا
بی برو برگرد
که برگرد و برو
که این جا دلم را رفته ای
که رفته شاید
به آن کجا که احتمالا
روی شیش و هشت این صدا
نت می شوی
که نت می شوم
که به تور می خورم!

مروری گذرا بر دومین جشنواره داستان های کوتاه انجمن اهل قلم

... و اما داستان های کوتاه

حسین دهقانی



ا صو لا ، داستان کوتاه یا ناولت در قرون وسطی به وجود آمد که حکایت ها و قصه هایی گفته می شد که ساختار و ساختمان آن به جوک های خنده دار و گاهی عشقی و بی ادبانه اطلاق می گردید. بانیان این قصه های کوتاه دکامرون و حکایات کانتربوری بود. و در واقع نقل میان مجلس اشراف و زمین داران فئودال بود. بعد از فروپاشی نظام سلطه دینی وسطی در اروپا و دگراندیشی در فرم و متن ادبیات و تاکید بر آموزش فنون جدید، نویسندگان فصلی از رمان های بلند را انتخاب کردند و برای آشنایی دانش آموزان به کتب درسی افزودند و در حوزه ادبیات داستانی نهادینه نمودند . اما داستان کوتاه با اندام واره ی امرزی از قرن نوزدهم خلق شده و کاشف آن را می توان ادگار آلن پو نامید. اما شکل علمی و اصلی را براندو ماتیوز آمریکایی که خود کتابی به نام فلسفه داستان کوتاه دارد و در سال ۱۸۸۵ نگاشته و برای اولین بار به این گونه داستان اطلاق گردیده است. ادگار آلن پو و گوگول دو نویسنده ای هستند که آنان را پدران داستان کوتاه می گویند. اکثر نویسندگان عالم دارای این شکل داستان هستند و به این شیوه نگارش اهمیت می دهند. (منابع، دکتر احمدی تمیم داری)

دومین جشنواره داستان های کوتاه به همت انجمن اهل قلم در بهمن ماه سال ۱۳۸۶ با داوری آقایان محسن شریف، خورشید فقیه، فرشید جان احمدیان، محمودسعیدنیا و راقم این سطور با ۲۷ داستان در سطح استان کارش را آغاز نمود. در این نوشتار بدون هیچ گونه اولویت به شرح و معرفی آثار برگزیده اشاره ای گذرا می کنیم و امیدواریم که در سال های آتی با قدرت و پتانسیل بهتری وارد این عرصه هنر و ادبیات شوند، زیرا جوانان خوشنام بوشهری می تواند از جمله داستان نویسان کوتاه کشور باشند و این را در داستان های ارسالی خود به دبیرخانه انجمن اهل قلم ثابت کرده اند.

غول: نوشته زهره سعد زاده

داستان زنی در مانده و تنها که برای گذران زندگی بلیط فروشی یک پارک بازی را برگزیده است. او با رویاهایش زندگی می کند، غول تنها دخترش را از دست داده و شوهرش، آن هم شوهری که تمام زندگی سربارش بوده و مرتب زیر لگد هایش مجروح شده و او را مجبور می کرده که در مجالس اشراف برقصد. دختر بچه (غزل) همیشه در حسرت یک بارانی (کاپشن) است و مادر امشب آن را به هر قیمتی خریده...

داستان جریان سیال ذهن را دنبال می کند و فضاهای مختلفی را خلق می نماید، اما در نوشتن هنوز به پرداخت واژه ها و جملات اشراف کامل ندارد.

پله ها و بین لب های تو: نوشته راضیه حفری

پله ها داستان زن و مردی جوان در آغاز راه زندگی است. زن می خواهد از همان شروع پله پله با مردش حرکت کند. توی پله ها بود که عقب ماندم، تو یک پله پایین تر از من بودی و من حواسم نبود اما می خواستم بعد از تو به آن پله برسم.

سیگار، داستان سیگاری در دست های مرد و زبان حال سیگار وقتی دارد در بین لب های مرد می سوزد. داستان فضا سازی مناسبی دارد و در پرداخت جملات منظم تر است.

وقتی که صدای سک امید به زندگی در انسان می دمد– زمزمه محبت: احمد عبدالهی در هر دو داستانش به خاطره نویسی رویکرد نشان داده و زندگی آموزگاری در روستاهای استان را مد نظر دارد و اگر چه به ظاهر داستان کوتاست. اما از قواعد کلاسیک و قدیمی پیروی می کند. هیچ گونه نوگرایی و جریان ذهنی در داستان مشاهده نمی شود. به نظر می رسد که عمر این گونه داستان ها به سر رسیده باشد.

لجن شده ها: حسین مباهات

در یک روز رطوبتی و نمناک که کوچه ها خیس است ، مرد در فکر ناگهان سر می خورد و تمام بدنش پوشیده از لجن می شود. بو نفرت انگیز و تهوع آور است . مرد به سرعت خود را به خانه می رساند و زیر دوش می رود، اما هرگز این بوی لعنتی از او جدا نمی شود و بو تمام شهر را فرا می گیرد و تنها با مرگ مرد خاتمه می یابد.

داستان دارای ساختمانی یک دست و منظم است. بو به شکلی مطلوب سامان می گیرد، و در خط داستان محور داری می کند و در اندک زمانی حجم فضا را اشغال می نماید و جای همه می نشیند.

پاکبان و جاده: نجف آهوچهر

پاکبان زندگی آرام و بی دغدغه ای داشت، مردی با یک مغازه کوچک در خانه مسکونی ، صبور ، قانع و مهربان. او درگیر و دار زندگی و فشار اطرافیان ناخواسته اسیر دام، وام های بانکی می شود و آن آرامش را می بازد و در پایان به رفتگری مردم دار تبدیل می شود.

داستان دوم جاده ، پسری در جاده ای در حال حرکت ، او به سفالگری علاقه ای وافر دارد ، اما کسی احساس او را درک نمی کند ، بعد از یک هفته جسد بی جان او در حاشیه جاده پیدا می شود.

گزارش زندگی پاکبان و پسر در دو اثر آهوچهر از همان نگارش کلاسیک مایه می گیرد. داستان جاده کمی نو تر از پاکبان است. فضای پرداخت و ریتم مناسب تر جملات فاخرتر و روند داستان مطلوب تر است.

مثل یک بازی – تو در را رویم باز کن: خانم کشتکار

هر ۲ داستان کوتاه ، دارای ساختاری مناسب و مطلوب بوده و در نوشتن به قواعد نو اهمیت داده شده است اگر چه هنوز در پاره ای موارد جملات ناتوان ولاغر و گاهی ناهماهنگ هستند. اما نوید داستان نویس خوب و در خور اعتنا می دهد. از میان دو داستان می تواند به مثل یک بازی اشاره نمود. زنی با دو فرزند و شوهری معتاد و نامتعادل. زن که نمی تواند رفتار مرد را تحمل کند به خانه پدری باز می گردد و در انباری خانه مخفی می شود و ذهنیت داستان نویس از همین مکان به سامان می نشیند.

تپه های شنی– شبانه هفتم: حسن مختار زاده

تپه های شنی روایت، مردی که سرباز بود گفت، شناسنامه، آن جا نبودم، شناسنامه خالی از من بود. سرباز به دنبال کسی بود که پیدا نمی شد من و مردی که سرباز بود به او گفته که تا حالا نه او نه هیچکس دیگر را این جا ندیده ایم.

داستان تپه های شنی با جملاتی تقطیع شده و در یک جریان سیال ذهن خواننده را با خودش می کشاند.در پشت هر جمله کوتاه و نا تمام جهان متن سیلان دارد و ... اما در شبانه هفتم، شاهد گذر از هفت خوان هستیم برای رسیدن به مرد. زنی که مردش را در میان صخره ها می جوید . غروب بود که هاجر نشان خواسته بود، هراس، سر به دنبال مردی در شب، شبانه های شبی که تنها رهایش کرده بود. کهزاد که مردش بود، سایه ای بود برای هاجر.

در این داستان هم چون آثار دیگر مختارزاده و با نثر و نگارش پیچیده مواجه هستیم که ما را در یک ضرب آهنگ مطلوبی به دنبال می کشد. یکی از مزایای این گونه پرداخت جویان موسیقایی است که مثل یک ترانه قومی حماسی در رگ و پی کلمات می دود و مخاطب را با سمند سرکش جملات به جلو می سراند.

در زمان: مینا درعلی

داستان دقایقی بعد از این که ضربه در زدم، بعد از این که پشت میز قرار گرفتم، سال ها بعد، روزهای تکراری، یک قرن پیش، یک دقیقه بعد از آن که مادرم جیغ کشید، بعد از به دنیا آمدن من، سال های تکراری، چند دقیقه قبل از این که به در ضربه بزنم، یک شب تاریک، اداره اسناد، مجموعه سوتیترهای بالا حکایت زنی است که دارد زندگیش را ورار می کند و استفاده از ساده نویسی در یک حرکت پویایی ذهنی نقطه قوت اثر بود. او در فضا سازی موقعیت ها موفق عمل کرده است.

اشک های ما بعد الرحمی: سینا برازجانی

اثر سعی کرده است با تحلیل ، آناتومی بدن و زندگی، همین طور ارتباط مارمولک را با آدم ها، فضایی داستانی خلق نماید و به صورتی علمی پارداکس شدید میان این موجود چندش آور و گونه های مختلف آدمی، تعلیق، کشمکش و نقطه فرودی مناسب بیابد. هر چند اثر به یک نرییشن فیلم های دموکانتر (مستند) شباهت دارد، اما در نوع خودش تازه و نواست. کم تر مشاهده شده که داستان نویسی این گونه فضا را برای انگاره هایش طراحی کند. مضافا به این که نگارش داستان و استقرار جملات و اشراف نویسنده در تقطیع روایت ویژه و در خور اعتنا است.

هدف نهایی: رضا ممسنی

داستان زندگی بازیگر تئاتر که بعد از تمرین نمایش برای هواخوری روی تراس مجتمع هنری می آید و گرفتار اوهام و خیال شده و توده ابری او را در بر می گیرد. مرد با تمام وجودش با توده ابر درگیرد می شود و اثر در یک سایکو درامی و پرداخت در یک دادگاه ذهنی قهرمانش را محاکه ودرمان می نماید.

در میان بیست و هفت اثر داستان کوتاه، رضا ممسنی حرفه ای تر به پیرامون خود نگریسته بود، وی در پرداختن به دیالوگ ها و طراحی صحنه های دادگاه موفق بوده ودر ساختن شخصیت های اثر و فضای پر تعلیق تا حدودی منطقی عمل کرده بود.

سوسک و بیوه: اردلان تاجدینی

سوسک دغدغه های پسری جوان است که بعد از بیدار شدن، از خواب وارد فضای زندگی سوسکی می شود و خود را در گیر حرکات و رفتار بی پروای سوسک می کند و رابطه ای میان خود و حشره می بیند اما بیوه داستان پسری جوان که ضمن تماشای آب تنی زنی بیوه در پای حوض ، و سیخ ماجرا شدن و آمدن ناگهانی مادر، دست خود را با شکستن تنگ ماهی می برد، لاجرم با مادر روانه بیمارستان می شود. تنها نقطه اتکای هر دو اثر اردلان تاجدینی، فضای طنز آلود و ساده نویسی آن است. او می تواند در آینده و با کمی ممارست و دقت طنز نویسی ماهر شود. داستان بیوه قوی تر از سوسک بود و ضرب آهنگ بهتری داشت.

قاب های صورتی: مریم هنرمند

زندگی دختران دوره گرد که با شغل های فالگیری، گل فروشی و نوازندگی امرار معاش می کنند و دختر فالگیر در یک روز کاری به جوانی برخورد می کند ، جوان قول می دهد که با دختر ازدواج کند، دختر به زندگی امیدوار می شود اما جوان یک عکاس آماتور است فقط قصد گرفتن عکس چهره دختر دارد.

داستان در پرداخت زندگی اجتماعی زنان و دختران بی تو موفق است اما در پرداخت جملات و اشراف بر واژه ها ضعیف بوده و بسیار احساساتی و عاطفی عمل می کند.

بیمار: منصوره حکمت شعار

بیمار جرات نمی کرد جواب بدهد، می ترسید فک بزند و مهره ها دوباره به هم بریزند دکتر از بس از این طرف و آن طرف تخت رفته بود گیج و خسته شده بود.

فضای داستان با جملاتی زیبا و روان زندگی مرد بیماری را دنبال می کند و با تغییر مکان و زمان جریان سیال ذهن را سامان می دهد و شاید بشود گفت قصه کوتاه بیمار از یک ساختار منظم و فاخر برخورداراست نظم کلمات را از دست نمی دهد و تا پایان بدون لغزش زبانی پیش می رود.

روز گیج کننده: مجتبی صولت پور

زندگی بهمن هدایت پیرمردی لاغر اندام که خیلی سرحال به نظر می رسد. ظاهرا نویسنده ای است. داستان در یک خطوط موازی با کتاب دوزخ دانته به پیش می رود. و این حرکت تا مرگ مرد ادامه دارد. نویسنده با نگارش تکرار و اضافه پرداخت که مخصوص داستان های بلند است از نوشته کوتاه فاصله می گیرد اما نشان از یک آغاز مناسب و مطلوب است.

...... و اما داستان های کوتاه دیگر. که دارای نقاط قوت و ضعف بودند به علت مجال اندک بررسی آن را به وقتی دیگر موکول می کنیم:

۱ – سقوط آزاد: رویا زنده بودی
۲ – وقتی خروس می میرد: جهانگیر اژدری
۳ – کلاغ دسته ی تو ، من: امید روشن
۴ – ( ) : فاطمه مباهات
۵ – سفر تاریخ و فرزندان بیچاره: سکینه کشتکار

جایی برای آویختن فانوس نیست

نویسنده : ژان والترا **برگردان از : ایلیا پارسانیا**

" اولیو باون " کمی بَنک (۱) می ساخت تا برای شوهرش "نت " که در ستورگاه (۲) بود ببرد . نت ، "مودی" – گاوش – را یاری می داد تا بزاید . اولیو خود آبستن بود و بچه ای را به همین زودی ها می زایید. او سُهش (۳) سنگینی می کرد و آهسته این و آن سو می رفت .

بنک روی خوراک پز جوشید و اولیو اندکی از آن را توی یک غوری ریخت و به ستورگاه برد . درون ستورگاه تاریک بود ، تاریکی اولیو را از جا به در می برد ، از همین روی پشت در ایستاد . دل آسودگی از این که چه کار می کند را نداشت . آیا باید نت را بانگ می زد یا آهسته و با هشیاری در میان تاریکی می رفت؟ سپس آن ته فانوسی را دید. اولیو ، نت را بانگ زد و از این که چراغی را می دید که به سویش می آید شاد شد . نت همان گونه که به پیش می آمد فانوسش را بالا گرفته بود . به اولیو که رسید گفت : «کجا با این تنهایی ؟ اولیو تو نبایس بیای بیرون ، سوز و سرماست!»

اولیو گفت : « واسه ت کمی بنک آورده م»

نت از این که همسرش این کار را انجام داده است خرسند شد، اما دوست نداشت که او آن جا باشد . پس از این که چیزهای او را برداشت ازش خواست که بنشیند .

اولیو گفت : « شاید واسه لختی گرم بشم . » و نگاهش را در تاریکی ستورگاه پی گرفت تا ببیند مودی کجاست .

مودی آماده بود که هر آن دم بزاید .

نت گفت : «نمی خوام اینجا بمونی.»

اولیو گفت : «آه بس کن نت ! من هم نمی خوام ، همین که کارها روبه راه شد برمی گردم خونه.»

آنان آهسته پشت ستورگاه راه افتادند تا مودی را ببینند . نت پی چیزی می گشت تا اولیو بتواند رویش بنشیند.

– « این خوبه ؟ »

او یاری داد تا اولیو روی یک چارپایه ی کوچک بنشیند ، و بخاری نفتی را داغ تر کرد تا همسرش بتواند گرم شود . اما دوباره به او گفت که دوست ندارد هنگامی که گوساله ی مودی بزاید او آن جا باشد، زیرا نباید یک زن جوان این چیزها را ببیند ، به ویژه یک همسر جوان که به همین زودی ها خود مادر می شود . نت گرفت روی زمین نزدیک اولیو نشست. گاو درازکش به آرامی داشت کاه نشخوار می کرد . زن و شوهر جز این که چشم داشتند (۴) چیزی نمی گفتند . این گونه می نمود که سخن گفتن برایشان چندان ساده نباشد. اما پس از گذشت اندکی اولیو به همسرش گفت که از این که نمی تواند او را در کار زایمان گاو یاری دهد افسوسمند (۵) است. نت لبخند زد و به همسرش گفت که نگران او نباشد . گفت : « به هر روی این مودیه که داره می زایه نه من ، پس به جایش (۶) می دونه چه کار کنه.»

یک چیز دیگر بود که اولیو را دلواپس کرده بود اما نمی دانست چگونه لب به گفتنش باز کند . اما سرانجام سخن اش را گشود اگر چه از پاسخ نت دل آسودگی چندان نداشت . گفت: «مادر می گه ، می خوام بگم که شاید مادر گمون می کنه که من باید واسه زایش بچه مون برم به خونه شون، هرچه باشه پزشک در شهر زندگی می کنه ، اگه تو نتونی اون رو به هنگام این جا بیاری، راستش من نمی دونم چه پیش می آد.»

این را گفت و از این که سرانجام لب به سخن گشوده است خرسند شد . نت خاموش بود ؛ با فرّه (۷) بود و رادمرد . می دانست که اولیو ترسیده است و می خواهد ترس اش را فرو بنشاند . پاسخ داد: «آره ، این اندیشه ی خوبیه ، اون جا واسه تو، می تونه بسیارآسوده تر از این جا باشه.» گاه این گونه می نمود که بسیار کند می رود ، بسیار کند برای اولیو . زن با ترس و لرز به گاو نگاه می کرد . از نت پرسید که کی گاو می زاید.

نت پاسخ داد به همین زودی ها و افزود : « چندی پیش مودی یه درد کوتاه داشت .» سپس آغازید روی سر گاو را مالیدن. گاو سرش را از دست های او کند و ناگهان زایمانش گرفت . یک باد ترسناک داشت که اولیو را تکانی سخت داد. اولیو آشکارا می توانست بخشی از سر گوساله ی نوزاد که به آهستگی و دردناک بیرون می آمد را ببیند. اولیو ترس و لرز را دریافته بود. با دست های خشم گرفته اش تن خود را می فشرد. اکنون می توانست چهره ی فرزند خود را بپندارد.

نت با دلواپسی به اولیو می گفت که از آن جا برود اما اولیو نمی توانست. او نمی توانست خود را کنار هم بکشد. تنها رُک و خیره به مودی چشم دوخته بود. مودی ای که از خود آه و ناله های بسیار سر می داد ، دست و پا می زد ، می کوشید تا بتواند گوساله اش را بزاید . نت دید که گاو در بد دردسری افتاده است . می دانست که نیاز به یاری دارد . به دنبال میخ در دیوار گشت ، جایی که بتواند فانوس را بیاویزد ، نمی یافت . خشمگین بود و از همین رو نمی دانست چه بکند . او باید یک روشنایی می داشت . اولیو گفت که باید برود و از یک کشاورز یاری بجوید. این سخن نت را خشمگین تر ساخت . به اولیو توپید که از ستورگاه بیرون برود. اولیو دید نت هم ترسیده است. این دست و پا زدن های گاو برای اوِ تنها بسیار گران آمده است . پس در آن هنگام بود که پی برد هیچ چیز نمی تواند او را از ستورگاه بیرون براند . او از نت خواست که فانوس را به او بدهد، زیرا با این کار می توانست همه ی روشنایی بایسته را برای یاری مودی داشته باشد . نت گفت نه ، چون شاید این زایمان به بیماری او بیانجامد . به اولیو گفت:« برو، خواهش می کنم!»

اولیو خندید و گفت: «نت ، من گمون می کنم که این تویی که داری بیمار می شی ، بده به من اون فانوس رو !»

این ناگهانه ی ناگوار(۸) اولیو را دگرگون ساخته بود ، هراس چندان درازی را درنمی یافت . ناگهانی بود . سخت و جانکاه در او . شگفت زده کرده بودش . نت همان جور که همسرش فانوس را در کنارش گرفته بود نگاهش کرد. به او لبخند زد و به آرامی چهره ی او را با دست نوازید . اولیو هرگز پیش از این شوهرش را به این اندازه نزدیک خود ندیده بود. یک هنگامه ی زیبا و دیدنی بود . اکنون نت می توانست بنگرد و به آسودگی کار بکند. او کاه تازه پیرامون مودی ریخت و دنبال تکه ای کهنه گشت . او پارچه را نیاز داشت . به اولیو گفت همان جور که سر خیسیده ی گوساله را به بیرون می کشد باید با آن نگه اش بدارد .

نت و اولیو همان گونه که چشم به راه بودند کمی با هم شوخی کردند و خندیدند .اما به زودی دست کشیدند چون اکنون گاو در درد جانفرسایی بود. اکنون آن دو می توانستند همه ی سر بیرون زده ی گوساله را ببینند.

اولیو فانوس را نگه داشت . نت به او گفت که نگاه نکند ، اما اولیو نگاه می کرد . همان جور که اولیو به آن زل زده بود ، ترسیده بود . اما نه برای گاو ، نه هم برای خودش ، ترسیده بود برای فرزندش ، برای آن آفریده ی خُردی که به این جهان چشم می گشود.

***



سرانجام کار پایان پذیرفت. مودی بی آوا و خموش بود . درون ستورگاه یک گوساله ی کوچولوی سرخ رنگ دراز کشیده بود که می کوشید روی چار دست و پایش بایستد اما نمی توانست . نت به آرامی گوساله را یاری داد تا روی پاهایش بایستد. او گوساله را پیش مودی رساند ، دهان او را گشود ، پس گوساله به این شیوه می توانست از مادرش شیر بردارد. اما مودی از خود آوای خشمناکی را درآورد و گوساله اش را به کناری لگد زد. نت با مودی سخن گفت بدان سان که مودی می توانست سخنان او را بگیرد: «آه دست بردار ، یه مادر نباید این کارها رو در باره ی بچه اش انجام بده.»

اولیو پرسید : «او بچه شو دوست نداره؟»

نت گفت: «او هنوز دردهای زایمونشو فراموش نکرده ، اما بامداد همین امروز بچه شو دوست خواهد داشت.»

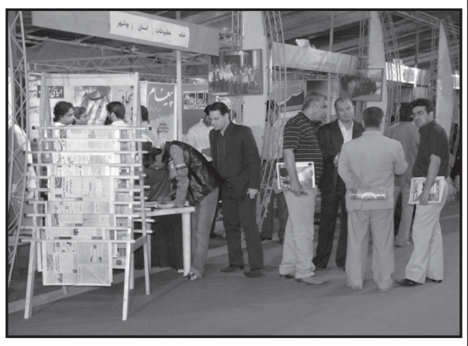
اولیو و نت هر دو خسته بودند . اولیو یادش آمد که بنک را به ستورگاه آورده . پس گذاشتش روی بخاری گرم . نت با یک پارچه گوساله را خشک کرد . همان گونه که نت سرگرم بود اولیو از میان پنجره ی ستورگاهْ بیرون را نگاه کرد . درختان سیب را دید با برف هایی که رویشان نشسته بودند و روشنایی آشپزخانه اش و پرتوهای تازه تابیده ی خورشید بامداد را . سُهش گرمی و خرسندی در او پیدا شد . او به راستی پاره ای از زندگی شوهرش بود . به خود آمد و آوای جوشیدن بنک را شنید. از کنار پنجره برگشت و هنگامی که نت را دید که دارد می کوشد در جفتک زدن های پیوسته ی گوساله تن او را بپوشاند خنده اش گرفت . نت هم که او را دید خندید.

اکنون گوساله پوشیده شده بود و خموش. در کنار مادرش خُسبیده بود . نت و اولیو در ستورگاه نشسته بودند؛ دست های یکدیگر را در دست و سرگرم نوشیدن بنک بودند . نیازی به سخن نمی دیدند ، هنگامی که داشتند به نخستین بچه ی زیبای زندگی شان می نگریستند .

***

۱– (بَ / نَ) قهوه ۲– اصطبل ۳– احساس ۴– انتظار داشتند ، منتظر بودند ۵– متاسف ۶– به موقع اش ۷– با ابهت ۸– موقعیت اضطراری بد

دومین جشنواره‌ی نوروزی بوشهر برگزار می‌شود



دومین جشنواره‌ی نوروزی بوشهر در ایام نوروز برگزار خواهد شد. مهندس "میثم بشکوه" دبیر کل جشنواره‌ی نوروزی بوشهر با بیان این خبر گفت: «این جشنواره به منظور ارایه‌ی خدمات مختلف به میهمانان نوروزی و همشهریان بوشهری برگزار می‌شود تا با سامان‌مند کردن اوقات فراغت میهمانان و همشهریان در ایام نوروز در جهت جذب بیش از پیش گردشگران به این استان گام بردارد».

"بشکوه" افزود: «جشنواره‌ی نوروزی بوشهر عمدتاً فرهنگی است و سعی دارد معرفی پتانسیل‌ها و داشته‌های غنی فرهنگی و علمی این دیار را هدف اصلی خود قرار داده و به ارایه‌ی تصویری صحیح و منطبق با واقعیات از بوشهر بپردازد».

دبیر جشنواره‌ی نوروزی بوشهر خواستار حمایت بیش از پیش مسؤولین بوشهر از این جشنواره‌ی فرهنگی شد.

جشنواره‌ی نوروزی بوشهر که به همت تبلیغات «پریروک» برگزار می‌شود، بخش‌های مختلف و متنوعی از جمله غرفه‌ی مطبوعات، بوشهرشناسی، ارایه‌ی خدمات مختلف و مورد نیاز میهمانان نوروزی و... را در بر می‌گیرد.

لازم به ذکر است، اولین جشنواره‌ی نوروزی بوشهر در فروردین‌ماه سال جاری برگزار شد و با ارایه‌ی بخش‌های مختلف فرهنگی–خدماتی با استقبال چشمگیر میهمانان نوروزی و شهروندان بوشهری مواجه شده و رضایت آنان را در پی داشت.

دومین جشنواره‌ی نوروزی بوشهر با شعار «همیشه بندر بوشهر، همیشه خلیج فارس» برگزار خواهد شد.

روزنامه نگاران بوشهری به دیدار اتوبوس شب رفتند



به دعوت خانه مطبوعات استان بوشهر و با همکاری حوزه هنری بوشهر، روزنامه نگاران و نویسندگان خانه مطبوعات به همراه خانواده خود به دیدار فیلم سینمائی اتوبوس شب در سینما بهمن رفتند.

نویسنده فیلم اتوبوس شب حبیب احمدزاده نویسنده بوشهری است. عوامل این فیلم عبارتند از : کارگردان: کیومرث پوراحمد – بازیگران: خسرو شکیبایی, محمدرضا فروتن, کوروش سلیمانی, امیر زند, مهرداد صدیقیان, احمد کاوری – فیلمنامه: کیومرث پوراحمد، حبیب احمدزاده ... خلاصه داستان: نوجوان رزمنده‌ای باید به تنهایی چندین اسیر عراقی را به پشت جبهه منتقل کند که در این کار با مشکلات مواجه می‌شود.

اجرای گروه موسیقی لیان در قطر و امارات

گروه موسیقی لیان در قطر و سپس در امارات متحده عربی به اجرای موسیقی بوشهر خواهد پرداخت.

محسن شریفیان مدیر این گروه به خبرنگار ما گفت: اعضای گروه ما روز جمعه از شیراز به دوحه قطر رفتند تا در روز ۲۱ بهمن به دعوت رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دوحه به اجرای موسیقی بپردازند. وی افزود: علاوه بر این اجرا، در تلاش هستیم تا برنامه های جانبی دیگری نیز در این کشور داشته باشیم. از جمله اجرای موسیقی و ورک شاپ در دانشگاههای قطر که در حال هماهنگی هستیم.

بعد از این اجرا گروه لیان ازقطر به دبی خواهد رفت تا میهمان فستیوال مهرجان دبی باشد. شریفیان در مورد اجرای دبی گفت: پیش از این قرار بود قبل از ماه محرم به دبی برویم اما به دلیل اجرا در ایران موفق نشدیم. گفتنی است اجرای پرتحرک این گروه همواره مورد توجه این فستیوال بوده و بارها از تلویزیون دبی نیز پخش شده است.

گروه لیان یکی از گروه های مطرح موسیقی جنوب ایران است که پیش از این علاوه بر قطر و دبی در بحرین، کویت، عمان، ترکمنستان، سنگاپور، ترکیه و آلمان به دفعات برنامه های خود را به اجرا گذاشته است. شریفیان دلیل استقبال کشورهای عربی را اشتراک های قابل توجه ی موسیقی جنوب ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس می داند و همواره به طرح گفتگوی موسیقیایی اقوام و ملت های این منطقه تاکید دارد.

برپایی مسابقه مشاعره کودکان و نوجوانان در خورموج

در چهارمین روز از دهه مبارکه فجر بیش از ۱۷ شاعر برگزیده کودک و نوجوان عضو مراکز فرهنگی هنری شهرهای خورموج، برازجان، اهرم، دالکی و کاکی استان بوشهر به مرکزیت شهر خورموج در مسابقه مشاعره به رقابت پرداختند.

در آیین گشایش این مراسم مدیر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان بوشهر در حضور رییس ستاد دهه فجر شهرستان دشتی، معاونین گفت: مرکز آفرینش های ادبی کانون به عنوان یکی از بخش های مهم و فعال در امر پرورش و هدایت اعضا کودک و نوجوان مستعد استان تاکنون توانسته است زمینه ظهور و معرفی تعداد زیادی از شاعران کودک و نوجوان را فراهم آورد.

نمایشگاه عکس در کنگان

بنا به گزارش خبرنگار روابط عمومی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان کنگان: به مناسبت دهه مبارک فجر نمایشگاه فرهنگی از طرف پایگاه مقاومت دانش آموز فاطمه زهرا(س) از توابع ناحیه مقاومت سپاه شهرستان کنگان با حضور فرماندار، رییس آموزش و پرورش و مسوول بسیج فرهنگیان ناحیه مقاومت بسیج شهرستان کنگان برگزار گردید. خاطر نشان می شود این نمایشگاه شامل عکس هایی از ایام پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت های هنری دانش آموزان بسیجی بوده و به مدت ۱۰ روز دایر می باشد.

نسیم جنوب
۵
اجتماعی
شماره ۴۸۷ یکشنبه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۸۶
NASIM JANOUB

مناظره اینترنتی در سایت نسیم جنوب

انتخابات، اصلاح طلبان، رد صلاحیت ها و ...

در هفته گذشته امان اله شجاعی عضو شورای شهر بوشهر در مصاحبه با خبرگزاری خلیج فارس نکاتی را در مورد حضور اصلاح طلبان در انتخابات علیرغم رد صلاحیت گسترده آن عنوان نمود. پس از قرار گرفتن مصاحبه وی بر روی سایت اینترنتی نسیم جنوب، یکی از خوانندگان پاسخی به این مقاله فرستاد که قرار گرفتن وی بر سایت نسیم جنوب، پاسخ شجاعی را به همراه داشت. در زیر این سه مطلب را که طی چند روز بر روی سایت اینترنتی نسیم جنوب قرار گرفته اند، می خوانید:

شجاعی: با وجود ردصلاحیت فله، اصلاح طلبان در انتخابات مشارکت می کنند

خلیج فارس: یک عضو ستاد ائتلاف اصلاح طلبان استان بوشهر گفت: با وجود ردصلاحیت های گسترده و فله ای توسط هیات اجرایی و نظارت استان، اصلاح طلبان در انتخابات مجلس هشتم مشارکت می کنند. «امان الله شجاعی» افزود: عملکرد تصمیم گیرندگان در مورد رد صلاحیت نامزدهای انتخاباتی مجلس هشتم، نشان داد این ها به توان تصمیم گیری و شعور مردم شک دارند و اقداماتی خلاف قانون، اصل برائت، مردم سالاری دینی و جمهوریت نظام را انجام دادند. شجاعی که در انتخابات شورای سوم شهر بوشهر با شعار معروف «من یک اصلاح طلبم» نفر اول این رقابت شده بود، ادامه داد: اصلاح طلبان برای حضور در انتخابات مجلس به هیچ احدی التماس نمی کنند و مطالبات قانونی و به حق خود را از مجرا و مسیر قانونی دنبال خواهند کرد. به گفته وی به جز در حوزه دشتی و تنگستان، اصلاح طلبان نیرویی کارآمد که به اصلاحات پایبند باشد در حوزه های انتخابیه ندارند. وی ادامه داد: با این وجود در صورتی که شورای نگهبان اشتباه فاحش و عملکرد فراقانونی هیات های اجرایی و نظارت را تصحیح کرده و امکان حضور نیروهای منتسب به جریان اصلاحات را در تمام حوزه های انتخابیه فراهم سازد، ستاد ائتلاف با تمام توان در انتخابات مجلس هشتم شرکت می کند. مدیرکل سابق مالی- اداری استانداری بوشهر خاطرنشان کرد: استراتژی اصلاح طلبان استان در شرایط کنونی قهر با جامعه سیاسی نیست، بلکه به اعتقاد بنده باید با حضور فعال در انتخابات، ادامه فعالیت های فکری و سیاسی در چارچوب قانون و حضور مستمر و ساماندهی شده در مناطق مختلف و حتی دور افتاده، تفکر اصلاح طلبی را در استان نهادینه کنیم.

در تکمیل فرمایش آقای شجاعی:

ما اصلاح طلبان به اصولگرایان رأی می دهیم؟!

سینا فرهادی پور: جناب آقای شجاعی نفر اول شورای اسلامی شهر بوشهر اخیراً اعلام نموده اند که اصلاح طلبان علیرغم ردصلاحیت فله ای در انتخابات شرکت می کنند. ایشان با این حکم زودهنگام تکلیف تمام اصلاح طلبان را روشن نموده اند! ظاهر امر هم نشان می دهد آقای شجاعی بدون هماهنگی با ستاد ائتلاف اصلاح طلبان این حکم را صادر نکرده است .

نگارنده هم مانند آقای شجاعی اعتقاد دارد شرکت در انتخاب یک حق است و هیچکس و هیچ مقامی نباید این حق را از کسی سلب کندو بکاربردن مکانیزمهای بظاهر قانونی بگونه ای که این حق را از راههای فراقانونی از فرد سلب نماید یک رفتار ضد مدنی و غیردموکراتیک است. این خود فرد است که باید این مسئله را تشخیص دهد که آیا این حق برای او برقرار است یا خیر و آنگاه تصمیم بگیرد. این جنبه فردی مسئله است. گاهی اوقات هم فرد عضو یا هوادار یک جریان سیاسی یا حزب است که معیارهای حزبی خود را در تشخیص موضوع وارد می کند.

صدور حکم یکجا (یا بیانیه) برای یک جریان سیاسی برای شرکت در انتخابات قواعد خاص خود را می طلبد. اصولاً یک جریان سیاسی با هدف رقابت در انتخابات تشکیل ائتلاف می دهد و اولین رسالت ائتلاف تلاش در جهت برقرار نمودن فضای رقابتی و عادلانه (یا بعبارتی تحمیل این فضا بر صاحبان قدرت) و سپس تعیین و معرفی کاندیداها و انجام فعالیتهای انتخاباتی است. هرچه جریان سیاسی از قدرت دورتر باشد چالش ها و سنگینی رسالت اول یعنی ایجاد یا تحمیل شرایط رقابتی و عادلانه هم بیشتر می شود. بدیهی است اگرچنانچه شرایط رقابت سالم فراهم شود آنگاه ائتلاف باید توصیه های انتخاباتی لازم را برای پایگاه اجتماعی خود صادر نماید در غیر اینصورت منطقی نیست که حکم واحد یا بیانیه ای را برای هواداران خود صادر کند، چون در تحقق رسالت اولیه خود ناکام مانده است. اصولاً اگرچنانچه شرایطی رقابتی و عادلانه وجود نداشت ائتلاف هم خود بخود از کارکرد می افتد و باید ضمن روشنگری و شفافیت لازم در مورد مسائل ، تصمیم گیری در مراحل بعدی را به عهده خود افراد بگذارد. البته این بدان معنا نیست که اگرچنانچه شرایط مساعد بر رقابت (بطور مطلق یا نسبی) هم فراهم گردید وظیفه ستاد حکم به شرکت کردن در انتخابات است بلکه توصیه در مورد چگونگی انتخاب از طریق اعلام برنامه هاست. حال اگرچنانچه این شرایط ساقط شد (بعنوان فقدان رقابت مؤثر به دلیل نبودن گزینه مناسب) آنگاه برنامه ای در کار نیست که توصیه ای را اقتضاء نماید چه رسد حکم شرکت کردن یا نکردن. متأسفانه جناب آقای شجاعی علیرغم برخورداری از تجربه و دانش سیاسی ، با صدور این حکم عجولانه خطاب به اصلاح طلبان دچار یک اشتباه فاحش شده اند و اگرچنانچه از سوی ائتلاف هم مأمور به این کار شده باشند باز هم خطائی آشکار و نوعی بی تدبیری سیاسی قلمداد می شود. بر هیچکس پوشیده نیست که تا این هنگام تمامی کاندیداهای مطرح و غیرمطرح اصلاح طلبان در حداقل سه حوزه انتخابیه استان ردصلاحیت شده اند و لذا عمل نمودن به توصیه آقای شجاعی (و شاید ائتلاف اصلاح طلبان) به معنی دعوت از اصلاح طلبان برای رأی دادن به چهره های شناخته شده یا ناشناخته اصولگرا است که خود بر بی حاصلی کار جمعی سیاسی حکایت دارد.

البته ممکن است گفته شود ائتلاف اصلاح طلبان هنوز از تأئید صلاحیت چهره های شاخص خود ناامید نیست که این خود موضوع دیگری است که در صورت تحقق تدبیری خاص در زمان مناسب می طلبد. ناگفته نماند نگارنده علیرغم انتقاداتی که از نحوه شکل گیری و ادامه کار ستاد اصلاح طلبان دارد ، از زحمات و پیگیریهای بی شائبه این ستاد در ایفای نقش مدنی خود بی خبر نیست و اعتقاد دارد حتا اگرچنانچه پیگیریهای بعدی هم نتیجه ای بدنبال نداشته باشد ذره ای از ارزش کار این ستاد را کم نمی کند و همچنین معتقد است که اعضای ستاد علیرغم آگاهی از هزینه های مترتب بر چنین کارهایی وارد صحنه شده اند. در پایان ضمن آرزوی تحقق شرایطی رقابتی و سالم در امر برگزاری انتخابات مجلس هشتم و تکمیل رسالت بالای اصلاح طلبان، از آن ستاد انتظار می رود در صورت عدم تحقق چنین شرایطی مطابق با مصالح جامعه بگونه ای خردورزانه تصمیم گیری نماید.

جواب شجاعی به مطلب "ما اصلاح طلبان به اصولگرایان رأی می دهیم؟!"

نقدجناب آقای فرهاد پور بر مصاحبه ام با هفته نامه خلیج فارس را به دقت مطالعه و آن را با آنچه که از طریق سایت خلیج فارس منتشر شده مقایسه کردم. به نظر می رسد جناب فرهادی پور به دو علت آن نقد را بر این برادر کوچک خود دشته اند:

۱ – ایشان شجاعی را نه یک پادو، بلکه در حد یک تصمیم گیرنده دانسته اند که انصافا از این بابت از نا توانی خود و بزرگواری ایشان شرمنده شدم.

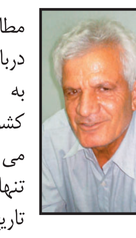
۲ – جناب سینا پور به موضوع اصلی که اعتراضی بر رد صلاحیتهاست وگفته شده شورای نگهبان باید رفتار نا به جای هیات های اجرایی ونظارت را اصلاح نماید چندان توجه نداشته اند.

در نتیجه عرایض بنده نه حکم است و نه بیانیه ،زیرا قد و قواره حقیردر این حد نیست و آن مطالب گرچه بسیار صریح وبی پرده عنوان شده ولی در حد یک اعلام نظرشخصی است و نه بیشتر. زیرا رییس محترم ستاد جناب استاد شکوهی است و ایشان نیز با هماهنگی سایر اعضای صاحب رای واز طریق کمیته سیاسی در این گونه موارد اقدام می نمایند.

در پایان از جناب فرهادی پور که مرا مورد لطف ومحبت خود قرار داده بی نهایت ممنونم ودستی را که با آن قلمش به رقص آمده، با افتخار میبوسم وباز به صراحت می گویم که این رد صلاحیت ها در حقیقت متوجه مردم ایران است ونه چند نامزد. به همین دلیل خواهان اصلاح این رفتارها رعایت قانون اساسی وتایید صلاحیت همه افراد مخلص برای حضور پر شور مردم در انتخاباتم.

درس هایی از تاریخ

ناصر علیخواه



مطالب تحقیقی که درباره مناطقی که روزی به عظمت و توسعه کشور کمک شایانی می کرده اند، و امروز تنها درحد نام و نشان در تاریخ یاد کنیم در کشور ما کم نیستند، و این بی توجهی ها بیشتربرمی گردد به شاهان مستبد و فاسد قاجار که توان و جسارت آن چنانی نداشتند، و این قسمت درد تاریخ کشور ماست، که بسیار شکننده و رنج آور است، به خاطر بیاوریم دوره آخر صفوی و آن داستان سلطان حسین و یا دوره ی حکومت فتح علی شاه و تن دادن به آن معاهده های ننگین و بقیه سلاطین بی کفایت قاجار که با روش باری به هر جهت به اصطلاح حکومت می کرده اند.

در سال ۱۳۵۸ زمانی که مهندس بازرگان به عنوان نخستین مدیر اجرایی کشور در جمهوری اسلامی ایران به سیستان سفر کرد سخنان خود را با جملاتی به این مضمون در جمع مردم منطقه آغاز کرد: « گفته می شود هر آن چه از چشم مرکز نشینان دور است از دل هم دور است» و گویی سرنوشت مردم سیستان مصداق این سخن است. چندی پیش کتابی به نام«سرزمین سوخته» که تحقیق ارزنده ای است از دکتر رضا رییس طوسی درباره ی سیستان از انتشارات « گام نو» که در سال ۱۳۸۵ به بازار کتاب عرضه شده است پس از بررسی به علت اهمیت و ارزش بیان مهم مسایل تاریخی و اقتصادی آن در گذشته در منطقه آباد سیستان آن روز و آگاهی از ضعف و زبونی سلاطین قاجار و مدیران آن که با بی توجهی چه به روزگار این سرزمین به دخالت استعمار گرانی چون انگلیس و روسیه صورت گرفته جهت آگاهی و علاقه مندان به این سرزمین به آن پرداخته.

وی در مقدمه کتاب می نویسد:هیولایی که از کودکی ما را به شدت می ترساند.« غر شمار» نام داشت. اما همراه با قصه غر شماره ها برای ما قصه رستم و سهراب را هم می گفتند. رستم پهلوانی بزرگ، جوانمردی نامور و صبور و با گذشت که در یکی از شهرهای پر برکت و آباد سیستان به دنیا آمده بود. کمی که بزرگتر شدم توانستم غر شمارها را ببینم، مردمی آرام، صبور، و زحمت کش و دامدارانی بی نظیر بوده اند. در دو نوبت مبارزه آن ها به کمک انگلیسی ها توسط حاکم سیستان به شدت سرکوب شده است و مجبور شدند دسته دسته به دنبال نان به شهرهای دیگر مهاجرت کنند.

وقتی دریافتم« غرشمار لغت تحریف شده و درمحاوره از واژه « غیره شمار» به مبنای غریب شمار یا «غیرخودی» بخوانند همین اندوه من واداشت تا درباره ی سر نوشت آن روزگاران سیستان به تحقیق بپردازم. دشت گر گرفته و بی آب سیستان با مردمی که از این همه بی توجهی به جان آمده اند،به چشمانی که حتی اشک نیز در آن ها خشک شده است مایوسانه به سرنوشت ذلت بار خویش می نگرند، تصویر واقعی سیستان امروز مزارعی است که به شوره زار تبدیل گشته و قبرستان گسترده ای است که میلیون ماهی از عطش مرده ی دریاچه هامون را و ده ها هزار گاو و گوسفند در سینه باز فزاینده ی خود جای داده است. گزند تابش آفتاب بی امان تابستانه کویر و هجوم داغ بادهای سوزان ۱۲۰ روزه کویر سیستان در آن قرار داده اند، دل هر انسان بی رحمی را به رحم می آورد.

در فصل نخست کتاب پس از بیان تفصیلی اهمیت ویژگی های منحصر به فرد منطقه از جمله: آب، زراعت جغرافیای سیاسی و ... نظرات کارشناسان برجسته داخلی و نمایندگان دولت های خارجی تاکید شده است که این سرزمین را: مملکت زر خیز و انبار غله ایران و صادر کننده به دیگر مناطق برای ایران تا مصر درافریقا .... دانسته اند. از جمله سرهنگ هنری مک ماهون که در راس یک هیات بزرگ از کارشناسان کشاورزی، آبیاری و دامپروری و امنیتی به خاطر مقاصد استعماری هند بریتانیا دراوایل قرن بیستم به مدت دو سال و نیم در سراسر سیستان به تحقیق می پردازد و خاطر نشان می کند که : تا قرن دهم سیستان سرزمینی بسیار ثروتمند و متمدن بوده و می تواند محصولات بیشتری تولید کند، تحت حکومت اصلاح شده ی سیستان قادر است با اندکی زحمت به صورت مصر دومی در آید. همین اهمیت سیستان را تبدیل به حوزه رقابت قدرت های استعماری روس و انگلیس کرد. در حقیقت دخالت های این دو قدرت درمنطقه عامل اصلی فقر و هلاکت بار مردم آن بوده که در این سرزمین زر خیز روزگار مشقت باری را می گذراندند. انگلیس ها فکر می کردند اگر هرات در دست ایرانی ها بماند ممکن است به صورت پایگاه خارجی روس ها برای دسیسه علیه آن ها درهند به کار رود. درنتیجه مدت ها در کلکته و لندن برای ضمیمه ساختن هرات به کشور متحد افغان به عنوان بهترین راه حل حفظ هند کار کردند. پس از به دست آوردن اطلاعات لازم و نفوذ در میان بهترین فرصت برای بریتانیا دردهه ۱۸۵۰ بررسی تصرف هرات به دست آمد. در ایران میرزا آقا خان نوری که با همدستی انگلیسی ها میرزا تقی خان امیر کبیر از صدر اعظمی بر کنار و به قتل رسانده بود. به صدارت رسیده او در ازای رسیدن به قدرت استقلال هرات را به انگلیس وعده داد بود. سر انجام هرات به امضای معاهده ۱۸۵۷ پاریس به انگلیس تسلیم شد. انگلیس ها تنها به تسلیم هرات راضی نشدند بلکه بخش قابل توجهی از بلوچستان ایران را نیز تصرف خود در آوردند. که به بلوچستان انگلیسی ها موسوم شد. به این ترتیب بخش شمالی و جنوب شرق ایران که در همسایگی هند قرار داشت تحت قلمرو نفوذ بریتانیا در آمد. بریتانیا از بخش میانی انگلیس در تهران هر روز آقا خان نوری را برای درخواست تازه ای زیر فشار می گذاشت. تا این که سر انجام موری دریادداشت مه ۱۸۷۵ خود مدعی شد که سیستان هم جز افغانستان است. شیر علی خان حاکم افغانستان به دنبال ادعای مالکیت سیستان به کمک انگلیسی ها در سال ۱۸۷۰ به ایران اعلام جنگ داد. سر انجام سیستان را به دو قسمت تقسیم گردید. ۴۱۵۹ مایل مربع به افغانستان داده شد و ۲۸۴۸ مایل مربع آن در اختیار ایران ماند. رقابت توسعه طلبانه روس ها و انگلیس در سال ۱۸۹۱ میلادی که میر علم خان حشمت الملک حاکم مقتدر و وطن دوست سیستان درگذشت. حکومت به فرزند بزرگ او میر علی اکبر خان حشمت سپرده شد که بر خلاف پدر، سیاست حمایت از بریتانیا پیش گرفت.

در سال ۱۹۰۱ میلادی دولت ایران در وضع مالی بدی به سر می برد. فروش زمین های خالصه سیستان را به مبلغ صد هزار لیره انگلیس فروخت. سیاست وزارت خارجه انگلیس در سال ۱۹۰۲ این بود که نباید اجازه داد سیستان به دست روس ها بیفتد. به عنوان پل استراتژیک برای عملیات علیه قندهار و بلوچستان استفاده کنند و پاییز همان سال اشغال سیستان فراهم شده دولت انگلیس یک هیات از کارشناسان نظامی، کشاورزی، آبیاری ، اطلاعاتی و امنیتی از طریق هند به سیستان اعزام تا مطالعه گسترده ای برای آن منظور که چگونه می توان سیستان به یک کویر تبدیل نمایند به منطقه فرستاد که ریاست هیات را درخلال سال های ۹۶ تا ۱۸۹۴ مرزهای غربی هند و افغانستان بالتین کرده برای از بین بردن روحیه مردم سیستان آن ها دست به تبلیغ زده بودند که انگلیسی ها از امتیازات نامحدود در سیستان بر خوردارند و دولت بریتانیا در نظر دارد سیستان را با نیروی نظامی متصرف شود دولت بریتانیا برای تحمیل پذیرش این هیات از شیوه ی تقسیم سیستان در سال ۱۸۷۲ سود برده از اوایل سال اول قرن بیستم سیستان با خشک سالی رو به رو شد. به دلیل تقصیر مسیر هیرمند که کلوا اسمیه آن را به عنوان مرز دو کشور ایران و افغانستان تعیین کرده بود. آب روی سیستان بسته. بالتین خط مرزی طرح مک ماهون درحکم داوری ۱۹۰۴ تمام مناطق دل خواه را با بالتین خط مرزی جدیدی از سیستان جدا وبخشی از سرزمین باقی مانده سیستان به بیابان خشک تبدیل شد و به علت قطع آب هیرمند رو به ویرانی و صحرای شن زاری تبدیل شده طرح سیاست دفاعی دولت هند(بریتانیا) از آب رودخانه هیرمند که سالانه ۳۰ سی میلیارد متر مکعب می شد به صورتی استفاده می شود تا در صورت تهاجم روس ها از غرب سیستان را غیر قابل عبور و بی فایده سازد. با شکستن سد ها و منحرف کردن کانال های آب و از بین بردن مزارع دهقانان سیستانی راه دسترسی روس ها به هند را مسدود سازد. انگلیسی ها با اشغال سرزمین های مورد نظر این منطقه را از جنوب به بلوچستان انگلیسی وصل کردند و ازغرب رودخانه هیرمند را مرز قرار دادند ایران درتقسیم آب سیستان به سفارت انگلیس ارسال داشت سفارت انگلیس بر حسب قرار داد ۱۹۰۲ تمام شده تلقی نموده که مشیرالدوله گفته بود که: ریش و قیچی در دست انگلیس است.

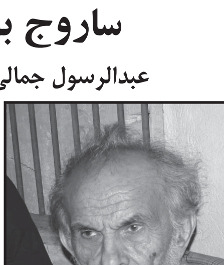
در یادداشت های ذوالفقار کرمانی که درماموریت در سال ۱۸۷۲ جز هیات اعزامی ایران بوده است و خود تحصیل کرده دارالفنون و اولین ایرانی است که درعصر قاجار تحقیقاتش ارزش علمی و آماری دارد و اطلاعات جامعی درباره وضعیت اقتصادی، کشاورزی و جغرافیایی سیستان داده است. و درنوشته ها ی خود از حاصل خیزی فوق العاده ی خاک سیستان که درآن محصولات فراوانی در سال ۱۸۷۲ نام می برد گندم، جو، ماش ، تنباکو، هندوانه، خربزه، سیرو پیاز، بادنجان، چغندر، کنجد و کدو، و همچنین باغ هایی با درختان عناب، انار، انگور، سیب، آلو، زردآلو، توت، انجیر، خرما، درخت توت، کرم ابریشم، در نقاط بسیاری از سیستان وجود داشته است. و همچنین وفور نیزارهای در بستان های کم نظیر دامنه هامون وجود حوض هایی که باعث رویبدن علف ها خود روی آبی می شده محل مناسبی برای جذب پرندگان مهاجر بوده است. خانوارهای زیادی از صید پرندگان امرار معاش می کردند و ۳۴ نوع مرغابی در سیستان دیده شده است براساس آمار ذکر شده ذوالفقاری کرمانی سیستان قبل از تقسیم در سال ۱۸۷۲ حدود ۱۲۰۶۷۵ نفر جمعیت داشته است که پس از تقسیم جمعیت سیستان ایران ۴۵۰۰۰ نفر بوده است.

کاهش جمعیت به دلیل تخریب کشاورزی و دامداری سیستان صورت گرفت. که درنهایت زمینه ی تخریب سیستان به وجود آمده و امروز ما وارث بی توجهی سر دامداران تاریخ وحاکمان گذشته خود هستیم سرزمینی که روزی با اقتدار چرخ اقتصادی زندگی خود و کشور را می گردند امروز برای قطره آبی و قرص نانی دنبال کار خلافند.

بوشهر در آیینه ی زمان

ساروج بوشهر

عبدالرسول جمالی تنگستانی



بله؛ خیلی از دور نمی گویم و از ۷۰ سال گذر زمان می نویسم که تا امروز را با آن روز و روزگاری مقایسه کنید. برج مقام تا قهوه خانه دی سید مهدی پور تنگکی و قهوه خانه باقر و اطراق قوافل جهت صرف چای و آب دادن به الاغ های بار کش و کارگاه کوره پزی سیمان (ساروج) ساروج سرخ و ۶ حوض همیشه پر از آب برای ترکردن و قالب بندی خشت از شل پنبه ای قاطی با کاه که پس از خشک شدن قالب های شل آن را توی کوره ها ریخته وپهن شتر، الاغ و گاو روی آن ریخته و کوره را پر می کردند تا حدود معینی که استاد کار می دانست. ساروج رسیده را یک جا جمع و طبق سفارش بناها با الاغ به شهر حمل می کردند و نحوه کامل نمودن سیمان (ساروج) سرخو توضیح این که هر مقدار مورد نیاز را در نقطه مناسبی خرمن کرده و مخصوصا شب ها با تبله به ۶ تا ۸ نفر از پشت گرفته می کوبیدند و دست جمعی برای خودشان تضیفی هم بر وزن بکوبکو جان جانانم بکوب خوب بزن خوب بگو نار بازوت علی- حسن- احمد- رضا- بلی با این تصنیف کارگران گرم کوبیدن می شدند و همین طور به ترتیب کم کم با بیل از پس گرفته و مساوی کوبیدن تا تماما یکسان شود و تا سه مرتبه این ساروج جمع و کوپ می شد و به شکل و ترتیب اول کوبیدن می رفت تا زمانی که مورد پسند استاد کار می شد.

این ساروج که با ماسه نرم دریا قاطی می شد چنان چسبانیده بود که وقتی به دیوار می خورد مانند چسب جذب می شد و ریزش روی زمین نداشت و سریع هم خشک می شد بیشتر به کار آب انبار، پایین دیوار ها به کار می رفت که تا هنوز آب انبارهایی در خانه وجود دارد که همان ساروج سرخ به کار رفته است بهای آن هر بار الاغ که در حدود ۶۰ کیلو بود ۱/۵ ریال یعنی به زمان آن روز سی شاهی و مزد کارگر عمله ۳ ریال- نحوه کار صبح زود قبل از طلوع خورشید بنا با تعداد کارگر را مورد نیاز در محل کار حاضر و صاحب کار صبحانه می داد. ظهر موقع نماز کار تعطیل و نهار می خوردند و مجددا تا غروب کار می کردند.

هلیله و بندرگاه و درایت مسوولین

اسماعیل حسن ابراهیمی

بعد از دو سال، ریاست محترم جمهوری وارد استان گردید و پس از سی و سه سال فرصتی پیش آمد که دولت محترم به دو محل بندرگاه و هلیله توجهی داشته باشد ، ما از مسوولین محترم محلی انتظار داشتیم حداقل کاری که می توانستند دیدار از منطقه یا ملاقات نماینده دو محل از ریاست جمهوری بود که در برنامه پیش بینی نمایند تا عدالت اجرا گردد و تحقیقات یک جانبه تنها از طریق سازمان انرژی اتمی صورت نگیرد. در این راستا متاسفانه مورد کم لطفی آقایان قرار گرفتیم (تا نگرید طفل کی نوشد لبن) به هر ترتیب تجمع مردم در منطقه تاثیر گذاشته، ملاقات نمایندگان مردم با مسوولین را عملی ساخت که لازم است از نیروی انتظامی بابت هوشیاری و ایجاد نظم و جلوگیری از هر تنشی تشکر و قدردانی نمود. مرحله ی توجه و بررسی به حمدا... به هر شکلی بود گذشت، لیکن تصمیم گیری و نحوه اجرا مهمتر خواهد بود که انتظار داریم جناب آقای استاندار و دیگر مسوولین مربوطه به گونه ای عمل نمایند که اگر مجبور به جابه جایی شویم، ما تنها حسرت گذشته و تاریخ از دست رفته خود را بخوریم نه این که چند متر زمین و خانه های که برایمان حکم قصر دارد و تا حالا با همه نگرانی و فشار و تهدید با خون دل حفظ نموده ایم، با بی برنامگی مفت از دست دهیم و مظلومیت ما بر محرومیت افزون تر گردد. آقایان می بایست توجه داشته باشند که اگر جوانی در منطقه خانه ای بنا نموده با مصالح به قیمت سه برابر شهر و حتی حومه و با چند فقره وام انجام گرفته است. مسئله مهم دیگر این که ما در این منطقه قربانی دو موضوع شده ایم، یک سوء استفاده دلالان و دیگری تنگ نظری برخی از مسوولین محلی. امید است در مرحله آخر که قرار است ما از ریشه کنده شویم و تاریخ بیش از هزار ساله خود را به باد فراموشی سپاریم، نیت خیر مسوولین محترم استان به نحوی رقم خورد که برای خود در هر دو جهان نام نیک و برای مردم احقاق حقشان به دنبال داشته باشد. ان شاا....

به مناسبت فرا رسیدن ۲۲ بهمن سالروز پیروزی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی، ایران تجلی فرهنگ عاشورا

هما مرزبانی

ایام مبارکه دهه فجر و فجر پیروزی انقلاب اسلامی که یاد آور حماسه ها و استعانت و مبارزات امت سلحشور ایران اسلامی است و این ایام تقارن پیدا کرده است با ایام ماه محرم ماه پیروزی خون بر شمشیر، ماه غلبه حق بر باطل و جنود رحمانی بر جنود شیطانی و ماه قیام و حماسه و ایثار و شهادت.

لذا با این وصف می توانیم انقلاب اسلامی را تجلی بخش و نشات گرفته از نهضت عاشورا قلمداد نماییم. چون که دقیقا ویژگی های انقلاب اسلامی ما ترسیم و نقشی از قیام خونین اباعبداله الحسین است در زمانی که شخصی فاسد و فاسق، شرابخوار، نابکار، جنایتکار، به نام یزید در جامعه فساد و بی بند و باری را در اوج خود رسانیده بود و به عنوان خلیفه، حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال می دانست و با این کار داشت اسلام پیامبری را از بین می برد و از طرفی می خواست مقاصد شوم خود را از بهترین فرزندان پاک رسول اله بیعت بگیرد. در آن برهه از زمان شخصی آگاه، شجاع، دلیر، ایثارگر به نام ابا عبد اله الحسین قیام می کند و علل قیام خود را بر پایه و مصداق انی لم اخرج اشرا و لا بطرا و لا مفسدا و لا ظالما. انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی. ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر و سیره جدی و ابی علی بن ابی طالب (ع) - به درستی که من خارج نشدم که باعث شر و یا فساد و یا ظلم در جامعه باشم. و یا به دنبال پشت و مقام و حکومت باشم بل که برخاستم که با ظلم و جنایت و فساد مبارزه کنم و اجرای احکام و دستورات الهی درجامعه رواج دهم وباعث اصلاح امور و امر به معروف و نهی از منکر گردم که این از سیره ی جدم رسول اله و پدرم علی (ع) است. و دراین راه چه بکشم و چه کشته گردم در هر دو صورت پیروزم.



امام حسین با این حرکت مرگ سرخ و شهادت را از زندگی کردن زیر بار ظلم و ستم بهتر میداند و به همین علت با تعداد اندکی که از اصحاب و یاران با وفا که در تاریخ اسلام با وفاتر از یاران امام حسین به چشم نمی خورد راهی سرزمین کربلا می گردد و به طور فجیعی بدست جنایتکاران روزگار به شهادت نایل می گردد واهل بیت او هم اسیر می شوند. تمام این موضوعات برای اباعبد اله حسین یقینا شهود بود و او چون کوه برعقیده خود پا بر جا و استوار ماند و به همین خاطرحادثه عاشورا حادثه شکوه عشق، بلندی همت، ایمان و آرامش در آن متجلی است. حادثه عاشورا تابلویی است که خاوند آفریده تا این دو سوی بی نهایت عزت و ذلت انسان مشخص گردد. پس وقتی ما به طور دقیق به این حادثه و این ایام می نگریم می بینیم که انقلاب اسلامی ما هم تجلی از عاشورا است برگزیده ای از فرهنگ عاشورا است، نه تجلی بلکه خود عاشورا است.

زیرا ما هم درعصر زندگی می کردیم که همه فکرمان ذهن مان و شرافت و اقتدارمان داشت از بین می رفت و فساد، خیانت، ظلم و ستم در جامعه جایگزین آن می گردید. فرهنگ غرب زدگی و دین ستیزی و رواج کارهای غیر اسلامی به طور گسترده رایج می شد که در این برهه از زمان مردی از سلاله پاک انبیا و از تبار ابراهیمیان از مکتب عاشورا تجلی گر قیام ابا عبد اله به نام روح ا... (حضرت امام خمینی) قیام می کند و دودمان دوهزار و پانصد ساله شاهنشاهی را از میان بر می دارد و خط بطلان بر افکار رژیم مخصوص پهلوی می زند. این ابر مرد با همان هدف و همان مکتب و همان شعار برای اصلاح جامعه و اصلاح امور و احیا دین اسلام و فرهنگ عاشورا قیام می کند و با شعار مرگ بر آمریکا و شعار استقلال، آزادی جمهوری اسلامی بار دیگر عزت و اقتدار مردم ایران را باز می گرداند و به مردم و جهان فهماند که (کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا) که همه روز ما عاشورا و همه سرزمین ما کربلا است. با این تفاوت که ملت ما و مردم ما کوفه نیستند که حسین را تنها بگذارند، علی را تنها بگذارند، فاطمه را تنها بگذارند، و سفارش پیامبر را از یاد ببرند بلکه سرزمین ما ایران است و مردم ما از تبار حسین و از فرهنگ عاشوراایند به همین دلیل انقلاب ما سر چشمه ای از عاشورا و کوثر ولایت و در یک جمله خلاصه کنم. انقلاب جمهوری اسلامی تداوم خط سرخ شهادت ابا عبدا...الحسین است.

نسیم جنوب ۶

ورزشی

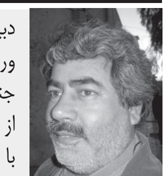
شماره ۴۸۷ یکشنبه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۸۶

NASIM JANOUB

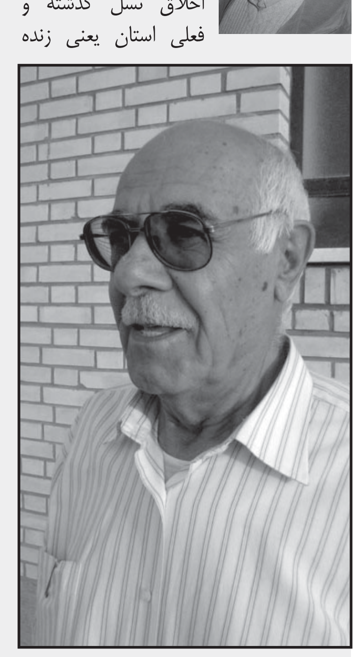
به مناسبت چهل سوگ، پیر شاهین و جوان پاس بوشهر

ورزشکاران ماندگار

علی اکبر شمسا



دبیر محترم صفحه ورزشی نسیم جنوب جناب، آقای صالحی زاده از من خواستند در رابطه با دو بازیکن ارزنده و با اخلاق نسل گذشته و فعلی استان یعنی زنده



یادان محمدزنگویی و مسعود چکرزاده که مصادف با چهلمین روز درگذشتشان می باشد مطالبی عنوان نمایم.

همیشه دو قشر از ورزشکاران ماندگار می شوند و بعد از سال ها حضور مستقیم در میادین ورزشی در یادها و خاطره ها می مانند. نخست آن هایی که علاوه بر دارا بودن ارزش های فنی، اخلاقی پسندیده داشته و دارند تا زمانی که در قید حیات هستند و سال های دورو بعد از آن هم جاودانه اند و اما دوم ورزشکارانی هستند که به نوعی بعد از دوران حضور مستقیم در میادین ورزشی به وسیله پست و مقامی که داشته و دارند در جامعه مطرح هستند.

معمولا بازیکنانی که به سرگروهی و کاپیتان و بعد به مربیگری و سرپرستی و مدیریتی باشگاه می رسند از همان قشر نخست ذکر شده هستند و حتما باید ضمن داشتن ارزش های فنی، دارای سجایای اخلاقی بالایی باشند و در غیر این صورت نمی توانند بمانند و ماندگار شوند به همین دلیل است که خیلی از ورزشکارانی که از قابلیت های خیلی بالایی برخوردار هستند و بعد از تمام دوران ورزششان و حتی در همان زمان، جایی در قلب مردم پیدا نکرده و خیلی زود فراموش می شوند. این دو عزیز سفر کرده که هم زمان بدرود حیات گفتند از همان قشر ورزشکارانی بودند که توانستند در یادها بمانند و ماندند.

من با زنده یاد محمد زنگویی ارتباط تنگاتنگ و مستقیم نداشتم چون ما در دو باشگاه رقیب هم فعالیت ورزشی داشتیم. آن هم بعد از انقلاب. پیش از انقلاب ۵۷ به عنوان نوجوانی تماشاگر شاهد بازی ایشان در قلب دفاع شاهین بودم. فوتبالیستی بلند قامت و خوش ترکیب که ضمن نقش کلیدی اش در تیم وظیفه کاپیتانی هم را به عهده داشت. بعد از دوران فوتبالش یعنی بعد از انقلاب به عنوان این سرپرست و مدیر و اعضای هیئت مدیره باشگاه شاهین با باشگاه پاس که حقیر مربی آن بودم رقابتی سخت اما غیر مسقیم داشتیم.

هیچ وقت در نهان و آشکار اقدامی یا حرفی که باعث رنجش و کدورت پاسی ها که رقیبی قدر برایشان بودیم از وی نشنیدیم. برخوردش متین و با احترام بود به حریفش بی احترامی و کم محلی نمی کرد به خاطر همین احترامی که به دیگران قایل بود حتی بعد از واگذاری تیم شاهین، در پارس جنوبی هم توانست جایگاهش در رده مدیریتی پارس جنوبی حفظ نماید. یادش گرامی و روحش شاد باد.

و اما مسعود چکری زاده؛ بازیکنی که خیلی زود مراحل ترقی در فوتبال استان و حتی کشور را طی کرد و خیلی زود هم شمع وجودش به خاموشی گرایید و در سن ۴۱ سالگی خانواده و دوستان و جامعه ورزشی استان را تنها گذاشت و اندوهبار کرد. در سن ۱۷-۱۶ سالگی در ترکیب ثابت تیم پاس قهرمان و نماینده استان در کشور قرار گرفت، در قلب دفاع مامور زدن ضربات اول هوایی و یارگیری حریفان قدر بود. والحق هم که به خوبی سال ها این وظیفه سنگین در تیم پاس و سپس منتخب استان انجام داد. وقتی سرباز شد در تیم نیروی زمینی تهران از اندوخته هاش نهایت استفاده نمود و توانست جز ترکیب اصلی تیم ملی ارتش جمهوری اسلامی قرار گیرد.

با توجه به این که تیم های زیادی در تهران خواستارش بودند به شهر و دیارش برگشت و در کنار دوستانش در تیم پاس به فوتبالش ادامه داد. با توجه به این که مراحل ترقی و پیشرفت را به سرعت سرگذاشت و خیلی جوان بود که در تیم های پاس و منتخب استان جای گرفت مغرور نشد. باشگاه و مربی و دوستان سابق خود را فراموش نکرد و همواره قدردان و وظیفه شناس بود و موفقیتش در ورزش را مدیون حضور در کنار دوستان در تیم پاس می دانست از این که فرصت این را یافته بود که استعداد خود را نمایان کند ابایی نداشت که کرارا، حضور و علنا مراتب سپاسگذاری خود را اعلام نماید، مثل بعضی از ورزشکاران نبود که وقتی به جایی می رسند گذشته ی خود را فراموش کنند و پیشرفت خود را ناشی از



استعداد صرف خود بدانند و حتی حاضر نشوند نامی از مربیان خود را در جایی ببرند.

بعد از انحلال تیم پاس در حالی که ۲۷ سال بیشتر نداشت و در اوج جوانی کوله باری از تجربه همراه داشت و تیم های زیادی در استان و کشور خواستارش بودند تمایلی به ادامه فوتبال در تیمی غیر از کنار دوستان سابق خود نداشت. یادش گرامی و روانش شاد باد.

مدیر و روابط عمومی باشگاه پاسخ دهد:

آیا واژه فرهنگ از باشگاه شاهین حذف شده؟!

علی رضا محمدی



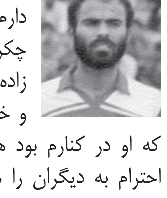
در روزی که بالاخره پس از مدت ها شاهین لباس سفید خود را بر تن نمود و از قید اسارت در میله ها راه راه سیاه زندانی ها رها گشت، متاسفانه مدیران باشگاه و خصوصا روابط عمومی به شان و منزلت و سابقه باشگاه دراحترام به پیشکسوت و بزرگترها، باعث رنجش گروهی از طرفداران و ورزش دوستان شد.

جواد نکونام در اوساسونا به علت مصدومیت چندین ماه از میادین فوتبال و حضور در ترکیب تیمش به دور است ولی پس از چند ماه با درایت مدیریت باشگاه و روابط عمومی قوی بازیکنان این باشگاه، عکس او روی لباس تیمشان زده و به این ترتیب روحیه ی و انگیزه ای مضاعف می دهند تا او زودتر بر گردد و نیز به یاد تلاش های او باشند. مرحوم زنگویی بزرگ که از موسسین باشگاه فرهنگی ورزشی شاهین است چندی پیش از میان ما رفت در همه جای دنیا و عرف بر این است که وقتی بزرگی از دست اندرکاران تیم فوت می کند در اولین بازی رسمی پس از درگذشت آن بزرگ روبان سیاهی بر لباس تیم می زنند و یادبودی از تاج گل بر عکس بزرگ آن مرحوم می گذارند و قبل از بازی یادی از او می کنند و طی مراسم باشکوهی دعای خیری برای آن عزیز از دست رفته برگزار می گردد. چه اشکالی داشت اگر مدیر باشگاه و مسوول روابط عمومی باشگاه که هر دو نیز در ورزشگاه حاضر بودند در اولین بازی شاهین پس از فوت پدر شاهین (بازی شاهین– فولاد خوزستان) مراسم تجلیلی با شکوه از استاد زنگویی که پیر مکتب شاهین بود و از زحمت کشان و دل سوزان واقعی که برای شاهین و سر بلندی شاهین همه وجودش را فدای باشگاه نمود، برگزار می کردند تا جوان تر ها و مردم بدانند که مکتب شاهین اسطوره ی اخلاق و جوان مردی در ورزش و فرهنگ است. سوال های زیادی که از ذهنمان می گذرد را خلاصه بیان می کنیم و حتما انتظار پاسخی درخور از مدیر و روابط عمومی باشگاه داریم:

۱ – آیا شایسته نبود مراسم با شکوهی ویژه مرحوم زنگویی قبل از بازی شاهین– فولاد با نثار تاج گل و قرائت فاتحه ای بر روح آن بزرگوار برگزار می گردید؟ ۲ – آیا چالش های پیش آمده بین مرحوم زنگویی و مدیریت باشگاه و انتقادها از مدیریت و دلسوزی هایی که می نمود باعث فراموشی مدیریت باشگاه از این مراسم شد؟ ۳ – وظایف روابط عمومی باشگاه چیست؟ فقط استفاده از تلفن همراه و گزارش اخبارو نتایج بازی به روزنامه ها؟ ۴ – آیا تهیه تاج گل و عکس بزرگ از مرحوم زنگویی هزینه زیادی برای باشگاه داشت یا ایده و نظر مدیریت باشگاه، پهلوان زنده را عشق است! می باشد؟ ۵ –هدف از ورزش چیست؟ این همه هزینه کارشناسی نشده و بررسی نشده با خرید مربی ناکار آمد و جذب بازیکنان غیر مفید که در نتیجه و کسب امتیاز شاهدیم به طوری که اکثر کارشناسان اعلام می کنند تیم بد بسته شده و ساختار تیم نیز مشکل اساسی دارد به کنار، آیا نقش ورزش و نام و اعتبار باشگاه شاهین در پس مکتب بزرگ شاهین که مایه افتخار همگی ماست به فراموشی سپرده شده؟ ۶ – به فرزندان و کوچکترهای باشگاه چه درس اخلاق و احترامی داده اید؟ و به راستی آیا واژه فرهنگ از باشگاه شاهین حذف شده؟

یاد دو عزیز فوتبال بوشهر

حسن حیدری



ضمن عرض تسلیت به مناسبت شهادت سرور آزادگان امام حسین همچنین عرض تسلیت دارم خدمت خانواده ی محترم زنگویی و چکرزاده در خصوص مرحوم مسعود چکری زاده عرض کنم. مرحوم بسیار وظیفه شناس و خوش اخلاق بودند و من در طول زمانی که او در کنارم بود هیچ وقت ندیدیم که او ناراحت شود و احترام به دیگران را هیچ وقت فراموش نمی کرد و همیشه در تیم شوخ طبع بود و دستی و رفاقت را بر همه چیز ترجیح می داد. همیشه پیشرفت خود را در زمینه ورزش مدیون مربی خود جناب آقای علی اکبر شمسا می دانست و از بُعد معنوی با توجه به مشکلات زیادی که در زندگی داشتند هیچ وقت خدا را فراموش نکرده و در مراسم های سوگواری شرکت می نمود و در کنار بچه های تیم پاس احساس آرامش می کرد و به هیچ عنوان حاضر نبودند از این تیم جدا شود و تا لحظه ای که ورزش کرد پایبند به تعهد خود ماند. من ضمن عرض تسلیت مجدد به خانواده محترم چکرزاده این را عنوان می کنم که مسعود هیچ وقت از یاد ما نمی رود.

آخرین درس استاد (زنده یاد زنگوئی)

ن – ریشهری

یادش بخیر، دو یا سه روز قبل از فوت مرحوم عبدالمحمد زنگوئی یک روز عصر به عیادتش رفتیم. روی تخت بیمارستان نشسته بود و حالش موقتا بهتر شده بود. طبق معمول پر حرارت و انرژی فوتبال و لحظه های مهیج بازی آخر شاهین و صبا باطری می گفت (همان بازی که استرسش نهایتا وی را راهی بیمارستان کرد) از بودجه خوبی که اخیرا از طرف شرکت پارس جنوبی نصیب تیم شاهین شده بود سخن گفت و نگران پیمودن راهی صحیح تا پس از سال ها حرکت و جنبش در تیمش بیفتاد و دل مردم ورزش دوست و تماشاچی را از این بابت شاد کند ولی او هم مثل پیشکسوتان ورزشی دیگر می نالید. از پولکی شدن خیلی از بازیکنان جدید با دستمزد آن چنانی که چه طور معیار پول جای ارزش های قدیم را گرفته، زیرا آن زمانی که او و هم ردیف هایش به دنبال توپ و ورزش بودند جنبه عشق به مردم و معنویات ورزش جایگاه بالاتر از مسائل مادی امروزه را داشت. موضوعی را مطرح کرد که عمق عشق و علاقه اش به همه شهرش بود، در مورد مشکلات مالی تیم ایران جوان صحبت کرد و اندوه از افت این تیم قهرمان قدیمی بوشهر و بیان می داشت حیات شاهین در کنار ایران جوان ارزش دارد و در رقابت ها استعداد شکفته و بارور می شد و اشاره کرد و به تیم پیروزی و استقلال تهران که همیشه فوتبال را دیدنی می کند. بدین شرح پدر مربیان در واپسین روزهای عمر پر برکتش هم نگران تیم خودش بود و هم تیم رقیبش تا شاید از این راه دل مردم شهرش به وجد آید و اکنون وقتی فکرش می کنم همین عقاید با ارزش باعث می شود که این افراد شادی را تنها برای خود نمی خواهند. پس از سال ها کناره گیری از میادین ورزشی و شاید پس از مرگشان، مردم آن ها را به نیکی یاد کنند (روحش شاد)

یک مجلس و چند برداشت

ایرانجوانی ها نیز عزادار بودند

مجید اصلانی

گریه آبی به رخ سوختگان باز آورد
ناله فریاد رس عاشق مسکین آمد" حافظ"

اجاره دهید بحث را بدین گونه آغاز نمایم.

* در مرثیه روان شاد زنگوئی، ایران جوانی ها هم ادای دین و مجلس تعزیتی برپا نمودند. در نوشتارهای قبل اشاره نمودم ادبیات ما بوشهری ها بوی پیوند و عشق می دهد. عاطفه و احساس بن مایه اصلی حرکت جمعی در فعالیت های اجتماعی است که ما را سوق می دهد که در هنگام از دست دادن عزیزی گرد آمده و با حضور فعال در مجلس، موجب تسلی خاطر بازماندگان گردیم. البته هدف اصلی ایران جوانی ها در برپایی مجلس ختم مرحوم زنگوئی بسی کاری زیبا و پسندیده بود و چنان چه به منظر نوع دوستی و تداوم فرهنگ پهلوانی و احترام به استاد و پیشکسوت نگاهی بیفکنیم برپا نمودن مجلس ختم در باشگاه ایران جوان برای پدر شاهین که زمانی رو در روی بازیکنان ایران جوان در عرصه ورزش رقابت و در صحنه زندگی روزمره رفاقت، به عنوان یک حرکت فرهنگی ورزشی جای تجلیل دارد. بازی زنگوئی از جوان آغاز گردید و به عشق شاهین و فوتبال بوشهر غروب نمود.

* هم زمانی مجلس فاتح برای استاد و شاگرد.

کاش هیات مدیره محترم باشگاه فرهنگی ورزشی ایران جوان در هنگام برپایی مجلس ترحیم زنگوئی که استاد شاگردان ورزش فوتبال امروزی ها بود، برای تسلی خاطر بازماندگان چکرازاده در همین جمع نیز به عنوان شاگرد فوتبالی پاس افتخار آفرین با دعوت از عموم با حضور در مجلس قرائت فاتحه و برایش طلب مغفرت می نمودند. ناگفته پیداست که پیام درخشان چنین حرکت هایی چیست و این حرکت ها در صفحه ی تاریخ ورزش ماندگارند. البته هیات فوتبال و تربیت بدنی یک سری اقدامات تجلیل از پیشکسوتان به عمل آورده هر چند به طور مقطعی مفید است ولی در ضرورت زمان و مکان کم و قلیل است.

همین است که می گویند عرصه زندگی تجلی هنرمندی ماست که هنر تاج سر آفرینش است و جامعه فوتبالی نیز به نوعی هنرمندند. هنر همان نجات است چه در تخیل و چه در تعزل چه در تار و چه در نت چه از حنجره خوش لحن استاد شجریان و چه با دریبل های سیه چرده های جنوب در هوای تفتیده میدان بازی بوشهر و خوزستان و بندر عباس و چه در رقص هنرمندانه ماهی های نقره فام خلیج فارس روی موج دریا در پرتو اشعه طلایی خورشید صبح گاهی، از این روی عزت و عظمت، فرهنگ مداری و شرافت ما بوشهری ها از ازمنه قدیم تاکنون زبانزد خاص و عام می باشد.

جناب آقای عزیز افتخاری

مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، ما را در غم خود شریک بدانید.

یونس قیصی زاده، محمد جهان افروزیان، اسکندر احمدنیا، احمد خالق پناه، ضیاء جمالی، محمدرضا محمدی، علیرضا محمدی، غلام احمدی، ح سن غریبی، عبدالحسین قاسمی، فاضل قنبرپور، وحید پورجماد، رسول حیدری، اکبر شمسا، رضا سیاوشی، فرهاد محمدپور، امیر آذرکشت، مجید اصلانی، حیدر امیری، حسین گلگون و مهدی صالحی زاده

ضعف مدیریت شاهین این بار بدتر از همیشه!!!

رحیم وفائی



بار دیگر ضعف مدیریت در باشگاه فرهنگی ورزشی شاهین، مکتب مرحوم پرویز دهداری و مرحوم دکتر اکرامی خود را نشان داد. البته این بار نه در اسکلت بندی و یا بازیکن گیری جنجال و کتک کاری بازیکنان و به هدر رفتن و بی رویه خرج کردن و به هدر دادن پول های زیاد و از دست دادن بازیکنان بومی و گرفتن بازیکنان پا به سن گذاشته و غیر بل که این بار ضعف مدیریت به صورت نمایان بود که حتی افرادی که ورزش دوست نبودند و حتی خانم های خانه دار که از تلویزین بازی شاهین را دیدند متوجه چنین ضعف مدیریت شدند.

بله اولین بازی بعد از فوت مرحوم محمد زنگویی زحمتکش و پیشکسوت پیر شاهین سرشناس در جامعه ورزش و فوتبال مرد زحمتکش و یاور دردها و رنج های روزهای سخت شاهین کسی که جوانیش تا پیریش به ای شاهین و باشگاه دوست داشتنی اش گذاشت و از جوانی تا پیری در پی اعتدال و برقراری خود کاپیتان، مدیر، سرپرست، رییس هیئت موسس باشگاه بزرگ شاهین بود پس از فوتش در اولین بازی رسمی تیم شاهین مسوولین باشگاه و مدیر شاهین در خواب بودند که عکس آن مرحوم را به دست کاپیتان تیم و سایر بازیکنان بدهند و در وسط زمین یادی از بزرگ مرد باشگاه نمایند و یا حتی یک تکه پارچه سیاه به سینه و یا بازوی بازیکنان و یا لااقل یک دقیقه سکوت و یا یادی در تریبون استادیوم از وی نمایند. هر چند که با این کار زیبایی و قشنگی برای باشگاه بود و ابهت و بزرگی باشگاه را می رساند. آری این است رسم وفاداری به یک پیشکسوت بزرگ باشگاه؟! این است معنی قدردانی از مرد زحمتکش و وفادار به باشگاه؟!

آقایان و بازماندگان پیشکسوت شاهین بدانید و ببینید قدردانی از حاج عبدالمحمد زنگویی در باشگاه خودش به چه سان گذشت. ای کسانی که هم بازی و هم سن آن مرحوم بودید خدا را شکر که در حیات هستید و می بینید که تجلیل از یک پیشکسوت که هنوز چهلم آن نرسیده چگونه انجام شده و چه زود خاطره او از یاد رفت این است بزرگترین ضعف مدیریت باشگاه و کسانی که ادعای شاهینی بودن می کنند. حاج عبدالمحمد زنگویی روحت شاد و یادت پایدار باد.

مربی شاهین ۳ دقیقه غافل ماند!

(سخنی با آقای ایران دوست سرمربی فوتبال پارس جنوبی شاهین بوشهر)

ناصرعلی خواه

مدیریت نتیجه کوشش انسان بر روی دست یابی به نایافتنی هاست.

از روی علاقه و پیگیری نتایج تیم فوتبال پارس جنوبی شاهین شهر بوشهر و تیم فولاد خوزستان (اهواز) و ناظر بر کم و کیف استقبال تماشاچیان خون گرم و صمیمی که همواره به پیروزی تیم فوتبال شهر و استانشان وابسته اند، به استادیوم ورزشی شهید بهشتی در ساعت مقرر مثل بقیه طرفداران به خرید بلیط و اجازه ورود، بازرسی به وسیله نیروی انتظامی بالاخره جا و پایی که مناسب تهیه گزارش خبر ورزشی باشد دست و پا کردیم و در صف منتظر معجزه بچه ها بودیم که با تعویض مربی و حضور بازیکنان جذب شده شاهد یک بازی گرم و همراه با اخذ سه امتیاز آن هم در میان تشویق این همه تماشاچیان و زمین خودی از آخر جدول به چند پله بالاتر صعود کنیم و تیم فولاد که روزی در دسته برتر جام خلیج فارس کورس قهرمانی در سر می پروراند و به دسته اول جام آزادگان نزول کرده و امروز به علت عدم هماهنگی روحی خود را از پیش بازنده می دید، نارضای و شکست خورده روانه دیارشان نماییم و به شمار تماشاچیان نیز پاسخ مثبت بدهیم که با پرچم های رنگارنگ می خواندند: تو قلب ما نوشته شاهین برنده می شه. در آن هوای نسبتا سرد که به علت بارش برف و باران از یک ماه قبل تاکنون در کشور، سرمایش نیز نصیب ما شد، انتظار پیروزی می کشیدند حضور خبرنگاران و کثرت عکاسان برای پوشش دادن مسابقه در اطراف زمین چمن که رنگ پریده از سرما بود یا عدم روکش پلاستیک جهت حفاظت بیشتر از سرما به خاطر سر سبز بودن آن و به هر رروی بازی در ساعت مقرر شروع شد. طبق معمول دو تیم در ابتدا تاکتیک های احتیاطی بیشتر در دستور کار قرار داده اند، و پس از ارزیابی یکدیگر حملات به دروازه های شروع شد که در دقیقه ۲۰بازیکن شماره ۲۳ شاهین با یک شوت سنگین گل پیروزی از در نیمه اول به ثمر رساند.

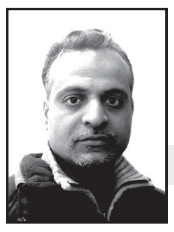
شادی و شور تماشاچیان حاضر و مربی و بچه ها وصف ناپذیر بود. پس از گل دریافتی تیم فولاد یک سری تاکتیک های حمله ای و در دستور کار قرار داد و بچه های شاهین که در ناباوری غرق در پیروزی بودند به دفاع و شوت های از راه دور پرداختند. هافبک های فولاد حمله را جدی گرفته و توپی از دست راست دروازه شاهین سانت شد و در جلو دروازه، غفلت دفاع و هافبک ها در حالت شلوغی گل تساوی را در ۳ دقیقه مانده به وقت اول مسابقه فولادی ها وارد دروازه شاهین کردند و چندی بعد سوت پایان نیمه اول مسابقه به صدا در آمد و فولادی های راضی و راحت به رختکن رفتند. پس از پایان وقت استراحت اول دو تیم به ادامه بازی پرداخته که نقطه قابل توجه و حایز اهمیت در ۴۵ دقیقه دوم از دو تیم دیده نشد جز دفاع سنج فولادی ها که به حفظ نتیجه تلاشی بی شایبه ای داشتند و در نتیجه دو تیم پس از ۹۰ دقیقه به تساوی رسیدند.

آقای ایران دوست من به عنوان یک تماشاچی معتقدم که یکی از پتانسیل های حایز اهمیت در مدیریت حفظ دستاوردهاست. شما را به عنوان یک مربی با آن همه سابقه و جاذبه ورزشی که در کشور دارید نتوانستید ۳ دقیقه مانده به پایان نیمه اول بازی آن هم در شرایط پیروزی به دست آمده رهبری و راهبردی بازیکنان خود نمایید مقصر اصلی کیست؟ تماشاچی، بازیکن، یا مربی؟

متاسفانه مربیان ما نمی پذیرند که از فرصت های به دست آمده باید حفاظت و نگهداری کنیم. در این جا تاکتیک مربی و تعویض ها و راه کارهای مناسب راه گشایی کار است و گرنه ۳ دقیقه ۳۰ دقیقه نیست. فرداست که در مصاحبه ها بیشتر به توجیه رو آورده زمین بد و ناهموار، امکانات کم، اشتباه بازی کن ها و از این دست حرف و حدیث ها ...

لطف خداوند شامل مردم ایران شده که در جنوبی ترین منطقه کشور که قرن هاست طعم تلخی و سختی معیشتی با خود همراه داشته اند و امروز پس از بررسی و دست یابی به منابع غنی انرژی از وجود این استان نیز در کشور در دسته دوم (جام آزادگان) نماینده ای شایسته داشته باشد که متاسفانه تاکنون شاهد درخشش و قبولی عامه آن در این راستا نمی بینیم که در برابرهزینه های انجام گرفته بتوانند رضایت خاطر مردم را برآورده سازد.

نسیم جنوب ۷
ورزشی
شماره ۴۸۷ یکشنبه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۸۶
NASIM JANOUB



دبیر صفحه: مهدی صالحی زاده

مرگ یک بار شیون یک بار

(ادامه صدای پای غول چکمه پوش در فوتبال)

محمد جهان افروزیان



فوتبال حرفه ای در یک شرایط ویژه خود را وارد بازار کارزار و ورزش ایران کرده بود تا با یک جهش تندروار هر چه زودتر فوتبال ایران را به دنیای توپ گرد جهان متصل نماید. همان طور که هیچ جنس ارزان و گرانی نمی تواند بدون علت باشد هزینه چند ده میلیارد تومانی این مار دو سر به چله نشسته را تحت هر شرایطی می بایست تقبل می کردیم تا هم لبیکی به اساس نامه فیفا گفته باشیم و هم از قافله ی جهانی فوتبال جدا نشویم. در این رابطه از همان ابتدا پیدا بود که بیش از ۹۰درصد مخارج این بازی ها و باشگاه ها را دولت باید پرداخت نماید، به بیان دیگر یک تشکیلات حرفه ای دولتی که با اکثر بندهای کمیته انتقالی ناسازگاری داشت هر چند خود دولت برای ادامه این کار بنا به دلایلی بی میل نشان نمی دهد اما این هزینه سنگین این یک روز باید از روی شانه های دولت برداشته شود.

چهار سال پیش در هفته نامه نسیم جنوب پیشنهاد داده بودیم که دولت باید تمامی اماکن و تاسیسات ورزشی زیر پوشش خود را حتی با وام های دراز مدت و بلاعوض به بخش های خصوصی واگذار نماید. مرگ یک بار، شیون یک بار! حالا عدالت در تغذیه ی مالی تمامی باشگاه های لیگی کشور در کجای تصمیمات دولت قرار دارد در یک بحث جداگانه در آینده به آن خواهم پرداخت. اما دولت چرا سعی می کند اختیار کلیه ی باشگاه های لیگی به خصوص لیگ برتر و باشگاه پر طرفدار پرسپولیس و استقلال را در دست های خود داشته باشد؟ امروز مسئله ی پول برای باشگاه ها به منزله آب حیات است! قطع پول یعنی تشنگی و تلف شدن شما. در این نوع سیستم باشگاه داری برای کنترل و تسلط بر اهرم های کانون هواداران به جز خودی ها کسی دیگر را نمی بیند. مرکز کنترل در جایی دیگر نصب شده است که به فراخور حرکت باشگاه و هواداران آن را شل و سفت می کند یک جریان بسته و حفاظتی با کانال های ثابت و شماره گذاری شده صنعت فوتبال امروز در ایران با توجه به ورودی و خروجی سالانه بیش از پانصد میلیارد تومان بخش گسترده ای از اقتصاد کشور را زیر پوشش خود قرار داده است. بنابراین فوتبال و به طور کلی ورزش برای مراودت خود با بازار جهانی احتیاج به یک اقتصاد باز دارد همان طور که درسندچشم انداز بیست ساله برای رسیدن به اهداف معین شده، دولت مکلف گردیده کلیه صنایع را به بخش خصوصی واگذار نماید و خود به عنوان یک عامل پشتیبان نقش یک ناظر را بر اقتصاد کشورهای داشته باشد. فوتبال حرفه ای ایران هم نمی تواند در شکل ظاهری خود را مستقل نشان دهد اما تابع دستورات یک بخش از دولت به نام سازمان تربیت بدنی باشد وقتی کسی خرج و مخارج خانه ای را تقبل می کند وخود را صاحب آب و گل در آن خانه می داند این حق را برای خود قائل می باشد که هر گاه دلش بخواهد در زندگی ساکنان آن خانه دخالت کند، خط قرمزهایی که در فوتبال گاه با آن برخورد می کنیم از همین جا شروع می شود. سیاست در کنار فوتبال در جای خودش ممکن است گاهی به صورت یک ارزش آن را پذیرفت اما فوتبال سیاست زده به همان اندازه که در خدمت منافع افرادی خاص در می آید باعث از بین رفتن ذات و نفس خود فوتبال خواهد شد. این غول مهار نشدنی با توجه به نیازهای موجود در جامعه فوتبال کم کم راه خود را پیدا کرده و در مسیر واقعی قرار خواهد گرفت. با کنار زدن التهابات حاشیه ای و مخرب و برقراری یک آرامش نسبی فوتبال حرفه ای ایران هیچ بعید نیست که مانند کروات ها و برزیلی ها در آینده ای نزدیک بتوانیم صادر کننده مربی و بازیکن به عنوان یک قطب اقتصادی در سرتاسر جهان باشیم.

مسابقه دو و میدانی در کنگان

بنا به گزارش خبرنگار روابط عمومی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان کنگان به مناسبت ایام فرخنده دهه فجر و زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهیدان والامقام مسابقه دو رهروان شهدا از طرف ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان کنگان و با حضور ۱۵۰۰ نفر دونده، به مسافت ۴ کیلومتر (از ترمینال امید تا درب) آن ناحیه برگزار گردید. یاد آور می شود که در پایان این مسابقه به ۷۰ نفر از شرکت کنندگان جوایزی اهدا گردید.

کوهپیمایی در دیر

به مناسبت دهه مبارک فجر مراسم کوهپیمایی از طرف پایگاه مقاومت سمیه از توابع بسیج خواهران ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان دیر در کوه های اطراف شاهزاده محمد برگزار گردید. یاد آور می شود که کلاس آموزش نماز نیز در بقعه شاهزاده محمد برگزار گردید. اردوی یک روز فرهنگی از سوی بسیجیان مقاومت ام کلثوم از توابع بسیج خواهران ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان دیر در شهر جم برگزار گردید.

شاهین پارس جنوبی ۱ — ۱ فولاد خوزستان

گریه هواداران شاهین بعد از بازی دلسرد کننده

چه کسی جوابگوی اشک شاهینی ها ست؟

گل ها» هادی خنیفر (۱۹) برای شاهین – احمد آل نعمه (۴۳) برای فولاد

داور: نوید مظفری– اخطار: عبدا... کرمی ، لطیف جناحی و مسعود ابطحی (شاهین) آرماندو داسیلوا (فولاد) – اخراج : هادی نظر پاک(۸۸) از شاهین ـ **بهترین بازیکن میدان: عبدا... کرمی**– تماشاگر: بیش از شش هزار نفر بوشهر – ورزشگاه شهید بهشتی ، ۸۶/۱۱/۱۶ ساعت ۱۴/۳۰.

بازیکنان شاهین: هادی شفیعی، حمید محمدی،عزیز فریسات، عماد نبی پور، عبدا... کرمی، لطیف جناحی از دقیقه ۶۱ سمیر ماهینی، ایمان عبدا... زاده ، رضا نظرزاده از دقیقه ۸۵ هادی نظر پاک، هادی خنیفر ، علی بشکوفه، از دقیقه ۷۰ مسعود ابطحی و ایمان دشتی : سرمربی : نصرت ایران دوست.



عکس: ضیاء جمالی



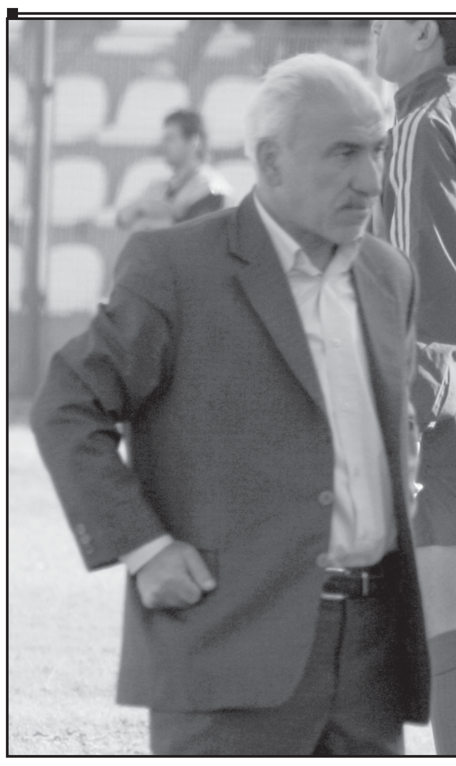
عبدالله کرمی بهترین بازیکن میدان

قبل از این که بخواهیم چیزی در خصوص مسایل فنی بازی تیم فوتبال شاهین پارس جنوبی بنویسیم، باید عنوان کرد که بازی های ضعیف و بی تعصب شاهین با گپ و گفت های نصرت ایران دوست هدایت گر شاهین تقریبا یک روال نزدیک به طبیعی پیدا کرده و این برای بقای جای امیدواری، هیچ وقت تیمی از شهر بوشهر در لیگ ایران این قدر ذلیل نشان نداده بود. مدیریت ضعیف و مشاوره با افراد ضعیف تر، حاصل کارهم جا خوش کردن شاهین پارس در قعر جدول بود و امید است با درایت و تجارب بالای کادر فنی تیم شاهین این تیم در ادامه راه آبروداری کند.

اکثر بوشهری ها بازی را از تلویزیون مشاهده و مسایل حاشیه ای را در نشریات دنبال کرده ولی دل خراش ترین مسئله، گریه پاک و زلال و با احساس شاهین ها پس از نتیجه مساوی برابر فولاد خوزستان بود، البته بازیکنان اشک نریختند (نه!) صاحبان اصلی باشگاه یعنی هواداران اشک غم ریختند؟ چه کسی عامل این کار بوده یا شده؟ آیا سعداوی آیا بازیکنان بی تعصب آیا تمرینات ضعیف (خیر) ساده نگاه کردن به مسئله و اهمیت ندادن به آبروی ورزشی استان، در این میان (ابهام هایی) وجود دارند که از ته دل نمی خواهد شادی مردم و پیشرفت فوتبال را ببیند فقط خودش را می بیند و بس، مردم ورزش دوست و علاقه مند به فوتبال خیلی خوب، بد را از خوب تشخیص داده ولی دست شان جایی بند نیست. القصه در طول نود دقیقه نبرد و دو تیم جنوبی چند بازیکن خوب کار کردند. ولی کسی که بایستی به مراتب بهتر از قبل بود، کسی نبود جزعبدا... کرمی، این بازیکن با بازی فیزیکی و متفکرانه اش بیشترین فعالیت را در میدان انجام داد پس از او محمدی، فریسات و خنیفر بهتر از دیگران بودند. ولی هادی نظر پاک بازیکن با تجربه شمالی، شاهین در کوتاه ترین زمان حضور در زمین بازی با حرکات بچه گانه از زمین اخراج شد.

گفته های نصرت ایراندوست هدایت گر شاهین بوشهر پس از بازی با فولاد خوزستان :

اگر از روز اول شاهین در دست من بود، حال و احوال تیم خیلی فرق داشت



- از روزی که من به بوشهر آمدم حداقل ۴ الی ۵ مصدوم روی دستم بود.
- تیم شاهین پارس به نسبت دو ماه پیش بهتر حرکت می کند و این جای امیدواری دارد.
- تیم ما در دوران بدنسازی روزهای خوبی را سپری نکرد و باید عرض کنم روی بدن ها بچه ها خوب کار نشده بود.
- علی بشکوفه به دلیل فشار بیش از حدی که در بازی با فولاد به خودش آورد و پایش با مشکل مواجه شد تعویضش کردم.
- عبدالله کرمی به علت مصدومیتی که داشت مرتب مرا صدا می زد که بیرونم بیاور که این کار نکردم چون جایگزین خوبی برای او نداشتم.
- جناب ساها که چیزی حدود ۱۰۰ میلیون تومان پول از شاهین گرفته سه ماه است که در تمرینات دیده نمی شود، بدون تعارف اگر از روز اول تیم در دست من بود، حال و احوال تیم خیلی فرق داشت.
- از بازیکنانی که به عنوان یار تعویضی وارد زمین شدند از عملکردشان راضی نیستیم.
- پس از تعویض ابطحی با بشکوفه، امیدوار بودم که ابطحی روند تیم را بهتر کند که متأسفانه مهاجم تازه وارد کارایی لازم را نداشت.
- با این همه صحبت هایی که کردم باید عنوان کنم که به آینده تیم خیلی امیدوارم.
- هادی نظرپاک در مدت کمی که در زمین بود دو کارت زرد بچه گانه دریافت کرد. به نظر من کارت زرد اول را داور می توانست به او ندهد ولی کارت زرد دوم به درستی بهش داد و در رختکن به او اعتراض کردم.

به نظرم در کل بازی بدی نبود، قبل از بازی با بچه ها صحبت کردم و از آن ها خواستم که همه را خوشحال کنند آن ها هم قول دادند ولی ...

- تا دقیقه ۴۴ که گل را دریافت کردیم خوب بازی می کردیم پس از آن روحیه تیم خراب شد.
- ۴۵ دقیقه دوم چون حریف از ما می ترسید و به یک امتیاز قانع بود، بازی خوبی از آب درنیامد.
- متأسفانه بچه های ما در نیمه های دوم کم می آورند.
- شفیعی گلر ما اولین بازی اش در مسابقات امسال بود در کل خوب بود ولی کاستی هایی هم داشت، روی دریافت گل زیاد مقصر نبود، چون فاصله کم بود در نیمه دوم یک خروج اشتباه داشت.
- خط دفاعی روز خوبی داشت و من صد درصد از آن ها رضایت دارم، در بین آن ها حمید محمدی بازی خوبی انجام داد اما هنوز از او توقع دارم خیلی بهتر بازی کند چون قدرتش را دارد.
- خط میانی در ۴۵ دقیقه اول فوق العاده بودند، ولی در نیمه دوم زیاد کارایی را نداشتند، استرس بازی، هیجان هواداران روی کار آن ها تأثیر گذاشته بود.
- خط حمله دو مهاجم ما بد نبودند، دشتی و بشکوفه خوب بودند. بشکوفه تا زمانی که توان داشت خوب بود.

فینال مسابقات فوتبال امید های استان بوشهر

پیروزی بوشهر شاهین گناوه را گلباران کرد



گل ها: خالق صفوی(۱۱)، میلاد صارمی(۳۳) ، مسعود مرادی(۷۵،۴۳) و امید فراشبندی (۹۰) – داور: محمد حسین زاهدی فرد از برازجان. دیدار فینال فوتبال امیدهای استان بوشهر در

پیروزی بوشهر ۵ شاهین گناوه صفر

شهر برازجان ، بین دو تیم پیروزی بوشهر و شاهین گناوه انجام شد و حاضرین در ورزشگاه از بازی دو تیم به خصوص قرمز پوشان بوشهر لذت بردند، شاگردان قربانی اگر قدر فرصت های به دست آمده را به خوبی می دانستند شکستی سنگین در تاریخ فوتبال گناوه، به ثبت می رساندند.

در دو تیم جوانان به خوبی از خود فوتبال زیبا به نمایش گذاشتند، سلیمی، چاه کوتاه زاده، قانع، عبدا... زاده، مرادی و .. در تیم بوشهر و دو تیم گناوه، لیراوی، برادران خواجه پور از امیدها و آینده داران فوتبال این دیار به شمار می روند. با توجه به این که هدایت تیم پیروزی از بعد مدیریت زیر نظر آقای بیمکی بوده، و تا به حال مثل یک پدر از هر حیث بچه ها را تنها نگذاشتند در یکی دو ماه گذشته چندین قهرمانی را در رده های جوانان و امید به دست آورده است.

اسامی تیم پیروزی: علی اکبر قانع، علی سلیم، هادی جمهوری، حمید طهماسبی ، مسعود مرادی ، رضا عبدا... زاده، امین ملاح زاده، نوید معضوری، میلاد صارمی، مهدی چاه کوتاه زاده، خالق صفوی، حمید راویان ، امید فراشبندی، هادی سلیمی، علیرضا خنسیر، فرهاد مرادی، حسام حسینی ، سعید آستانه، مربیان: رضا قربانی و اکبر موسوی .

ایران دوست را تنها نگذاریم

مجید اصلانی



فرصت را مغتنم شمرده و به بهانه مسابقه شاهین بوشهر و فولاد خوزستان نکاتی پیرامون مسایل و مشکلات پیش روی را قلمی می نماییم.

پیش از آغاز مسابقه از طریق بلندگوهای استادیوم به مناسبت ماه محرم سرود و نوحه های حزین با اجرای جدید بوشهر های پخش که فضای استادیوم را حزن آلود نموده بود که پس از اتمام بازی و گرفتن حداقلی امتیاز شاهینی ها آن فضا و این نتیجه تلفیق گردید و منجر به گریان شدن عده ای از تماشاگران متعصب گردید.

صحنه اشکبار تماشاگران و طرفداران شاهین را همه مشاهده نمودند از طرفی صحنه ای زیبا از صداقت، تعصب ، پاکی و بی آلایشی که عرق شهر و باشگاه چنان با آن فضای ایجاد شده آنان را از خود بی خود نمود که بغض شان در حضور ناظر فدراسیون (حمید جاسمیان این نام آشنای شاهین قدیم و بوشهری الاصل) و مهندس دمشقی ترکید. گفته اند گریه مردان تلخ است و تلخی گریه این روز تا عمق وجود اثر گذر بود از طرفی صحنه ی گریان تماشاگران نه از روی استیصال و ضعف بود بلکه نوعی اعتراض رسا به انکار واقعیت ها که بازی با شعور افکار عمومی ورزش دولت سرمایه های ملی و بی اعتنایی تا کی و چرا؟

در آغاز لیگ تماشاگران و هواداران پر احساس شاهین را سرگرم وعده ها و رفتن به لیگ بر تر نمودند ولی دستاورد امروز آنان باشگاه و تماشاگران را غرق در مشکلات کرده اند. شاهین در خطر سقوط به لیگ پایین تر قرار دارد و به راستی وقتی دست رد به سینه ی دست نشان ها زده شد باید گفت آقایان مردم با شور و شعور فوتبال دوست بوشهر فوتبال را خوب می فهمند و خاک خورده ها را می شناسند.

و امروز قضاوت درباره مربیان آسان نیست و با نگرش تازه ای که در ورزش و فوتبال نسبت به سرمربی گری تیم ها به وجود آمده است قضاوت درباره آنان باید به اهل فن سپرد. آیا فوتبال فراگیرترین پدیده اجتماعی جامعه امروزی ما از ناحیه مربیان آسیب دیده است؟

سرمربیان و مدیران فنی و آگاه قوام و قدرت فوتبالند. اگر طی چند سال گذشته تاکنون به نوسانات فعالیت این عده نظری بیاندازیم به خوبی می بینیم که عده ای خاک خورده فوتبالند چه در زمان بازیکن فوتبال و چه در زمانی که در کسوت مربی گری اند. از جمله مربیان سرشناس و با شناسنامه و خاک خورده و با تعصب جامعه ورزش فوتبال همین ایران دوست ها ،دست نشان ها ، یاوری ها – احمد زاده – کللی فرد ها، شمساها ، بوالخیری های ، غریب زاده ها، چاهی بخش ها، و... می باشند که واقعا قابل احترام و ستایشند و باید به ایران دوست ها مباهات نمود. زیرا او وهمکارش اسپندار در جریان سیال فوتبال شخصیت خود را حفظ نموده اند و از سویی نیز لطمه هایی خورده اند و امید است از ناحیه چسبیدگان به فوتبال لطمه ایی به آدم های با معرفت در این حرفه رسانیده نشود.

این سوال تماشاگران بوشهری و اهالی فن می باشد که در حساس ترین و پر تماشاگرترین ورزش جامعه یعنی فوتبال ، کم اطلاع ترین و ضعیف ترین افرادی می خواهند تا کی این چنین هم به خود و هم به ورزش فوتبال آسیب رسانند؟! امروز مدیریت جامعه ورزش ما دچار عارضه هایی از جمله منافع شخصی است که بر منافع عمومی رجحان یافته است.

اگر عقده ها و کمبودهای خود را کنار بگذارنند می توانند به موفقیت واقعی گام نهند.

ایران دوست به عنوان یک مربی سپید موی و متعصب به شاهین به دنبال منافع نیست بل که دل سوزانه و با همت آگاهان در باشگاه شاهین حضور یافته است دچار حسد و خود بینی نیست ولی باید گفت عده ای نیاز به پالایش و بازنگری اند و چنان چه ایران دوست را حمایت ننماییم همه چیز فرو می ریزد و انتظارها در نیمه راه به پایان می رسد. با درایت و مدیریت فوتبالی که از روی سراغ داریم سنجیده عمل نمود و تنهایش نگذاریم.

ایران دوست و شاگردانش نیازمند حمایت و توجه بیشترند و میانگین عملکرد ایران دوست مثبت می باشد. همگی شاهینی ها قابل احترام و برای مردم قابل اکرام می باشند .

نتایج مسابقات فوتبال لیگ دسته اول استان

هفته نهم:

ندسا بوشهر ۳	کارگر بنه گز صفر
توحید بوشهر۲	امید گناوه ۱
ایرانجوان خورموج ۲	گاز جم۱
بهمن برازجان ۱	پرسپولیس بنه گز ۱

هفته دهم:

پرسپولیس بنه ۱	ندسا بوشهر صفر
توحید بوشهر ۳	گاز جم صفر
بهمن برازجان ۲	ایرانجوان خورموج ۱
کارگر بنه گز ۲	امید گناوه۱

لیگ برتر پیشکش؛ به لیگ بدتر نرویم...

علی رضا حق پرست



روزی که قرار شد سهم ورزش بوشهر از گستره ی بی انتها و بزرگ پارس جنوبی که به دورترین نقاط کشور و جهان، گاز رسانی می کند با هزار منت و خواهش، زیر پوشش رفتن باشگاه شاهین بوشهر باشد و با گذشتن از حق مسلم مردم این شهر که همانا گاز است تا از ما بهتران در بلند مرتبه های آسمان خراش به حسن شعله های گرم گاز در آسایش و رفاه باشند و مردمان این شهر هم چنان کپسول های گاز را بر دوش خود حمل کنند ، کورسوری امیدی در دل فوتبال دوستان بوشهری نمایان شد تا سناریوی سال های سیاه این دیار دچار تحولی شود و پس از سال ها بستری آماده شود برای جولان دادن جوانان محروم بوشهری . اما این دوستان با انتصاب های تکراری و کاملا اشتباه خود سناریوی به مراتب تیره تر وسیاه تر از سال های پیش را برای این فوتبال نوشتند.

فوتبال بوشهر در این فصل شروعی پر هیاهو شلوغ و هیجان انگیز را پشت سر گذاشت سالی که قرار بود به برکت پول بی پایان پارس جنوبی در لیگ یک کشور آقایی کند و آرزوی دیرینه ی لیگ برتر را به حقیقت تبدیل کند . سالی که قرار بود سال پویایی فوتبال ما لقب گیرد و با ندانم کاری اهالی فوتبال که خود معلوم ، علتی به نام ناتوانی تصمیم گیرندگان این ورزش بود، تبدیل به سالی پر التهاب و پر از شکست همراه با خدشه دار شدن دل هزاران هوادار فوتبال این شهر شد. سالیان سال عقب افتادگی فوتبال بوشهر را به گردن نداشتن پول و اسپانسری مناسب انداختند اما باوری غلط در ذهنمان نقش بسته بود.زیرا به مراتب پول به این فوتبال تزریق شده بود اما حکایت قصه ی ما همان حکایت، حکایت خشت اول گر نهد معمار کج تا ثریا می رود دیوار کج بود و مهم ترین مساله حاکم بر فوتبال ما مدیریت ورزشی، مدیریت فوتبالی است هر چند که در بحث کلان فوتبال کشور تازه مدیری به خود دیده ایم و این درد کهنه ای است که تا درمان نشود فوتبال شهر ما جایگاه در خور و مناسبی در کشور نخواهد داشت و شکست های اندوه بار و پیروزی های اتفاقی همچنان تکرار خواهد شد. هرگز به این مهم توجه نشده که تصدی مسوولیت ها در چنین پست های حساسی که با خیل جوانان سرو کار دارد. ۲ شرط اصلی دارد . اول داشتن دانش ورزشی و دوم شایستگی مدیریتی. نگاهی به پیشینیه مدیریت در راس ورزش و فوتبالیمان چه در گذشته و چه در حال گواه و گویای این واقعیت است و شایسته بود به جای این همه هزینه در سالی که باشگاه شاهین هیچ مشکلی از لحاظ مالی نداشت مدیری می آوردند تا بستری فراهم کند که بتوان در سال های آتی از آن برداشت کرد یا مدیری مثل مدیران دیگر تیم های ورزشی زیر نظر پارس جنوبی که همگی در رده های بالای جدول مسابقات خود قرار دارند . وقتی قرار شد سعداوی مربیگری شاهین را به عهده بگیرد ، این امر در حالی اتفاق افتاد که سعداوی خود تا چند روزی ناباورانه به این اتفاق نگاه می کرد. تا باز هم شاهد یک گزینش براساس سلیقه و نظر شخصی که بدون مطالعه و بررسی گروهی و همه جانبه که از دید هر واقع بین و پخته ای این جور آمدن یقینا با همین جور رفتن همراه است و باعث شد هم چنان فوتبال بوشهر گیج و منگ به روزهای تهی از برنامه ی خود ادامه دهد.

اشتباه بزرگ در استخدام مربی در کوتاه زمان برای قدیمی ترین شاهین زندهی حال حاضر فوتبال ایران در این نکته اصلی و اساسی نهفته است که به همان نگاه به (بازی محلات) به یک امر باشگاهی که قرار است در کشور عرض اندام کند پرداخته شده و هر بار که میدان عمل پیش آمد و دیگر از حرف کار ساخته نبود واقعیت در مورد خطای استخدام سعداوی بیشتر رخ نمود و با این حال مرتب به آینده حواله داده شدیم ضمن ان که برنامه های آقای سعداوی که خود قرار داد یک ساله داشت اما برای ۲ سال برنامه ریزی کرده بود تقدیم مدیران کرد. تا تنها دلخوشی کسانی باشد که ادعای انتخاب منطقی و قابل قبول را داشتند که این نیز، بیش از یک خیال خام نبود و بنده های خدا هنوز هم نمی دانستند که فوتبال روی کاغذ تمام نمی شود و اصل ماجرا در میدان به وقوع می پیوندد. زنگ های خطر به صدا در آمد و خوش باورها از این بازی های بد و مردود چشم پوشیدند و دل به بازی بعدی خوش کردند تا شکست فاجعه آمیز مقابل کوثر تهران در بوشهر اتفاق افتاد و دیگر جایی برای توجیه و عوام فریبی باقی نگذاشت.

نمی توان و نباید بازخواست کرد سعداوی و سعداوی هایی را که ناخواسته وارد فوتبال شهر ما شدند زیرا مسوولیت اصلی با کسی است که راه را بری امثال سعداوی گشوده وآقا بفرما زده اند.

راستی آقای ایران دوست اول فصل کجا بود؟!

اما سوال این جاست که نصرت ایران دوست که برای نجات تیم در شرایط بحرانی انتخاب می شود چگونه اول فصل به چشم آقایان نیامد با شناختی که از این شخص قابل احترام داریم فکر نمی کنم اهل باز گذاشتن یقه پیراهنش هم باشد پس باز هم باید پرسید چرا؟ ؟؟

با آن که احترامی قلبی و اعتباری قبلی برای نصرت خان ایران دوست قایلم و او را یک مربی قابل و کار آمد در فوتبال ایران می پندارم اما شکل دعوت از ایران دوست برای مربیگری تیم شاهین را چندان اصولی و منطقی نمی دانم و چنین آمدنی همواره آبستن همان گونه رفتن است زیرا این جا، جایی برای پیاده کردن افکار مثبت شما، با ذهنیتی که بر فوتبال بر باد رفته ی بوشهر حاکم است افکاری که بزرگانی چون شمساها و اقدام ها را از این فوتبال دور نگه داشته است.صحبت از کسانی که دوباره برای مدیریت و سرپرستی باشگاه شاهین بر سر کار آمدند هم مثل این می ماند که در عصر ابر رایانه ها با چرتکه به حساب و کتاب پرداخت و مابقی ماجرا، دیگر باید گفت لیگ برتر پیشکش ، به لیگ برتر سقوط نکنیم.

پایان این فصل برای فوتبال بوشهر کاملا روشن است، یک مشت منحنی و نمودار پیش چشم ما می گیرد مثل سال های گذشته و با این خطوط کج و معوج ناکامی را برایمان توجیه می کنند.

اولیت اول منافع شخصی، اولویت دوم خرج کردن بی رحمانه پول مردم است.

به هر حال چرخ گردون روزگار بی امان می چرخد و شاید روزی وسالی برای جبران مافات و نوبت به شروعی مجددا فرا رسد به شرطی که این بار هم فو تبال شهر دوست داشتنی ام بوشهر چوب ندانم کاری صاحب منصبان فوتبال دوست نما را نخورد.



هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

نسیم جنوب

- صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
- مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
- صفحه آرایی و گرافیک: میثم قیصی زاده • عکاس خبری: عباس حید ری
- نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
- دفتر هفته نامه نسیم جنوب
- تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
- ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
- لیتوگرافی چاپ: کارگر

آشنایی با کاندیداهای تایید صلاحیت شده توسط هیئت نظارت شورای نگهبان در استان بوشهر

به گزارش خبرنگار نسیم جنوب سوابق برخی از کاندیداهای انتخابات مجلس در استان بوشهر بدین شرح است:

حوزه انتخابیه بوشهر گناوه و دیلم:

غلامعلی میگلی نژاد (شهردار سابق بوشهر) – علیرضا یزاف (مسئول روابط عمومی صدا و سیمای مرکز بوشهر) – حجت الاسلام دکتر باغچه بان(تنهای روحانی پزشک استان بوشهر) – مهندس عبداله پرور (کارشناس جهاد و کشاورزی) – عبدالکریم جمیری) ریس سابق دفتر هیئت نظارت شورای نگهبان در استان بوشهر و کاندیدای اصلی اصولگرایان)- صفر دارابی(کارشناس بانک رفاه گناوه) – شریعتی فرد (مدرس دانشگاه آزاد) – سید حسن موسوی (عضو اسبق شورای شهر بوشهر) – دکتر سید کریم موسوی (پزشک و فرهنگی در گناوه)

حوزه انتخابیه دشتستان :

دکتر شجاع (نماینده کنونی دشتستان)- اسکندری (رئیس سابق سرپرستی بانک سپه استان بوشهر) – ایوب پاپری (شهردار اسبق برازجان و مدرس هنرستان کشاورزی سعدآباد)- ایرج زاده (رئیس آموزشکده فنی و حرفه ای امام خامنه ای بوشهر و کاندیدای اصلی اصولگرایان) دکتر مهدوی (معاون دانشگاه آزاد کشور) – مهندس مهدی یوسفی (فوق لیسانس مهندسی عمران گرایش مدیریت پروژه از دانشگاه کالگری, کارشناس ارشد پالایشگاه گاز جم)

حوزه انتخابیه دشتی و تنگستان :

پورفاطمی (نماینده کنونی تنگستان و دشتی) – – عباس علوی نژاد (معاون سابق استانداری بوشهر و هرمزگان و مدیرکل منابع انسانی وزارت کشور)- ابراهیمی (دبیر فیزیک)- اتیار (کارشناس شرکت نفت) – حسین نژاد (مسئول اسبق کمیته انقلاب بوشهر...) – حیدری (کارشناس فرودگاه بوشهر) – دولاح (وکیل پایه یک دادگستری) – قطب الدین (کارشناس دارائی اهرم) – نادری زاده (دانشجوی دوره دکترای برنامه ریزی تعلیم و تربیت و رییس دبیرستان فایز خورموج) – نمازی (فرزند حجة الاسلام و المسلمین شیخ حسین نمازی و قائم مقام اسبق مرکز تحقیقات اسلامی کل سپاه)

حوزه انتخابیه دیر و کنگان :

حجت الاسلام حاجیانی (نماینده اسبق دیر و کنگان در مجلس) – قیصر صالحی (نماینده کنونی دیر و کنگان و جم) – شیخ موسی احمدی (رئیس ثبت و اسناد استان فارس و کاندیدای اصولگرایان)

حضور سه نماینده کنونی مجلس در انتخابات استان بوشهر

گرچه قبل از این خبر رد صلاحیت هر چهار نماینده استان توسط هیئت نظارت شورای نگهبان در استان بوشهر پخش شده بود اما به گزارش خبرنگار نسیم جنوب حضور سه نماینده استان بوشهر در رقابت های انتخاباتی قطعی شده است. دکتر شجاع نماینده دشتستان توسط هیئت نظارت استان تایید شده بود و مشکلی نداشت و نامه تایید صلاحیت پورفاطمی نماینده دشتی و تنگستان نیز صبح امروز به فرمانداری ارسال شده است. همچنین صلاحیت قیصر صالحی نماینده کنگان نیز تایید شده است. بنابراین شاهد حضور سه نماینده استان در رقابت های انتخاباتی خواهیم بود.

یهودیان ایران و افسانه فرهنگ ملی

محمود دهقانی – استرالیا



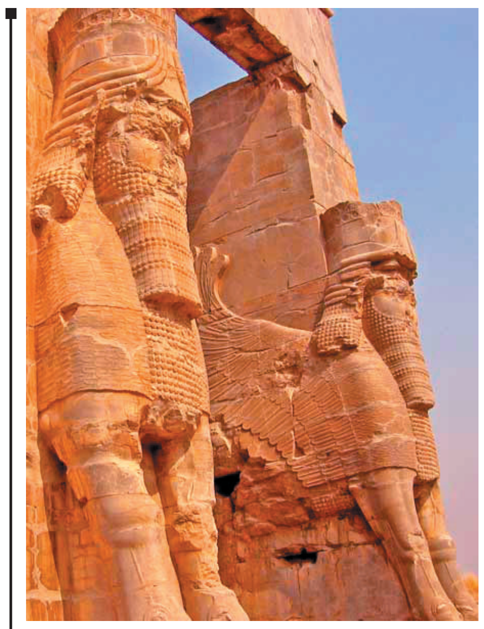
چندی پیش تلویزیون اس بی اس استرالیا که به دلیل برنامه ها ی متنوع ولی حساب شده تا حدودی در میان مهاجران غیر سیاسی تماشاگر و شنونده دارد فیلم مستندی در مورد یهودیان ساکن ایران پخش کرد. این فیلم تاثیر خوبی بر یهودیان در استرالیا داشت که جمعیت قابل ملاحظه ای از آنها در شرق سیدنی زندگی می کنند و شمار بسیاری از آنها مهاجران اسرائیلی ای هستند که به استرالیا کوچ کرده اند. در آن برنامه مستند با نماینده ی کلیمیان در مجلس ایران نیز گفتگو های کوتاهی شده بود. حرف های نماینده ی کلیمیان ایران تاثیر ژرفی بر افکار عمومی مردم در استرالیا داشت. کشور پهناور استرالیا که جمعیتش در حال حاضر به بیش از بیست و یک ملیون رسیده است و در منطقه اقیانوسیه و در آغوش آسیا ست روابط نسبتا خوب سیاسی و بازرگانی با ایران دارد. فیلم مستند در باره یهودیان ایرانی به هر نیتی که پخش شد ولی پیام آور این حقیقت بود که در خاورمیانه بعد از اسرائیل، این ایران است که جمعیت بزرگی از یهودیان را در خود دارد و آنها قدیمی ترین قوم یهودی ایرانی ای هستند که تاریخ سکونت آنان از دوران هخامنشی و پس از دوران بخت النصر بوده است. نکته ی جالب آن فیلم مستند گفتگو با دختران و پسران کلیمی بود که به کشورشان ایران عشق می ورزیدند و ابراز علاقه می کردند.

گفتگوی خانم ها و آقایان سن و سال دار کلیمی مملو از ابراز عواطف ملی بود. خانم و آقای مسنی در پاسخ به خبرنگار می گفتند وقتی برای دیدار فرزندانمان که در امریکا هستند به آنجا سفر می کنیم بیشتر از دوهفته دوام نمی آوریم و می خواهیم هر چه زودتر به وطنمان ایران برگردیم. دختران جوان که مثل دیگر دختران ایران ملزم به پوشش جارقد بودند و حجاب داشتند در مراسم مذهبی در کنیسه برای میهنشان ایران دعا می خواندند و تبلیغات سیاسی ضد فرهنگ ایران را نکوهش می کردند.

چند هفته پس از پخش آن فیلم بود که گالری هنر نیو ساوت ویلز سیدنی به مدت سه ماه آثار هنری فرهنگ اسلامی را به معرض نمایش گذاشت و جمعیت زیادی به تماشا رفتند و این خود در دورانی که تنش های فرهنگی در گوشه و کنار دنیا وجود دارد تاثیر ژرفی بر افکار عمومی مردم این گوشه ی دنیا گذاشت.

نمایشگاه هنر اسلامی در گالری هنر سیدنی نیز بیشتر طعم و بوی ایرانی داشت. از صفحات شاهنامه ی شاه طهماسپ صفوی گرفته تا کاسه های سرامیک قرن هیفدهم میلادی یعنی دوران شکوفائی هنر صفوی ها و در کوب (دق الباب) خانه های شمال میان رودان (بین النهرین) و دیگر آثار اسلامی هند و ترکیه در نمایشگاه به چشم می خورد. پرفسور ناصر دیوید خلیلی متخصص و کلکسیون دار معروف با ۳۰۰ قطعه ی عتیقه ی هنری به استرالیا سفر کرد و در نظر دارد نمایشگاهی همزمان با اولمپیک چین بر گزار کند. این برای اولین بار است که نمایشگاهی به این گستردگی در استرالیا برگزار شده است. قطعه های هنری نمایشگاه در بر گیرنده ی هنر های اسلامی قرون هیفده تا بیستم می باشد. در میان آثار عتیقه پرفسور خلیلی نسخ جامع التواریخ رشید الدین، برگ هائی از شاهنامه ی شاه طهماسپ صفوی، قالی ها و سرامیک های گران قیمت وجود دارد که ارزش برخی از آنها به ملیون ها دولار می رسد. پرفسور خلیلی معتقد است سهل انگاری و نادیده گرفتن هنر اسلامی اشتباه محض است. این عضو دانشگاهی و استاد تحقیق مطالعات مدرسه شرقی و افریقائی دانشگاه لندن و عضو هیئت علمی دانشگاه بوستن امریکا که در جوامع دانشگاهی غرب بدلیل شناخت عتیقه جات هنری مورد احترام و مضاف بر آن کلکسیونری معروف در جهان است خود یک یهودی ایرانی است که در سال ۱۹۴۵ میلادی یعنی شصت و یک سال پیش در شهر اصفهان متولد شده و در شش ماهگی با خانواده اش به تهران رفته اند. با همسرش که انگلیسی است در سال ۱۹۷۸میلادی یعنی سی سال پیش ازدواج کرده و قرارگاه هنری او یک ساختمان قرن هیجدهمی زیباست که در قلب (مایفر) قرار دارد. او در یک خانواده بازرگان عتیقه جات به دنیا آمده و تخصص در هنر و عتیقه در خون و رگ اوست.

او در باره زادگاهش ایران می گوید: " من در جامعه ای پا گرفته ام که در آنجا مشاجره و تبعیض میان مسلمان و یهودی نبود. ایران



گهواره ی همزیستی (هارمونی) مسالمت آمیز است. یهودیان ایران دیرینه ترین یهود ی های جهان بوده و عضو ناگسستنی جامعه ی ایرانی اند". پرفسور خلیلی پس از خدمت سربازی اش در هیجده سالگی از خانواده اش خواست که او را برای تحصیل به نیو یورک بفرستند. در سال ۱۹۷۴در علوم کامپیوتری فارغ التحصیل شد. اولین خرید و فروش هنری او قطعه های هنری فلزی اسپانیائی ، کارهای ژاپنی و پارچه های سوئدی بود. در نیویورک با خرید و فروش اشیا هنر ی و عتیقه جات به ثروت خوبی دست یافت. در سال ۱۹۷۰میلادی و در اوج رونق بازار عتیقه فروشی و دست اندر کاری افراد شاخص درخلیج فارس از جمله شیخ ناصر الصباح از کویت و شیخ سعد از قطر و موزه های خاورمیانه کار پرفسور ناصر خلیلی بیشرفت چشمگیری داشته است. اودر شناخت آثار هنری و باستانی جهان بویژه خاورمیانه ، آسیا و افریقا مورد توجه موزه ها و دانشگاه های مهم جهان است.

پانوشت: magazine World of Antiques & Art, a of art design and collecting history. Sydney, ۵۲. (The formidable-Australia. Issue ۷۲, pp.۴۶ (Nasser David Khalili.

به دعوت خانه مطبوعات استان بوشهر

بخارا در بوشهر

استاد علی دهباشی و فرهنگ و مطبوعات در بوشهر



هفته گذشته نشستی تحت عنوان فرهنگ و مطبوعات در سالن دریا سینما بهمن بوشهر برگزار شد.

این نشست با حضور استاد علی دهباشی صاحب امتیاز و سردبیر مجله ادبی بخارا و جمعی از نویسندگان و روزنامه نگاران بوشهری برگزار شد.

خانه مطبوعات استان بوشهر به دنبال ارتقاء سطح کیفی روزنامه نگاران و نویسندگان بوشهری با فراهم آوردن زمینه های مطلوب در این جهت گام برمی دارد و این بار با دعوت استاد علی دهباشی صاحب امتیاز و سردبیر مجله ادبی بخارا نشستی با مضمون فرهنگ و مطبوعات برگزار کرد.

در این نشست نخست قیصی زاده رئیس خانه مطبوعات استان بوشهر با بیان مظلومیت مقوله فرهنگ به لزوم تقویت آن اشاره کرد و از برگزاری نشست فرهنگ و مطبوعات توسط خانه مطبوعات استان بوشهر به منظور ارتقاء سطح کیفی روزنامه نگاران و نویسندگان بوشهری خبر داد.

در ادامه سید قاسم یاحسینی در سخنانی به معرفی استاد علی دهباشی و نقش ارزنده وی در فضای فرهنگی کشور پرداخت.

صاحب امتیاز و سردبیر مجله ادبی بخارا در نشست فرهنگ و مطبوعات و در حضور اهالی قلم گفت: « در همه جای دنیا کسانی که وارد این حوزه ها می شوند به ندرت به دنبال قدرت و یا ثروت می روند و آنها می خواهند با این نوع زندگی شان نشان دهند که با نوع دیگری از گذران زندگی که مسلط بر محیط است حرف بزنند و به نوعی در جست و جوی جای پا و ادای دین و نشان گذاشتن به آنچه که به عنوان نعمات زندگی در اختیارشان است به فرهنگ خانواده، شهر و یا سرزمینی که در آن زندگی می کنند و در تعبیر بالاتر به فرهنگ جهانی و انسانی و بشریت پاسخ می دهند.»

علی دهباشی افزود:« با مطالعه در احوال بزرگان فرهنگ ایران و یا بوشهر پی می بریم که این جست و جو و این حرکت را با هزینه های سنگینی از بابت زندگی شان پرداخت کردند چرا که از آن نوع گذران عبور کردند؛ بنابراین به کمترین قانع هستند و در کارشان به بالاترین هم قانع نمی شوند.آنها همیشه با این سوال مواجه هستند که چگونه می توانند نوع دیگری از تفکر درباره زندگی، انسانیت و فرهنگ را ارائه دهند و در این میان هر کسی این موضوع را با بیان و با حوزه امکانات و محدودیت ها و شرایطی که دارد بیان می کند.»

وی با اشاره به نقش مطبوعات در حوزه فرهنگ و ادبیات گفت:« طی صد سال گذشته آنچه که در عرصه مطبوعات در حوزه فرهنگ و ادبیات مهم بوده این است که نخستین نشریه ها و روزنامه ها همیشه بخش هایی را به مطالب ادبی و هنری اختصاص می دادند و با این کار همواره به یک سری نیازهای فرهنگی و ادبی شان پاسخ می دادند و از طرفی دیگر تنها امکان معرفی استعدادهایی که در جامعه وجود داشت این روزنامه ها و نشریات ادبی بودند.»

استاد دهباشی با اشاره به شکل گیری جریان های ادبی گفت: «در عرصه نویسندگان داستان نویسی و رمان ، مرحوم غلامحسین ساعدی و از نسل قبل تر بزرگ علوی ، صادق چوبک، و بعد جلال آل احمد، سیمین دانشور و بهرام صادقی نویسندگانی بودند که بوسیله نشریات و مطبوعات ادبی و گاهی بوسیله نشریات محلی خودشان (که به صورت جنگ های ادبی در شهرها منتشر می شد) منتشر می شد و نشان می دهد که مهم ترین شاعران و نویسندگان سال های بعد نخستین کارهایشان را در نشریات منتشر و معرفی کردند و بعد مورد نقد و بحث قرار می گرفتند و در کنار این معرفی ها جریان های ادبی شکل می گرفت که این جریان های ادبی از سطح کلاسیک، تا مدرن باز هم در حاشیه این نشریات ادبی شکل می گرفت.»

استاد دهباشی در ادامه به پرسش نویسندگان و خبرنگاران پاسخ گفت.

رئیس شورای شهر بوشهر:

با این تصمیم هیئت نظارت عملا امکان رقابتی شدن انتخابات در اکثر حوزه ها وجود ندارد



اعضای شورای اسلامی شهر بوشهر عصر امروز هشتادمین جلسه علنی شورا را با یک دقیقه سکوت در اعتراض به رد صلاحیت بی رویه و غیر قانونی داوطلبان نمایندگی دوره هشتم مجلس شورای اسلامی آغاز کردند

به گزارش سایت شورای شهر بوشهر دراین جلسه اردشیر محمدی باغملایی رئیس شورای اسلامی شهر بوشهر اظهار داشت با اعلام نتیجه رسیدگی به صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی توسط هیات نظارت استان عملا امکان رقابتی شدن انتخابات در اکثر حوزه ها وجود نخواهد داشت. وی افزود تکثر دواطلبان مهم است نه تعدد آنها و اگر بر اساس قانون عمل می کردند وضعیت به این صورت نبود که خیل عظیمی از نیروهای کار آمد ازگردونه انتخابات خارج شوند.

محمدی باغملایی در ادامه گفت: حفظ آبروی نظام از واجبات و وظیفه همه ماست ،قصد جنجال انگیزی و هیاهوی سیاسی بر پا کردن نداریم لیکن بدینوسیله اعتراض خودمان را در چارچوب قانون اعلام می کنیم و امیدواریم که دلسوزان و بزرگان نظام چاره اندیشی کنند و تجدید نظر لازم صورت گیرد.

رد صلاحیت دکتر محمود جمهیری شاخص ترین کاندیدای اصلاح طلبان در بوشهر



به گزارش خبرنگار نسیم جنوب بالاخره خبر رد صلاحیت دکتر محمود جمهیری شاخص ترین کاندیدای اصلاح طلبان در حوزه انتخابیه بوشهر، گناوه و دیلم نیز اعلام شد. دکتر محمود جمهیری از جانبازان دفاع مقدس است که قبل از این معاون سازمان مدیریت و برنامه ریزی بود و یک چهره علمی و اجرائی محسوب شده و هم اکنون استاد دانشگاه می باشد، شانس اول برای انتخاب شدن از سوی ائتلاف اصلاح طلبان استان برای معرفی در حوزه انتخابیه بوشهر، گناوه و دیلم بود.

ساخت نیمه تمام طبقه اول بیمارستان بوشهر و پیشرفت ۶۰ درصدی بیمارستان؟!

گزارشاتی که مسئولین استان به مردم و مقامات می دهند باید با واقعیات منطبق باشد این مطلب را مسعود شکوهی عضو شورای اسلامی شهر بوشهر در هفتاد و نهمین جلسه علنی شورا بیان نمود. وی گفت : باید یک بررسی صورت گیرد که در سفر رئیس جمهور محترم و هیئت دولت به استان مصوباتی که در ارتباط با کمک مستقیم به شهرداری بوده است مشخص شود شکوهی در ادامه افزود: ما از سفرهای استانی استقبال می کنیم اماموارد هم مطرح می شود که جالب نیست و باعث سلب اعتماد مردم می شود مثلا اعلام شده پیشرفت بیمارستان بوشهر ۶۰ درصداست در حالی که از ساختمان ۹ طبقه ای این بیمارستان طبقه اول آن هنوز به اتمام نرسیده ومردم هم شاهد آن هستند و این چهره خوبی ندارد و باعث بی اعتمادی مردم می شود و درخواستی که از مسئولین استان داریم این است که آمار و گزارشاتی که به مردم و مقامات می دهند منطبق با واقعیات باشد.

منبع: http://www.shora-bushehr.ir

نگاهی به وضعیت انتخاباتی در حوزه دیر ، کنگان و جم

رفاقت اصولگرایان در انتخابات

سجاد بهزادی



– پیش گفتار: سید محمد خاتمی رییس جمهور سابق ایران می گوید: «دین اگر بد فهمیده شود ، اگر خدا و انسان در برابر هم قرار گیرند ،اگر به نام دین عرصه بر اندیشه و حرمت انسان تنگ شود، طبیعی است که شاهد گریز از دین باشیم. دین را باید به گونه ای فهمید که با مردم سالاری و حقوق اساسی و واقعی بشر و پیشرفت جامعه و برخورداری عادلانه همه انسانها از مزایای زندگی سازگار باشد».

سعید حجاریان، تئوریسین جبهه اصلاحات ایران نیز می گوید:«ما در ایران راه درازی در پیش داریم تا به حداقل هایی از دمکراسی مطلوب برسیم، ایران معدل کشور های همسایه های خویش است و نمی توان توقع ای فراتر ازاین از او داشت.»

بالاخره آنچه همه گمان می بردیم اتفاق افتاد و اگر چیزی غیر از این اتفاق می افتاد باید تعجب می کردیم. در حال حاضر فضای کلی متاثر از تفکرات و رفتارهای افراد اصولگراست و در این چارچوب به طور طبیعی باید هم چنان شاهد عملکردهایی متناسب با این جریان که صد البته به صلاح نظام هم نیست باشیم.

نمی خواهم براین اتفاقات و دلایل آن مرثیه یا تحلیل دیگری بگویم چرا که همه چیز عادی و طبیعی است و در فهم می گنجد. ما وقتی بر امور و جریان های سیاسی کشور متعجب شدیم، که خاتمی بعد از این همه شعار آزادی خواهی و تفکر نو در کابینه دوم خود، مردانی از جنس راست گرا می گذاشت و طبل تحمل صدای مخالف را به سر می داد. آن حرکت جای تعجب داشت نه حرکت اخیر برای رد صلاحیت. حرکتی که مشخص است از در چارچوب پایبندی به اصول راست گرایی و برکنار زدن چهره ی مخالف است.

***

و اما شرایط فعلی نامزد های انتخاباتی در حوزه دیر ، کنگان و جم :

۱- چرا حسینی کنگانی رد صلاحیت شد؟

پَس از اعلام نتایج بررسی صلاحیت های داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی از سوی هیات های اجرایی و همچنین نظارت شورای نگهبان که بر اساس آن همه اصلاح طلبان رد صلاحیت شدند، بالاخره تکلیف عده ای دیگراز نامزدها تا خوان آخر روشن شد.

براساس این رد صلاحیت ها، اصلاح طلبان در غالب حوزه های کشور رقابت انتخاباتی ندارند و متاسفانه باید از همین الان به طور قطع اعلام کرد که اکثریت قریب به اتفاق مجلس هشتم نیز از آن اصول گرایان خواهد بود و میدان ها و حوزه های انتخاباتی برای اصول گرایان بی رقیب تضمین شده، حفظ شده است.

در استان بوشهرنیز به دلایل متعدد متاسفانه تا کنون در سه حوزه از ۴ حوزه، هیچ اصلاح طلبی از تیغ رد صلاحیت نگذشته است و حوزه ها عملا برای رقابت افراد اصول گرا با یکدیگر خالی شده است و آنها هر کدام وارد مجلس شوند قطعا در زمره جناح اکثریت اصول گرا قرار خواهند گرفت.

حوزه دیر، کنگان و جم نیز گر چه در این ایام، با تلاطم ها ی گوناگون از شایعه تا واقعیت روبرو بود اما در پایان در حالی که وضعیتی به نسبت بهتر از سایر حوزه ها ی استان و حتی کشور داشت، به دلیل رد شدن همه ی اصلاح طلبان، وضعیت وخیم تر و بحرانی تری پیدا کرده است ودر مورد رد صلاحیت ها و اتفاقات انتخاباتی این حوزه نیز مسایلی که تا کنون گذشته است مورد تحلیل و تجزیه نویسنده تا قبل از وقوع بوده است.

در حوزه دیر کنگان وجم افراد شاخصی از هر دو جناح اصول گرا و اصلاح طلب در لیست کاندیدای مجلس شورای اسلامی دیده می شدند. در لیست اصول گرایان کامبیز یوسفی ، عبدالله حاجیانی ، قیصر صالحی، شیخ موسی احمدی و سید اسدالله علمداری ودر لیست اصلاح طلبان نیز مجید حسینی کنگانی ، علی ایاز ، اکسیر و علی کرمی دیده می شدند.

من می خواهم در این فرصت در مورد فردی ازجنس اصلاحات که حوزه های حساس اجرایی را نیز تجربه کرده است و از نظر من دارای شرایط و مشخصات و اندیشه متفاوتی نسبت به سایر افراد نامزد در این حوزه است و تا لحظه ای که رد صلاحیت نشده بود نیز اقبال عمومی به نظر می رسید به سمت وی به شدت رو به افزایش بود اما مانند دیگر اصلاح طلبان رد صلاحیت شد نکاتی را باز گو کنم.

مجید حسینی کنگانی به عنوان شاخص ترین و توانمند ترین فرد اصلاح طلب حوزه دیرو کنگان و جم در حالی که اقبال عمومی به سمت وی به شدت رو به افزایش بود به دلیل عدم التزام عملی به اسلام و ولایت فقیه رد صلاحیت شده و گرچه همه دانشجویان و مردم هم چنان امیدوار به حضور وی در صحنه انتخابات و تایید صلاحیت وی هستند، دیگر او عملا در لیست تایید صلاحیت ها قرار ندارد.

مجید حسینی کنگانی بدون شک یکی از توانمند ترین فرد حاضر در حوزه های اجرایی استانمان است که همواره به دنبال راهکارهای توسعه و رسیدن به شرایط جدید در استان بوده است. او با درک صحیح از انرژی و پارس جنوبی به عنوان مهمترین مولفه توسعه در استان و هم چنین آموزش نیروی انسانی به عنوان پایدارترین نمونه ی توسعه دارای برنامه های متعددی است که در صورت ایجاد زمینه می تواند تحولی را برای استان بوشهر بیافریند.

از طرفی این توانمندی آمیخته با اندیشه ی چپ و مدرنی شده است که آن هم مورد احترام اهل اندیشه بوده و همواره در این راستا نیز مورد حمایت قرار می گرفته است .طبیعی است حضور این گونه افراد در بدنه سیاسی و اجرایی کشور به اتهام های مختلف که اکنون شاهدش بودیم سخت است. این افراد قطعا موثر بودنشان بر جریان های سیاسی و اجرایی معرض است و لذا با حضور خود در عرصه می توانند دخالت ها ی جدی داشته باشند. حسینی کنگانی در هر شرایط که در مجلس و یا دیگر جایگاهای کلان باشد می تواند در پرتو فعالیت ها و اندیشه ساسی و اجرایی خود بر تصمیم سازی ها و تصمیم گیری ها بسیار موثر باشد و در واقع من فکر می کنم این مسله دلیل اصلی رد صلاحیت وی شده است.

۲- دو شیخ اصول گرا در مقابل هم

وقتی شیخ موسی احمدی برای ثبت نام نمایندگی مجلس کار خود را آغاز کرد در همان ابتدا شایعاتی مبنی بر تاختن او بر شیخ عبدالله حاجیانی به گوش می رسید مبنی بر اینکه حاجیانی با ثبت نام خود به وی خیانت کرده چرا که در دوره های قبلی احمدی به نفع او و به خاطر او ثبت نام نمی کرده تا او نیز در این دوره به نفع وی ثبت نام نکند.

این دو بارها در دوره های قبل مجلس نیز به دلایلی با هم رفیق و رقیب بودند و به تفاهماتی نیز رسیده بودند به گونه ای که اکنون شیخ موسی بر این اعتقاد است که شیخ حاجیانی براساس توافقاتی که در سالیان قبل بر سر ورود هر کدام به مجلس دشته اند باید خود را کنار بکشد.

شیخ موسی مبارزات انتخاباتی خود را به شدت شروع کرد، او اگر چه نتوانست عبدالله حاجیانی را راضی به عدم شرکت در انتخابات کند اما هواداران سرنوشت ساز ارزشی حاجیانی را به سمت خود گرایش داد تا اینکه با همکاری آنها در سرلیست اول اصول گرایان قرار گرفت.

از طرفی شیخ عبدالله حاجیانی نیز که دو دور نمایندگی مجلس را تجربه کرده بود امیدوار بود بی پاسخ به هیاهوهای تنها همتای خودش یعنی شیخ موسی و با تکیه بر تجربه و یاران قدیمی که شاید هنوز وفادار مانده باشند، راه رسیدن به مجلس را کج دار مریض طی کند. چیزی که مسلم بود، اینکه او هرگز فکر نمی کرد بتواند خیلی زود مدعی اول راه یابی به مجلس باشد.

هر روز که از فعالیت انتخاباتی کاندیداهای موجود در این حوزه می گذشت شایعات زیادی به گوش می رسید. شیخ عبدالله حاجیانی با خونسردی خاص خود شایعاتی را مبنی به عدم حضور در انتخابات و انصراف خود دامن می زد و از طرفی شیخ موسی احمدی با پشتوانه نیروهای ارزشی که هشت سال قبل حاجیانی را به مجلس یاری داده بودند دست به تبلیغات وسیعی می زد.

حاجیانی در این مدت رایزنی های زیادی برای قانع کردن دیگر همشهری مدعی خود یعنی کامبیز یوسفی، برای انصراف وی به ثبت نام و کناره گیری به نفع وی کرد و اکنون که مدت ها از آن روز می گذرد گر چه حاجیانی به این امر محقق نشد ولی کامبیز یوسفی که به نوعی معصوم ترین نامزد این دوره در حوزه دیر ، کنگان و جم شناخته می شد تاکنون از تیغ رد صلاحیت جان سالم به در نبرده و در حیرت همگان ردصلاحیت شده است و عرصه برای حاجیانی بار دیگر بازو بازتر شد تا او قوتی دوباره بگیرد.(البته در حال حاضر که نویسنده این مطلب را می نویسد شایعاتی مبنی بر برگشتن یوسفی در عرصه انتخابات نیز به گوش می خورد که اگر چنین باشد او نیز به نوعی مدعی حضور در مجلس است).

از طرفی شیخ موسی احمدی نفر اول اصول گرای این حوزه نیز که قوی ترین رقیب انتخاباتی خود را مانند دیگر نامزدها، مجید حسینی کنگانی نفر اول اصلاح طلب این حوزه می دانست به نظر می آمد که خیالی آسوده دارد. انگار به نوعی می دانست که این مرد روشنفکر عرصه اندیشه و حوزه اجرایی رد صلاحیت خواهد شد و لذا اصلا نگرانی خود را از شهرستان کنگان، این شهر سرنوشت ساز حوزه انتخابات بر زبان نمی آورد تا اینکه شانس اول نمایندگی مجلس رد صلاحیت شد و عرصه برای این شیخ اصول گرا باز شد تا او نیز مانند شیخ عبدالله حاجیانی روحیه ای دوچندان بگیرد.

و حال ما ماندیم و دو یار دیروز و رقیب امروز و من که همواره به عنوان خبرنگار روشن کردن برخی مسایل در روزهای گرم وسرد انتخاباتی بوده ام در این شرایط نکاتی را می خواهم وا گو کنم.

نویسنده این نوشتار به عنوان فردی روزنامه نگار که عضو فدراسیون بین المللی روزنامه نگاران و عضو انجمن روزنامه نگاران ایران است و همچنین مسول ستاد انتخاباتی دکتر معین در شهرستان جم را نیز بر عهده داشته است، مدعی است همیشه بیانگر یک سری از واقعیت هایی در حوزه های سیاسی کشور و توسعه استان بوده است که نهایتا اقبال عمومی و تحلیل واقعی بر سر آن موضوعات اجماع نظر داشته اند گر چه ممکن است در پاره ای از مواقع آن چه بسامد جریان واقع گرا در استان و یا کشور باشد پیش نیاید، اما این مسله الزاما به معنی خطا رفتن ما نیست.

نویسنده که شاید بارها با حاجیانی وارد گفتمان انتقادی در ملاقات های حضوری و عرصه مطبوعات شده ام و همچنین شیخ موسی احمدی نیز به لحاظ تفکر و رفتار می شناسم به برخی نکات اشاره می کنم:

الف: مهمترین امتیاز شیخ عبدالله حاجیانی این است که او فردی ملایم تراست و تجربه هشت سال حضور وی در مجلس نشان می دهد که وی همواره به عنوان فردی اصول گرا که البته از حمایت نیروهای ارزشی نیز بهره می جسته است، کمتر به مسایل حاشیه ای برای تندروی با مخالفین خود بهره می جسته است. حاجیانی با تمام پایبندی که به اصول خود دارد همواره سعی کرده است با برخی از افراد چپ نیز ارتباط داشته باشد .

ب :مهمترین امتیاز شیخ موسی احمدی نیز این است که وی چنانچه فضا و زمینه کار برایش مهیا باشد برای رسیدن به هدف های کلیدی فردی سمج تر از حاجیانی است و در واقع در استفاده از فرصت ها چهره ی فردی بی خاصیت از خود نشان نمی دهد و سعی می کند مواثر باشد.

ج :هر دو اینها تئوری رفتارهای سیاسی و دیپلماتیک را خوب می دانند و در واقع در مواجه با فرصت ها و چالشها ضمن اینکه "فول" عمل نمی کنند، مورد تحقیر دیگر نمایندگان نیز قرار نخواهند گرفت.

د: و هر دو شیخ اصول گرایی هستند که همواره به نیروهای ارزشی تکیه بسیار دارند و چنانچه برنامه ریزی های سیاسی در مجلس نیاز به یارگیری داشته باشند، هر دوی اینها در این راه جانفشانی خواهند کرد و به نفع جریان راست حمایت خواهند کرد. البته با این تفاوت که شیخ موسی ممکن است در آیند تئوریسین جریان راست نیز شود ولی حاجیانی تنها حمایت کننده باقی خواهد ماند، شیخ حاجیانی حتی به کارگزاران سازندگی نیز قرابت همیشگی داشته است .

ه :یکی دیگر از امتیازات مهم شیخ عبدالله حاجیانی این است که وی دیگر حوزه حساس و سرنوشت ساز استان بوشهر یعنی پارس جنوبی را به خوبی می شناسد و تجربه کرده است و از خصوصیات مشترک وی با مجید حسینی کنگانی نیز در همین مسله است. مردم این حوزه و کلا بوشهریها همواره دوست دارند فردی که می خواهد وارد مجلس شود حتما برای پارس جنوبی آشنا و مسایل مربوط به آن جا را خوب بشناسد.

در این باره مسایل زیادی است که درآینده و در صورت روشن شدن افراد حاضر در انتخابات وتایید صلاحیت ها ،به آن خواهم پرداخت .